سوم: مطالعه کتب مفید و نافع.

چهارم: التزام با همنشین نیك و دوری از رفقای بد رفتار و برگزیدن رفیقان صدیق.

پنجم: ممنوعیت شراب، مسکرات و مخدرات از طرف دولت و جزاء و حد زدن کسانیکه آنها را تجارت میکنند و یا یکی بدیگری میدهند.

به این طور لازم است که تمام انواع قدرت های اجتماع برضد مفاسد و آفات اجتماعی قیام نمایند زیرا وقتیکه منکر و فساد شیوعیت پیدا کند و مردم بآن عادت بگیرند مطلق العنان می گردند و خطر و شر آنها عمومیت پیدا میکند طوریکه حضرت رسول الله ﷺ می فرماید: صفت کسانیکه حدود الهی را بجای می آورد مانند صفت کسانی است که در کشتی سوار می شوند و در سواری آن قرعه می اندازند که نام برخی در منزل زیرین و از برخی دیگری در منزل بالای آن می براید وکسانیکه در منزل زیر هستند وقتیکه آب می خواستند بر منزل بالا رفتند و گفتند که ما در حصهء خویش کشتی را سوراخ می کنیم و آب می خوریم و کسانیکه در منزل بالا هستند برای شان ضرر نمیرسانیم اگر ایشانرا بگذارند که منزل تحتانی را سوراخ نمایند همه شان هلاك می شوند و اگر آنها را مانع شوند خود شان و آنها همه از غرق شدن نجات می یابند.

حکم دین در استعمال دخانیات

از بیانات گذشته چنین برمی آید که اسلام بموضوع صحت توجه نموده و انسان را به سلامتی تشویق و به وقایه از امراض دعوت میکند و می گوید که وقایه بهتر از معالجه است.

اسلام بر ضد اعتیاد مبارزه میکند تا که عادات بد در اجتماع رواج نشود و دخانیات بدترین و خطرناکترین عادات است وحکم کردن براستعمال کنندهء آن بر اموری مرتب می شود که بآنها اشاره میشود:

اول: استعمال کنندهء آن سست و ضعیف می گردد و حدیث ام سلمه درین صدد صراحت دارد: حضرت رسول الله ﷺ از هرچیز سکر آور و سست کننده نهی نموده است. و این سستی در همه حالات نوشیدن وجود دارد برابر است که در اول مرحله باشد و یا که جداجدا بنوشد یا یکبار قطع کند و باز بنوشد و یا به آن ادامه بدهد ... در همه حالات دوران سر و سستی احساس میکند وحقیقت این است که فتور و سستی در استعمال دخانیات بصفت دائمی است و برای هر کس است و لیکن برای بعضی ها ظاهر نمیشود.

دوم: در دخانیات اسراف، تبذیر و ضیاع مال است که خداوند از آن نهی کرده: (وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلاَتُسْرِفُوا-وَلاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيراً،إِنَّ المُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِين)-(وَلاَ تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلىٰ عُنُقِكَ وَلاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ البَسْطِ)-(آیات مذکور چند بار ترجمه شده).

سوم: در دخانیات ضایع کردن مال است و اسلام ضایع کردن مال را حرام گفته، در حدیث صحیح است که رسول الله ﷺ می فرماید: خداوند سه چیز را برای تان می پسند دو سه چیز را بد میداند از شما راضی است که او را بپرستید و چیزی را برایش شریك نیاورید و بدین خدا چنگ بزنید و پراگنده نشوید و به اولوالامر تان نصحیت و خیر اندیشی کنید. و آن چیز هائیکه بد می بیند عبارت است از: غالمغال زیاد طلبیدن و سوال کردن و ضایع ساختن مال. پس ضایع ساختن مال حرام است و اگر در استعمال دخانیات نظر اندازیم سوختاندن مال

وشعله ورکردن آتش است و به صحت ووطن کدام مفادی ندارد.

چهارم: ضرر صحی آن: طب و علوم جدید کشف کرده که در استعمال دخانیات ضرر به صحت بوده و سبب پیدایش چندین مرض می گردد پس بدون شك آن حرام است و فعلا به تقریر فاکولته شاهی اطباء در بریتانیا می بینیم که در سال ۱۹۷۷ صادر شده است: که می گوید: مقدار نیکوتین که در یك سگرت موجود است اگر آن توسط سوزن در ورید تزریق شود برای کشتن یکنفر کافی است.

و همچنان تقریر سازمان صحی جهان در سال ۱۹۷۵ می گوید که: تعداد کسانیکه به استعمال دخانیات میمیرند یا زندگی فلاکتبار دارند زیادتر است از تعداد کسانیکه بواسطهء طاعون، کولرا، چیچك، جذام، تیفوئیدو تیفوس سالانه میمیرند ... و تقریر مذکور تائید میکند که وفیات از مدرك استعمال دخانیات زیاد تر است از تمام وفیات به اثر امراض مختلف و تقریر سازمان صحی جهان می افزاید که: توقف دادن دخانیات سبب خوبی صحت و طول عمر می شود که تمام وسایل طبی بآن موفق شده نمیتواند.

چون ضرر دخانیات در حیات انسان باین اندازه ثابت است بنابران بدون شك آن حرام است خداوند می فرماید: (وَلَاتُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَه) بنابران در کشیدن دخانیات خود را بدست خود درهلاکت انداختن است و در دخانیات ضرر هم به خود و هم بدیگران می باشد زیرا استعمال کننده دود آنرا در هوای که فامیل و دیگران زندگی می کند پراگنده می سازد و لذا کسانیکه عادت ندارند هم متضرر می شوند و رسول الله ﷺ از ضرر خود و اضرار به غیر را نهی کرده فرموده است که:«لاضرر و لاضرار»

والله اعلم

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمند
دکتور حسینی عبدالمجید هاشم
معاون سابق جامع الازهر

پیش ازینکه به استعمال دخانیات فتوی بدهیم لازم می بینیم که اهتمام و توجه اسلام را بصحت بیان داریم و مخصوصاً که دخانیات به صحت انسان دارای خطرهای بزرگ است.

اسلام به صحت ابدان و صحتمند بودن بدن توجه نموده و مطالب خورد و نوش جسم را تنظیم کرده است طوریکه می فرماید: بخورید و بنوشید واسراف نکنید و اسلام نظافت و حفظ بدن را لازم دانسته طوریکه، وضوء وغسل برای نظافت و طهارت بدن است و درنظافت و طهارت اعضاء ازیکطرف نشاط بوده وازطرف دیگر وقایه ازمکروبات است خداوند میفرماید: (إِذَا قُمْتُمْ إِلىٰ الصَّلاَة...) یعنی وقتیکه به نماز برخاستید روی خود و دست های تانرا تا آرنج ها بشوئید و بر سرتان مسح کشید و پاهای تانرا تابه شتالنگ ها بشوئید .

در رعایت ابدان و حفظ صحت می فرماید: (وَلاَ تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلىٰ التَّهْلُكَة- وَلاَ تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ) ودراستعمال دخانیات انداختن نفس در هلاکت است که ما را اسلام از آن منع کرده و هم درآن اسراف و مصرف بیمورد مال است که اسلام از اسراف و تبذیر نهی می نماید و در

استعمال دخانیات ضرر به صحت بوده و به حنجره و گلو مرض و در دهن بوی بد تولید میکند. اسلام به استعمال مسواك امر می نماید: حضرت رسول الله ﷺ می فرماید: مسواك سبب پاكی دهن و رضای خدا میشود (بروایت نسائی و امام احمد).

اسلام از خوردن هرچیز مضر نهی کرده برابر است که این ضرر به نفس شخص باشد یا بدیگران و فرموده: لا ضرر ولا ضرار و بعضی ها می گویند که در دخانیات مفادی است مانند: معالجه امراض، و معالجه خسته گی های روحی وغیره که تمام این اقوال غیر صحیح است زیرا دخانیات معالجه و شفاء نبوده بلکه خودش مرض و درد است.

اسلام به صحت اجسام علاقمندی خاص دارد و می گوید که مسلمان قوی از مسلمان ضعیف بهتر است و صحت از بزرگترین نعمت های الهی بشمار میرود و لازم است که آن حفظ گردد و شکر خداوند بجای آورده شود رسول الله ﷺ می فرماید: دو نعمت است که اکثریت مردم در آن ها فریب خورده و قدر آنرا ندانسته اند که صحت و بیکاری و فراغت است. بروایت بخاری، و ترمذی وغیره از حدیث عبدالله ابن محصن روایت میکنند که رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه به بدن صحت از خواب بر خیزد و در روز در نفس خود با امن باشد و روزی یك روزه هم داشته باشد مثل این است که همه دنیا برایش میسر شده است. در صورتیکه اسلام به این ترتیب حافظ صحت باشد و در دخانیات ضرر یقینی است پس بدون شك که آن حرام می باشد و مخصوصاً که در دخانیات به سبب تاثیر آن در بدن استهلاك قوت تولیدی است وچون صحت ضعیف می باشد بنابران در نتیجه تولید نیز کم و ضعیف می شود.

درصورتیکه در دخانیات نوشیدن مواد قیر باشد پس این ماده در

پیدایش سرطان موثر است طوریکه نیکوتین در مرض فشار خون تاثیر مستقیم دارد و ضررهای مانند التهابات در جهاز تنفسی نیز از اثر استعمال دخانیات می باشد. و ضرر دخانیات تنها به شخص استعمال کننده منحصر نمانده بلکه بدیگران هم سرایت میکند و به فامیل، فرزندان، اطفال و به همنشینانش نیز تاثیر دارد زیرا ایشان همیشه باوی بوده و مانند وی به التهابات قصب الرئه دچار می شوند و دخانیات طوریکه بمردان مضر است بزنان نیز مضر می باشد مخصوصاً بزنان حامله، طوریکه به نقص و ضرر جنین تمام می شود و طوریکه احصائیه و آمار وفیات نشان میدهد نسبت وفات پیش از شصت و پنج سالگی دو برابر در مردمی است که معتاد به دخانیات هستند. و هم چنان غیر حاضری در کار از آنها سه برابر دیگران است و نسبت سرطان شش از ۷۰-۹۰ برابر از مردم معتاد به دخانیات زیادتر است از دیگران.

دخانیات رابطه زیادی به زخم معده و زخم اثنا عشری دارد و هم چنان مردم را به امراض دوران خون مبتلا می سازد و بزنان تاثیر خطرناك دارد زیرا این نوع زنان نسبت بدیگران زود به سن یاس و پیری میرسند. و هم چنان جنین این زنان ناقص و بدخلقت بار می آیند و در بین این نوع زنان دوای منع حمل نیز زیادتر استعمال می شود.

حکم دین در استعمال دخانیات :

بعد ازدرك اضرارصحی، ضیاع مال و ضیاع یك حصهء زیاد اقتصادیات بصراحت می گوئیم که: استعمال دخانیات حرام است.

بلی در سابق بعضی ها بکراهیت آن فتوی[1] داده و حرمت آنرا تصریح نکرده اند و این بدلیل است که آنها اضرار آنرا کشف نکرده بودند و علم

جدید باین حدی نرسید بودکه اضرار آنرا در پیدایش مرض ها به اثبات رساند که بر سبیل مثال امراض ذیل را می نویسیم: سرطان دهن، شش، حلقوم، و مثانه و غلظت خون، وغیره وغیره.

شك نیست که اسلام دخانیات را بخاطر هلاك ساختن انسان نفس خود را حرام گردانیده و گفته است که خود را بدست خود درهلاکت نداندازید و هم چنان درآن اسراف و مصرف بیمورد است که خداوند می گوید بخورید و بنوشید و اسراف نکنید و در دخانیات اسراف و ضیاع مال و گذاشتن آن در غیر محل است ازین سبب خداوند مبذرین را برادران شیطان نامیده است. و قراریکه گذشت در دخانیات ضرر به نفس بوده وامراض مختلف از آن پیدا می شود و هم چنان ضررش به اشخاص دیگری مانند اعضای فامیل، همسایه و کسانیکه باوی زندگی می کنند میرسد و هر چیز مضر را خداوند حرام گردانیده است و رسول الله ﷺ می فرماید: «لا ضرر و لا ضرار» و در دخانیات انسان خود را بدست خود به انواع امراض و خطرهای که منجر بقتل می شود می اندازد و انسان خود را بدست خود می کشد و خداوند می فرماید که لا تقتلوا انفسکم و در دخانیات سست و ضعیف شدن اعضاء است و رسول الله ﷺ از هر چیز سکر آور و سست کننده ء اعضاء نهی کرده است و شخص استعمال کننده در اثنای استعمال و بعد از آن این را احساس میکند.

شیخ یوسف دجوی عضو جماعت کبار علماء در کتاب خود بنام مقالات و فتاوی می گوید که: در بین متأخرین در حکم استعمال دخانیات اختلاف است بعضی ها آنرا حلال و برخی هم آنرا حرام میداند و حقیقت این است که حکم کردن بیکی ازین دو چیز خالی از افراط و تفریط نیست پس ضروری است که بحالت شخص استعمال کننده و تاثیرش بروی بنگریم.

پس بکسیکه دخانیات ضرر داشته و صحتش را متضرر می سازد به اتفاق بروی حرام است زیرا حفاظت بدن از جملهء آن عمومیات است که تمام ادیان آنرا واجب میدانند و بکسیکه ضرر نمیرساند و لیکن به پول آن برای خود یا برای نفقهٔ فامیل خود ضرورت دارد نیز حرام است. و اگر ضرر مالی و بدنی نداشته باشد بحرمت آن کدام دلیلی وجود ندارد. و در اضرار طبی آن ممکن است که هر انسان از طبیبان سوال کند و ضرر مال را هر کس خودش فهمیده می تواند.

بعضی از مردم استعمال آنرا بدلیل اینکه بدعت است طور مطلق حرام میدانند و می گویند که هر بدعت، ضلالت و گمراهی است و هر ضلالت در دوزخ میرود و لیکن این نظریه صحیح نیست زیرا بدعتیکه شریعت آنرا منع کرده عبارت از آن چیزی است که بجواز آن از اصول شریعت مانند کتاب، سنت، اجماع و قیاس کدام قرائن و دلائل وجود نداشته باشد بنابران این سخن جواز ندارد که گفته شود که هر بدعت و نوپیدا حرام است زیرا بسیار لباس ها و مواد و آلات و اسباب در زمان حضرت رسول الله ﷺ و اصحاب و تابعین وجود نداشت.

این نظریات سابق است و امروز طوریکه علوم جدید و طب معاصر کشف کرده امراض خطرناك و مهلك از استعمال دخانیات بوجود می آید مانند سرطان و امراض خون وغیره و به این اساس ضرر آن ثابت و یقینی است، و فعلاً هر چند مردم بگویند که در دخانیات ضرر نیست و به اموال شان نقصان نمیرساند ما برای شان می گوئیم که مصرف مال در دخانیات اسراف و تبذیر بوده و آن حرام است زیرا مصرف مال در جهت مفاد نبوده بلکه در جهت ضرر و فساد است بنابران صرف مال در تبذیر است و اسلام از تبذیر منع کرده آنرا حرام دانسته است طوریکه می گوید: (وَلَا تُبَذِّرِ

تَبْذِيراً إنَّ الـمُبَذِّرِينَ كَانُوا إخْوَانَ الشَّيَاطِينِ)

از تمام این بیانات نتیجه می گیریم که استعمال دخانیات حرام است و بر مسلمانان لازم است که بر ضد این عادت خطرناك و مهلك مبارزه نمایند و بحال اغنیاء مناسب این است که اموال شان را در پروژهای عام المنفعت مصرف نمایند و به فقراء و مساکین کمك کنند و برای جوانان و کارگرانیکه به این عمل بد و مکروه عادت دارند می گوئیم که شما به این عمل تان خود را در هلاکت انداخته و مال تانرا بناحق مصرف می کنید و این اسراف و تبذیر است که خداوند هر دوی آنرا حرام گردانیده و شما به صحت خودتان ضرر رسانیده و خود را بدست خود در هلاکت می اندازید.

بنابران بر شما لازم است که ازین فعل بد ومضر خود را بدور نگهدارید واز آن توبه نموده و به خدا رجوع کنید وخود را نجات دادن ازین عادت کارمشکل نیست بلکه آسان وساده است و امکان داردکه هر انسان از عهدهء آن بدر آید وکافی است برای او که خودرا دررمضان مبارك به این کارعادت داده وتوبه نماید و با نفس خود مبارزه کند. زیرا در آن طوریکه از خورد ونوش خود را نگه می کند ازین عادت بدهم میتواند که حفظ نماید.پس من برای هرمسلمان چه زن وچه مردو برای جوان وکارگر میگویم: از دخانیات توبه نموده و بخدا رجوع کنید وازین عادت بد که مرگ تدریجی است خود را نجات بدهید و صحت تانرا بواسطه آن ازبین نبرید، واو بدلیل این قول حرام است که:(وكُلُوا وَاشْرَبوا وَلاَ تُسْرِفُوا) [سوره اعراف آیت ۳۱] (وَلاَتُلْقُوابِأَيْدِيكُمْ إلىٰ التَهْلُكَة) [سوره بقره ۱۹۵]

وبدلیل حدیث که حضرت رسول الله ﷺ از هر چیز سکر آور و سست کنندهء اعضاء نهی نموده «و حدیث لا ضرر و لا ضرار...»

وبالله التوفيق

خلاصهء

حکم استعمال دخانیات
از نظر علماء معاصر دینی

تهیه کننده

فضیلتمند شیخ مهدی عبدالحمید مصطفی

مدیر نشرات جامع الازهر

و عضو مجلس اعلی امور دینی

ضعف تولید به اعتبار کیفیت یا کمیت می شود بنابران حکم شریعت این است که استعمال آن حرام است وباید استعمال کنندگان آن اعم از اشخاص جلاب و تجار جزاء داده شود که بدیگر جلابان و تجار آن پند وعبرت گردد، و درین باره قلت و کثرت و یا زیادت و کمی مقدار آن یك حکم دارد که آن حرمت است.

شیخ عبدالله مشد

عضو تحقیقات اسلامی و رئیس انجمن

فتوی در جامع الازهر

* * *

وقتیکه ضرر استعمال دخانیات تا این اندازه برای ما معلوم شد در حرمت آن کدام شك واشتباهی باقی نمی ماند.

دکتور احمد عمر هاشم

استاد و رئیس دیپارتمنت حدیث

فاکولته اصول دین، جامع الازهر

* * *

به اساس معلومات سابق می گوئیم که معتاد شدن به دخانیات حرام است و بر مسلمانان واجب و لازم است که بر ضد این عادت مضر وهلاك کننده مبارزه نمایند.

دکتور حسینی هاشم

معاون سابق جامع الازهر

حمد بر خدا و درود بر محمد مصطفی ﷺ و بر آل و اصحاب وی.

سازمان صحی جهان از سال تأسیس یعنی از ۱۹٤۸باینطرف تا امروز در خدمت همه بشریت قرار گرفته و نقش سازنده و مثمر خود را اداء کرده است. و رسالت آن هم تحقق خیر و سعادت برای بنی آدم است زیرا اگر برای هر انسان تمام لوازم زندگی مهیا باشد بدون داشتن صحت سعادتمند و خوشبخت شده نمی تواند واین سعادت و صحتمندی کامل انسان هدف اصلی این سازمان است و این هدفی است که منحصر بیك دولت یا چند دولت معین نبوده بلکه برای تحقق صحت تمام بشریت در حدود زمان معین یعنی تا سال دوهزارم است.

این سازمان بخاطر رسیدن بهدف مذکور وتحقق مرام بین ملت ها تبعیض نژادی، دینی، سیاسی و حالت اقتصادی و اجتماعی را قایل نبوده بلکه همه را بیك نظر می بیند وامکانیات و مواد صحی را بهمه شان توزیع عادلانه می نماید بلکه فرصت اعاده صحت را برای هر فرد در ضمن اجتماع خواهان است.

این سازمان باعتبار اینکه اولین و ابتدائی ترین مرکز صحی و کلید وصول به تحقق صحت برای همه است، عناصر اصلی واساسی اش را قرار ذیل تقدیم میدارد:

۱- رهنمای مربوط به مشکلات صحی موجود وطرق وقایه و مبارزه برضد آن.

۲- تعلیم راهای بهتر ساختن غذای پاك و سلیم.

۳- برابر ساختن آب آشامیدنی کامل و مناسب برای نوشیدن.

٤- رعایت صحت طفل و مادر.

٥- قرنتین ضد امراض ساری.

٦- مبارزه بر ضد امراض محلی.

٧- تداوی امراض وجروحات معمولی.

٨- تهیهء ادویه اساسی

واین کار از وظائف اصلی این سازمان در تنظیم و هماهنگ ساختن عمل بین المللی و تشویق در بحث و تحقیق علمی و در فراهم آوردن وسائل تخنیکی مثمر است.

ازجمله مهمترین قضایای که این سازمان حل آنرا بدوش گرفته مشکل دخانیات است زیرا دخانیات با آنکه دارای اضرار اجتماعي، اقتصادی و صحی است بازهم مانند مرض وباء در تمام اطراف جهان منتشر شده و شیوعیت یافته است.

در شهرجنیوا کمیسیون تشکیل شد که راجع به اضرار وآثار دخانیات تحقیق نماید و اولین جلسه این کمیسیون در تاریخ ٩ - ١٤ دیسمبر ١٩٧٤ بود که این کمیسیون موضوعات مربوط به دخانیات را از نظر طب ارزیابی کرده و توصیات لازم را راجع به تداوی این مشکل ارائه کرد و طریق مبارزه بر ضد آنرا نیز مخصوصاً در ممالك رویه انکشاف جهان تقدیم نمود.

دفترمنطقوی بحیرهء مدیترانه -که یکی ازدفترهای مربوط سازمان صحی جهانی است به فیصله جات و تقریرهای کمیسیون مذکور اکتفاء نکرده بلکه از طبیبان متخصص ومشهور مصری که شهرت جهانی داشتند نیز استمداد وازایشان خواهش نمود که راجع به خطر و اضرار دخانیات تقاریرواضح وصریح بنویسند که امراض سرطان وصدری وغیره را بار مـی آورد.

دفتر منطقوی شرق بحیرهء مدیترانه ایمان دارد باینکه تعلیمات و هدایات دینی دارای نقش اساسی جذری در نفوس مسلمانان است و یك مطلب را زود تر در کرسی قبول می نشاند پس این دفتر به اساس وظیفه و رسالتی که درمبارزه برضد دخانیات دارد،، آرای یك تعداد کثیری از علمای دین را درحکم دخانیات بدست آورد که حکم اسلام درآن واضح نوشته شده و به این اساس دفتر مذکور برنامه متین را طرح کرده و قدمهای را در راه تربیهء سلیم برداشت و ممکن است که آن دارای نقش و تاثیر واضح برمبارزه برضد دخانیات و یا از بین بردن آن داشته باشد. و ما بعد از تقدیم این مقدمه خلاصهء بحث نخبهء از علماء را تقدیم میداریم و امیدواریم که این زحمات به کامیابی انجامیده و نتیجهء نیك و خوب بدهد.

والله الموفق و المستعان

دخانیات چه وقت شروع شده و چگونه انتشار یافت

باشندگان مکسیکو اولین مردمی بودند که تنباکو را شناختند و مدت شناخت شان زیادتر از دوهزارو پنجصد سال است ووقتیکه کروستوف کولو مب امریکا را در سال ۱٤۹۲ م کشف کرد دید که مردم تنباکو را استعمال میکنند و نبات تنباکو را یکی از سیاحان مکتشفین امریکا وقتیکه از امریکا به اسپانیا برگشت باخود آورد وآن در عهد فلیپ دوم پادشاه اسپانیا بود ، و جان نیکوسفیر فرانسه در شهر پرتگال تنباکو را به فرانسه آورد و با ین ترتیب دخانیات در اروپا در اواخر قرن شانزدهم میلادی رواج یافت. و از اروپا به آسیا و افریقا نقل داده شد و یك شخص یهودی آنرا در اواخر قرن دهم هجری به مغرب زمین عربی انتقال داد و یکی از عیسویان آنرا از انگلستان به ترکیه نقل داد و به مصر و عربستان و دیگر ممالك وسط افریقا بدست تعدادی از مجوس ها برده شد.

دخانیات و جهان قدیم

مردم اروپا برضد دخانیات که از امریکا آمده بود مقاومت زیاد کردند لیکن تخم تنباکو به ممالك شان بطرق مختلف آورده شد و بعضی از پادشاهان موقف قاطع گرفتند و رجال دین مردم را از آن متنفر ساختند و رسالهٔرا بنام مسکرات جافه (مواد نشه آور خشك) تالیف کردند و جیمس اول کتابی را در اضرار دخانیات نوشت و دولت روسیه جزاءو عقوبتی را بر تاجران آن مقرر کرد ، و جزای شان شکستن بینی و تبعید شان به سائبریا بود و در قرن هفدهم میلادی در بعضی ممالك قوانینی صادر شد که آنرا حرام خواند.

درجهـــان اسلام: استـاد حسین مجیب مصـری درکتـاب خود، بنام فارسیات و ترکیات می نویسد: سلطان مراد چهارم خلیفه عثمانی معتادین بدخانیات را تحت فشـار قرار داده و بر ضد شان در مجالس شان جواسیس مقرر کرده بود و ایشان را اعدام می کرد و در وقت جنگ با ایران استعمال کنندگـان دخـانیـات را هر کس کـه می بود چه از عـسـاکـر خـودش و چه از اسیـران ایرانی اعـدام می کرد و شـاه عبـاس اول (١٦٢٩) شاه ایران بینی آنها را سوراخ نموده و چوب را در آن می گذاشت و پسر او شاه صفی سرب را ذوب کرده در دهن آنها می انداخت.

نظریهء علمای سابق در استعمال دخانیات

چون در بین عـرب ها و مسلمـانان در زمان نزول رسالت و بعد از آن دخانیات وجود نداشت تا آنکه در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری در بین شـان ظاهر شد به این اساس یك حکم قـاطع دربارهٔ آن وجود نداشت که نـازل شده و حکم شـریعت را طور مـعین و محـدد بآن اثبـات کند از ین سبب بر علمای دیـن که در زمـان انتشـار آن زندگی می کـردند واجب بود تا نظریـهء دین را دربارهء آن بیـان نمایند و لیکن نسـبت نبـودن نص صـریح و مسـتقیم که آنرا در کدام جملهء احکام شرعی پنجگانه حساب نماید وجود نداشت (وجوب، حرام، مکروه، مستحب، اباحت) زیرا نظریات علماء درین باره مـتفق و یکی نبـود در بین این احکام دوران می کـرد بنـابران بعضـی ها حرام و برخی مکروه و عدهء هم مباح میدانستند گروهی هم توقف می نمودند زیرا کـه اضـرار و آثار صـحی آن از یك شـخص تا شـخص دیـگری تفـاوت دارد. از جـملهء فـقـهـائیکه آنرا در جـملهء حرام یا در دائرهء مکروه تحریمی قرار داده اند عبارتند از:

از فقهای احناف :

شیخ شرنبلالی، شیخ اسماعیل نابلسی، شیخ مسیری،علامه عمادی، علامه علاوالدین حصکفی، شیخ ابن احمد، عبدالعظیم مکی، محمد ابن صدیق زبیدی، محمد ابن سعدالدین، شیخ محمد عبدالباقی مکی، شیخ محمد سندی، محمد عینی، شیخ ابوالحسن مصری.

از فقهای شافعی :

شیخ شهاب الدین قلیوبی، شیخ نجم الدین غزی، شیخ سلیمان بجیرمی، شیخ عمرابن عبدالرحمن حسینی ، شیخ ابراهیم ابن جمعان، وشیخ عامر،

از فقهای مالکی :

شیخ ابراهیم لقانی، شیخ سالم سنوری، شیخ خالد سویدی، شیخ محمد ابن فتح الله ابن علی مغربی، شیخ ابوغیث قشاش مغربی وشیخ خالد ابن محمد عبدالله جعفری.

از فقهای حنبلی :

مصطفی رحیبانی، شیخ محمد حنبلی، منصور بهوتی، شیخ احمد سنهوری، شیخ عبدالله ابن شیخ محمد ابن عبدالوهاب.

نظریات و فتاوی مماثل فقهای معاصر

از فقهای معاصر فتاوای صادر شده که بانظریات این فقهاء مشابهت داردعبارت است : فتوائیکه از انجمن فتوای جامع الازهر صادر شده و در

مجلهء تصوف اسلامی ماه محرم ۱٤۰۵ هـ موافق ماه اکتوبر ۱۹۸٤ م نشر شده است که می گوید:

نظر به گفتار اهل معرفت و تخصص و کنفرانس های طبی به یقین ثابت شده که دخانیات بصحت مضر است که سبب پیدایش سرطان شش حنجره و اضرار بشرائین می باشد و هم چنان مصرف مال در آن بیفائده بوده و ضرر بصاحب مال است.

و هم چنان بتاریخ ۲۷ -۳۰ جمادی الاولی ۱٤۰۲ مطابق ۲۲ - ۲۵ مارچ ۱۹۸۲ میلادی در مدینه منوره کنفرانس برگزار شد و در آن گفتند که استعمال تنباکو، زراعت و تجارت آن حرام است. و در فتوی شیخ محمد ابن ابراهیم آل شیخ سابق مفتی اعظم مملکت عربستان سعودی ذکر شده که درخبائث، نشه آوری، بدبوی و سست کردن اعضای انسان توسط دخانیات کدام شك و اشتباهی وجود ندارد بنابران قرار روایات صحیح، عقل صریح و نظریات طبیبان معتمد آن حرام است.

دلیل فقهائیکه به تحریم یا بکراهیت تحریمي آن قایلند

فقهائیکه به تحریم یامکروه تحریمی آن قایلند دلایل ذیل را ارائه میدارند:

۱- اطباء و متخصصین علم طب اضرار آنرا ثابت کرده اند و ضرر هر چیزیکه ثابت شود آن حرام است.

۲- دخانیات سست کنندهء اعضاء است بنابران شامل آن نهی می گردد که از مسکرات نهی شده بدلیل حدیث حضرت ام سلمه که میگوید حضرت رسول الله ﷺ ازهرچیزمسکرو سست کنندهء اعضاءنهی کـــرد.

۳- دخانیات بوی بد دارد که از بوی بد آن دیگران و هم چنان فرشتگان اذیت می بینند و اسلام از اذیت دیگران توسط بوی بدهم منع میکند صحیحین از حضرت جابر روایت میکند که حضرت رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه سیر و یا پیاز بخورد از ما و از مسجد ما دور بنشیند و در خانه اش باشد و بوی دخانیات در کراهیت و اذیت کمتر از بوی سیر و پیاز نیست و در اذیت ملائکه نیز از حضرت جابر در صحیحین ذکر شده که رسول الله ﷺ فرمودند: از چیزیکه انسان ها متأذی می شوند ملائکه نیز اذیت می بیند و در نهی عمومی از اذیت انسان مسلمان از حضرت انس طبرانی در کتاب اوسط باسند خوب روایت میکند که: کسیکه مسلمانی را اذیت کند مثل این است که مرا اذیت کرده و کسیکه مرا اذیت میکند مثل این است که خدا را اذیت نماید.

٤- شکی نیست که مالیکه در دخانیات مصرف می شود در جملهء اسراف است زیرا در آن مصرف ضرر بدون مفاد است و اسراف از روی شریعت ممنوع است.

۵- خداوند می فرماید: که برا ي شما چیزهای پاك را حلال و خبائث را برای تان حرام گردانیده است. و دخانیات از جمله خبائث می باشد.

٦- خدا می گوید که خود را نکشید و خود را بدست خود در هلاکت نه اندازید و در دخانیات هر دو موجود است.

۷- حدیث شریف بروایت احمد می فرماید: «لاضرر ولا ضرار» و در دخانیات ضرر است بنابران حرام می باشد.

نظریات اجازه دهندگان دخانیات

نظریات فقهاء راجع به اباحت دخانیات پیش از تحقیقات طبی و صحی است که از نظر صحت اضرار و مفاسد آنرا ثابت ساخته است و آن ضرر عادی نبوده بلکه ضرر هلاك کننده می باشد که در اکثر اوقات معالجه آن مشکل می گردد. و ایشان هم وقتی به اباحت آن نظر دادند که دلیل قوی وواضح بر ضرر آن نشان داده نمی توانستند و امروز بعد از آنکه اضرار آن به دلایل ثابت گردیده آن اباحت از بین رفته و رد شده است، از ین سبب نظریات فقهائیکه دفترمنطقوی سازمان صحی جهان از ایشان نظر خواسته و آنها نظریه تقدیم کردند، تقریباً شبه اتفاق به تحریم آن دارند.

ویا کم از کم به مکروه تحریمی آن قایلند و سبب آن هم این است که این دفتر منطقوی سازمان صحی جهان در شرق بحیرهء مدیترانه بیش ازینکه نظریهء آنها را بخواهد نظریات و تحقیقات دکتوران و متخصصین طب و خبراء صحت را در نزد شان گذاشت که به اساس آن نظریه شان در حکم شبه اتفاق آمد زیرا بر اساس واضح و نتائج یقینی و تحقیقات علمی استوار است.

اضرار دخانیات از خلال تقریر و نظریهء متخصصین طب

استاد دکتور عبدالعزیز سامی استاد امراض صدری و رئیس سابق فاکولته طب پوهنتون قاهره می گوید: اضرار و مفاسد دخانیات به اندازهء واضح است که هیچ شك را نمی پذیرد و اضرار آن ذیلا تقدیم است:

احصائیه و ارقام دلالت میکند برینکه نسبت وفات اشخاص پیش از

سن شصت و پنج در معتادین به دخانیات دوچند کسانی است که به دخانیات عادت ندارد و نسبت غیرحاضری در کار و وظیفه سه چند زیادتر است و نسبت سرطان شش از ۷۰ - ۹۰ ٪ در کسانی است که به دخانیات عادت دارند و امراض مختلف شش در اینها شش برابر نسبت بدیگر مردمان است و بسیاری شان به امراض قلبی میمیرند و دخانیات به زخم معده رابطهء مستقیم دارد و سن یأس و پیری در زنان معتاد زود تر میآید ووفات جنین و تغیر در خلقت وولادت قبل از وقت در زنان معتاد بیشتر است نسبت به زنان غیر معتاد و کسانیکه با این مردم زندگی می کنند مخصوصاً در جای های باشند که هوای آن آزاد نباشد نیز به عین امراض دچار می شوند و مطالعات ثابت ساخته که کسانیکه در ین شرایط دود را استنشاق می کنند ممکن برابر دود کشیدن سگرت در یك ساعت باشد - چنانچه دکتور اسماعیل سباعی عضو مجلس اتحادیه جهانی برضد سرطان می گوید:

امراضیکه از استعمال دخانیات پیدا می شود خطر ناکترین امراض بوده و سبب زیادترین وفات انسان ها در عصر حاضر از همین حساب میشود. امراض مربوط به شش، رگ های خون، قلب، مغز ۵۰ ٪ بوده و سرطان ۳۰ ٪ وفیات را تشکیل میدهد مخصوصاً در دولت های پیشرفته، و دخانیات بزرگترین عوامل آن است.

دکتور شریف عمر استاد جراحی سرطان پوهنتون قاهر می نویسد:

دخانیات طور یقین به صحت مضر و خطرناك است که مرض سرطان و امراض قلبی و غیره را بوجود می آورد.

ازین امراض می توانیم نام ببریم که: سرطان شش، سرطان حنجره، سرطان دهن، سرطان مری، سرطان مثانه، سرطان گرده، سرطان بنقریاس،

* * *

کشت و زراعت، استعمال و تجارت دخانیات حرام است زیرا در آن ضرر وجود دارد و حدیث شریف می فرماید: که نه ضرر را قبول کنید و نه بهمدیگر ضرر برسانید و نه جزای ضرر را بضرر بدهید، و دیگر اینکه دخانیات از جمله خبائث بشمار میرود و خداوند در وصف پیغمبر خود چنین می فرماید:(وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الخَبَائِثَ) یعنی پیغمبر صلی الله علیه وسلم برای امت خود چیزهای پاك را حلال گردانیده و چیزهای خبیث و ناپاك را حرام می گرداند.

انجمن دائمی وتحقیقات علمی

و فتوی در عربستان سعودی

عبدالعزیز ابن باز : بحیث رئیس

عبدالرزاق عفیفی : بحیث معاون

عبدالله ابن غدیان : بحیث عضو

عبدالله ابن قعود : بحیث عضو

امراض قلب و اوعیـهء خون، و امراض شش ها و .... و دخانیات برای زنان اضرار و خطرهای جداگانه و خاص دارد؛ زیرا منجر به نقصان در نمو و کمی وزن جنین می گردد و بعضی تغییراتی در خلقت آن هم پیدا می شود و نسبت وفات در جنین این زنان چه قبل از ولادت و چه در اثنای آن به ۲۸٪ میرسد و ایشان به سن یأس و نازا شدن زودتر میرسند.

و دخانیات به جنین تاثیر مستقیم دارد واضرارآن از خون مادر به جنین انتقال پیدا می کند واین تاثیر بعد از ولادت هم تا سن یازده سالگی دوام دارد.

استادان دکتور اسماعیل سباعی و دکتور عبدالباسط اعصر استاد و رئیس دیپارتمنت سرطان در انستیتیوت ملی اورام به این نظریه دکتور شریف عمر موافقه دارند.

دکتور محمد مرزبانی استاد کیمیای دواسازی و معالجه سرطان در فاکولته ملی اورام پوهنتون قاهره می گوید: بدون شك ثابت شده که دخانیات سبب پیدایش چندین مرض می گردد که مهمترین آن ها عبارت است از:امراض جهاز تنفسی، قلب، تصلب شریان ها، سرطان شش، حلقوم، بنقریاس، مثانه و این هم ثابت شده که ضرر آن منحصر به شخص استعمال کننده نمانده بلکه به اشخاص ماحول وی همان تاثیر را دارد.

استاد دکتور محمد علی بار عضو فاکولته طب می گوید:

درضرر دخانیات کدام شکی وجود ندارد بلکه تاثیر بد دخانیات بر صحت شدیدتر است از خطر طاعون، کولرا، چیچك، سل و جذام و... ما تاثیر بد و نافرجام دخانیات را وقتی میدانیم که درك کنیم که از اثر آن همه ساله ملیون ها انسان جان خود را از دست میدهند و ملیون های دیگر به اثر دچار شدن به امراض گوناگون به مشقات و تکالیف دچارمی شوند.

مهمترین امراض دخانیات

أ- جهاز تنفسی:

مانند سرطان شش، حنجره، التهابات مزمن قصیبات و امفیزیما.

ب- قلب و جهاز دوران:

تپش قلب، مرگ مفاجات، تپش رگ های خون، شل، فلج و اضطرابات دوران خون.

ج- جهاز هضمی:

سرطان لب، دهن، حلقوم، مری، زخم معده و اثنا عشر و سرطان بنقریاس.

د: جهاز بولی:

تومور های سلیم مثانه، سرطان مثانه و سرطان گرده...

هـ: زن حامله و طفل:

زیادتی سقط، کمی وزن طفل، زیادت وفیات در وقت ولادت و زیادتی جنین مرده، زیادتی التهابات شش و اطفال شیرخوار...

و: امراض نادره:

مانند التهاب رگ های چشم، کوری، زیادت امراض حساسیت مثل ارتکاریا. التهابات جلدی، امراض گوش، گلو، بینی، زیادت فشار خون، بول شکري، زیادت کولسترول و چاقی زیاد.

دکتور بار می افزاید:

به اثبات رسیده که ۹۵٪ مرض شرائین ساق از اثر دخانیات است و تنها ۵٪ آن در وجود کسانی است که بدخانیات عادت ندارند و به این اساس قریب است که این مرض در وجود معتادین دخان منحصر باشد و نیز ثابت شده که ایشان به سرطان دهن، مری، حنجره چند برابر اشخاص غیر معتاد مبتلا می گردند و وفیات مبتلایان دخانیات بمراتب زیادتر است از وفیات مجموعی امراض وبائی و از سه نفر ایشان یکی شان به سبب دخانیات میمیرند.

نظریهء علمای معاصر دینی در روشنائی نظریه طبیبان و متخصصین :

طوریکه پیشتر اشاره کردیم دفتر منطقوی سازمان صحی جهان در شرق بحیرهء مدیترانه در صدد آن بر آمد که نظریه یك تعداد طبیبان و متخصصین ومحققین طبی را جمع آوری کرده وآنرا نزد علمای دین بگذارد تا به حیث دلیل و حجت در پیشروی خود بگذارند و به اساس خطر و اضرار آن فتوی بدهند، به این اساس برای این علماء فرصتی پیدا شد که برای علمای سلف وخلف نشده بود زیرا ایشان از اضرار آن به یقین اطلاع حاصل کردند که در آن هیچ گونه شك و اشتباهی وجود ندارد و نظریات شان مبنی بر اساسات متین، قوی، دلایل یقینی بود پس در حکم آن اتفاق نمودند وآرای شان بیك نقطه تمرکز حاصل کرد که حکم آنرا از دائرهء تحریم یا در اقل تقدیر از کراهیت تحریمی که نزدیکتر به تحریم است بیرون نکردند. اگر چه که با نظریه شان علمای سابق ولاحق مخالفت نمایند زیرا آن علمای سابق ولاحق معذورند که از اضرار و مفاسد آن اطلاع نداشتند وبنابران حکم شان هم بر اساس علم شان به ضرر ویا عدم ضرر بود. ولی این علماء نظریات شان را بر اصول ذیل بناء کردند:

اول : ثبوت ضرر دخانیات به انسان باندازهء است که او را به هلاکت میرساند و انسان خود را در هلاکتی می اندازد که از آن نهی شده است خداوند می فرماید: خود را نکشید و به هلاکت نه اندازید - وهم چنان دین ما طوریکه از اضرار بدیگران منع می کند از ضرر رسانیدن به خودهم منع میدارد و این حدیث مشهور است که «لا ضرر و لا ضرار...» بروایت ابن ماجه، دارقطنی

دوم: تحقق صفت اسراف، تبذیر، اضاعت مال بدون مفاد که تمام آنها از نگاه شریعت ممنوع است. خداوند می فرماید: اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست نمیدارد - و تبذیر نکنید زیرا تبذیر کنندگان برادران شیطان هستند. و از مغیره ابن شعبه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: خداوند بر شما اشیای ذیل را حرام گردانیده: نافرمانی مادران، چیزی ندادن به سوالگران، وهمیشه طلب کردن از دیگران، زنده بگور کردن دختران، وغالمغال، کثرت سوال و ضایع کردن مال و هم چنان جناب شان فرمود که: در جملهء پرسیدنی های که در روز قیامت از بنده می کنند یکی هم سوال از مال اوست که از کجا بدست آمده و بکجا مصرف نموده؟

سوم : بدبوی آن نزد صاحبان طبع سلیم که آنرا در جمله خبائث می آورند و نظریهء دین راجع به خبائث واضح است که خداوند می فرماید: مسلمانان متقی کسانی اند که از روی صدق واخلاص رسول امی را متابعت می کنند آنکه او را در تورات و انجیل یافتند که به کار نیك امر کرده و از بدی منع می کند و برای شان چیزهای پاك را حلال و ناپاك را حرام می گرداند... [اعراف آیت ۱۵۷]

والله اعلم

سوال و جواب راجع به دخانیات

س : آیا دخانیات به صحت ضرر دارد؟

ج : بلی، به اتفاق همه در سال ۱۹۶۲ فاکولته طب شاهی بریتانیا یك رابطه را بین سگرت و تاثیر منفی آن به صحت اعلان کرد.

ودرسال ۱۹۷۰ سر طبیب ایالات متحده امریکا با تمام صراحت اعلان کرد که استعمال سگرت بصحت مضر است.

ودر سال ۱۹۷۸ متخصصین سازمان صحی جهان اعلان نمودند که دخانیات سبب اصلی اصابت بمرض و مرگ نابه هنگام است و تلافی آن اجتناب از دخانیات یا از ابتداء مبتلا ناشدن به آن است.

س : موادیکه در تنباکو وجود دارد و بر صحت خطرناك است چیست؟

ج : خطرناکترین این مواد: کاربن مونواوکسید، نیکوتین، مواد ترکیبی قیر با انواع آن.

س : این مواد چگونه انسان را هلاك می سازد؟

ج : کاربن مونوکسایدآن گازی است که قوت و قدرت خون رابرای انتقال اکسیجن ضعیف و کم می سازد و نیکوتین سبب ادمان و استمرار عادی میشود مانند کوکائین و مورفین که انسان را معتاد به تنباکو می سازد که بدون آن زندگی کرده نمی تواند و فشار خون را بلند برده و در سرعت قلب می افزاید و بر قلبی فشار می آورد که بواسطهء کمبودی اکسیجن ضعیف شده است و اجتماع کاربن مونوکسااید

ونیکوتین هر دو انسان معتاد به دخانیات را به لرزش شرائین قلب، مغز و رگ های خون می سازد که سبب سکتهء قلب و دماغ میگردد و انواع مواد ترکیبی قیر که سبب سرطان میگردد بادیگر مواد مضر تنباکو باعث پیدایش سرطان شش، امفزیما و التهاب مزمن در قصبه میشود.

س : آیا سگرت هائیکه مواد قیری و نیکوتین کمتر داشته باشد خطرش بر صحت کمتر است؟

ج : هرگز نه، زیرا آن شخص بخاطر تکمیل این نقصان به استعمال دخانیات و استنشاق آن زیادتر می کوشد و به این ترتیب در جسم وی همان مقدار معتاد ازمونوکسایدکاربن، نیکوتین، مواد قیر وغیره سرایت میکند.

س : آیا سگرت های فلتر دار خطر ندارد؟

ج : دارد زیرا که فلتر دار مانع گذشتن مونوکساید کاربن، نیکوتین و گازهای مضر تنباکو نمی گردد. بر خلاف کسانیکه از سگرت فلتر دار استفاده میکنند به سکتهء قلبی و دماغی زیادتر مبتلا هستند.

س : آیا سگار و پایپ دارای خطر کمتر است؟

ج : تنباکویکه بر سگار و پایپ استعمال می شود نیکوتین و مواد قیری آن زیادتر است از تنباکو که در سگرت استفاده می گردد و دودیکه از سگار و پایپ می براید دارای کثافت بیشتر است بنابران خطر آن شدید تر و بدتر می باشد.

س : آیا تنباکوی بدون دود وجود دارد؟

ج : آن تنباکویست که در دهن جویده می شود دود کرده نمیشود و یا ممکن

است که در دهن از طرف شب گذاشته شود ویا ازمزهء آن استفاده میگرددکه آن بشکل نسوار است که میده شده یا بشکل تنباکوی که می جوند و یا بشکل پودر نرم و یا نیم کوفته و یا بشکل نسوار خشك می باشد.

س : آیا تنباکوی بدون دود ، در عوض سگرت استعمال شود دارای خطر است؟

ج : بلی دارای خطر می باشد که سبب سرطان دهن وتلف شدن دندان ها می گردد زیرا آن مشتمل است بر مواد سرطانی ونیکوتین که باعث ادمان و استمرار آن می شود.

س : چه اندازه پول بر ترویج تنباکو و استعمال دخانیات در جهان مصرف می شود . ؟

ج : بسویهء جهانی سالانه دوهزار و پنجصد ملیون دالر امریکائی برای ترویج تنباکو بمصرف میرسد و این مبلغ برای حمایت تمام اطفال دنیا از شش مرض کفایت میکند: دفتریا ،سیاه سرفه، تیتانوس، سرخکان، فلج اطفال، توبرکلوز.

وپولیکه در استعمال دخانیات بمصرف میرسد چهل مرتبه زیادتر از آن است یعنی صد هزارملیون دالر امریکائی.

س : سالانه چه تعداد مردم از اثر استعمال دخانیات میمیرند؟

ج : به سویهء جهانی سالانه دونیم ملیون نفر از اثر استعمال آن میمیرند یعنی در هر سیزده ثانیه به اثر استعمال دخانیات یکنفرجان خود را از دست میدهد.

س : فیصدی وفیات مربوط بدخانیات چند است؟

ج : کسانیکه به اثر سرطان شش میمیرند ۸۵ ٪ و به اثر التهابات قصبی مزمن ۷۵٪ و به اثر امراض قلبی ۲۵ ٪ که همه نتیجهء دخانیات می باشد.

و همه حالات سرطان شش قابل معالجهء بجراحی نمیباشد و کسانیکه امکان معالجه شان به جراحی باشد پنج فیصد بوده و مدت پنج سال در قید حیات می باشند و بس.

امراضیکه به دخانیات رابطه دارد نسبت بزرگ وفیات را در جهان تشکیل میدهد مثلاً: ۳۰ ٪ در کیوبا - ۲۵ ٪ در امریکا - ۱۰ - ۲۰ ٪در بریتانیا ، و ... ..٤٠ وفات سالانه در امریکا و ۱٤۰ . . . وفات درجرمنی و . . . ۱۰۰ در بریتانیا و . . . ۷۰ در ایتالیا و ۲۳ . . . وفات در آسترلیا.

س : خطر و اضراردخانیات که مخصوص بزنان است چیست؟

ج : در صورتیکه زن معتاد به دخانیات ،تابلیت منع حمل را از طریق دهن استعمال نماید ده چند خطر اصابت سکتهء قلب، سکتهء دماغ و یابندش در رگ های ساق برایشان پیدا می شود ووقتی خطر بر آن زن زیاد می شود که فشار خون داشته و مقدار کولسترول آن از حالت عادی بلند باشد. وخون حیض از آن زن سه سال پیشتر قطع میگردد.

س : خطریکه جنین آن زن را تهدید میکند چیست؟

ج : وقتیکه زن حامله دخانیات استعمال کند جنین وی که در شکمش است نیزآنرا استنشاق میکند و توسط زن حامله کاربن مونوکساید ونیکوتین در مجرای خون آن طفل نقل می نماید بنابران وی اکسیجن

را بسیارحاصل کرده نمیتواند و ضربات قلب وی اضافه میگردد و طفل مذکور دارای وزن کم می باشد ووقتیکه بررفتن شروع میکند قدم های کوتاه و پراگنده برمیدارد و در اکثر اوقات صحتش دارای علت و مرض می باشد و خطر آن بر زن در جهان سوم زیادتر می باشد به علت اینکه فشار فقر، کم خونی و کثرت اطفال در آن زیاد تر است.

س : استعمال دخانیات در حالت اجبار کدام است؟

ج : شخص غیر معتاد به استنشاق آن مجبور گردد که آن وقتی است که دیگران استعمال کنند و او همرای شان باشد.

س : آیا این نوع استعمال دخانیات هم بصحت ضرر دارد ؟

ج : تنباکو خواص کیمیاوی دارد که سبب تخریش چشم، بینی، و حلقوم دیگران هم می شود که با شخص معتاد نشسته باشند مخصوصاً در جائیکه بسته باشد مانند دفتر، خانه یا جاهای عمومی دیگر وآن نه تنها سبب تکلیف و تخریش فوری و بسیط میشود بلکه دارای خطر صحی نیز می باشد. واحصائیه ثابت ساخته است که سرطان شش در زنانیکه شوهران شان معتاد است بمراتب زیادتر است از زنانیکه با اشخاص غیر معتاد از دواج کرده اند.

در سال ۱۹۸۵ محکمه سویدن حکمی را صادر کرد که در نوع خودش اول بشمار میرفت درآن حکم کرده بود که: به اعتبار اغلب وفات یکی از مامورین غیرمعتاد بسبب نزدیکی بارفقای معتاد صورت گرفت بنابران محکمه به فامیل او حکم تعویض را نمود.

و وفیاتیکه بسبب استعمال اجباری دخانیات واقع شده در امریکا سالانه بین ۴۰۰۰۰/ - ۵۰۰۰۰ نفر بوده و در برتیانیا به / ۱۰۰۰۰ نفر بالغ شده است.

س : مفادیکه بعد از خلاصی از دخانیات بدست می آید چیست؟

ج : نجات از بدبوی دهن، بدبوی موی، ملابس، و نجات از زرد شدن دندان و از حریق هائیکه گاه ناگاه در منازل واقع می شود و یا سوختن اثاث البیت و سامان خانه و عدم ضرورت به اعتذار دخانیات در وسط مردم و هم چنان نجات از تکلیف مصرف زیادیکه از درك استمرار بوجود می آمد.

پس انداز کردن مالیکه در آن مصرف می شد که آنرا بمصارف اساسی خوب تر و بهتر بمصرف برساند و نفس او دارای بوی خوب شود و شعور و احساس به عافیت و سلوك و رفتن به حیات صحی و تندرستی.

س : مسئولین صحت عامه به چه چیز دعوت می کنند؟

ج : اشخاص غیر معتاد حق دارند که هوای خالی از دود را استنشاق نمایند مخصوصاً در محل کار ووظیفه وجاهای عمومی بسته مخصوصاً وقتیکه طعام خورده شود. و برطبیبان و مسئولین صحت عامه و پرستاران لازم است که خود شان درین ناحیه مثال خوب باشند که دخانیات رااستعمال ننمایند. و در شهرهای که دخانیات استعمال نمیشود ورود آنرا در آن شهر ها شدیداً تحت کنترول بگیرند.

وضع برنامه های تعلیمات صحی که هدف آن وقایه از ادمان و

نــــص فتـــاوى

Published by M.O.P.H. Afghanistan with
technical and financial support of W.H.O.
July 1997

ناشر وزارت صحت عامه دولت اسلامی افغانستان
بامساعدت مالی وتخنیکی سازمان صحی جهان

جولائی ۱۹۹۷ء

استمرار باشد مخصوصاً به جوانان و برنامه به نجات آن تعداد معتادین که میخواهند دخانیات را ترک نمایند و ترجیح دادن صحت عموم برمفاد شرکت های تنباکو فرق نمی کندکه شرکت ها مربوط بدولت باشد یا که به اشخاص.

تغیر دادن مفکورهء مردم به دخانیات به طرزیکه استعمال نکردن دخانیات سلوك طبیعی و اجتماعی باشد و به استعمال دخانیات به نظری دیده شود که سلوك شاذ و منحرف است.

حکم شریعت در استعمال دخانیات

به قلم فضیلتماب امام اکبر

جاد الحق علی جاد الحق

شیخ جامع الازهر

الحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله

وبعد:

فقهاء وعلماء مسلمان در فهم حقیقت دخانیات توجه و اهتمام خاص نموده و در اطراف آن و بر آثار مرتبه بر استعمال آن تحقیقات و تتبعات زیادی نمودند و از روی آن به اساس اثبات ضرر یا نفع به حیث نتیجه آن به حکم شرعی توصل ورزیدند. زیرا درنصوص قرآن و سنت طور ظاهر درباره‌ء آن کدام چیزی وارد نشده است، چه استعمال دخانیات در اوایل قرن یازدهم هجری در سرزمین اروپا معروف و استعمال شده و سپس در مملکت های مراکش و سودان و از طریق آنها بدیگر سرزمین های اسلامی سرایت کرد و پیشتر از آن استعمال آنرا کس نمی شناخت.

از زمان ظهور و استعمال آن در ممالك اسلامی فقهاء درباره‌ء آن اقوال مختلف دارند گروهی می گویند که دارای فوائد زیادی است بر سبیل مثال یکی آنها می گوید که: طعام را هضم و زهریات را از بین می برد و کرم ها را در معده می کشد و خروج بلغم را آسانتر می سازد و سر و جسد را گرم

نگاه کرده و زکام را تخفیف میدهد، و سبب تقویت همت گردیده و باعث سهولت و سرعت خروج مواد فضله می گردد.

گروه دیگری به اساس تحقیق و نظریه اطباء و حکمای عصر شان می گویند که استعمال دخانیات ممکن است در ابتدای آن بعضی منافع را در بدن تولید کند ولی به اساس تداوم آن پرده در چشم ،سستی در اعضا و قبضیت در جها ز هاضمه پیدا می شود و بعضی شان چنین می گویند که: چون آن گرم خشك بوده بنابران سبب تشنگی و خشکی بدن می گردد، و به قلب و دماغ مضر بوده و باعث غلظت خون و لرزه و تپیدن دل میشود.

ازاینجا نظریات واقوال فقهاء اختلاف پیدا کرده وحکم شان هم متنوع ومختلف می گرددکه بین اباحت، کراهیت و منع و حرمت دور می کند. و اساس این اختلاف حکم در اصل اشیاء است، بعضی ها می گویند اصل در اشیاء حرمت است مگر اینکه دلیل شرعی بر اباحت آن پیدا شود وبرخی دیگری می گویند که اصل در اشیاء اباحت است مگر اینکه دلیل شرعی بر حرمت آن بوده باشد و گروه سومی بین نفع و ضرر فرق کرده می گوید که هر چیز مضر حرام و چیز مفید مباح است.

بنابران کسانیکه می گویند دراستعمال دخانیات منافع است به اساس این منافع به اباحت آن حکم می کنند و کسانیکه در نزد شان ضرر آن ثابت شده به اساس ضرر مذکور آنرا حرام میدانند و کسانیکه در نفع و ضرر آن متردد هستند آنرا مکروه می گویند. و بعضی ها هم استعمال آنرا اسراف میدانند زیرا که آن بپول گزاف خریداری می شود بنابران در جمله اشیای حرام شامل می گردد علاوه بر آنکه دارای بوی بد بوده و اذیت آن بدیگران هم میرسد مخصوصاً به معتاد آن. بنابران به حرمت آن حکم میکنند. به این

ترتیب می بینیم که اقوال فقهاء درحکم استعمال دخانیات یکی نیست زیرا در نزد آنها طور یقینی اضرار و مفاسد آن ثابت نشده وعلاوه بر آنکه دلیل و یا نص شرعی ظاهربر حرمت و کراهیت آن هم وجود ندارد.

یکی از علماء تمام این آراء و نظریات را خلاصه وجمع نموده می گوید که: آن مباح است طوریکه کتاب رد المحتار یا فتاوی شامی این مطلب را گفته است و علامه اجهوری در رساله اش این مطلب را یاد کرده است که از امامان مذاهب چهارگانه کسی به اباحت و حلیت آن فتوی داده که به وی در امور دینی اعتماد کرده می شود. وعلامه عبدالغنی نابلسی حنفی در رساله اش این مطلب را تائید کرده و در اباحت آن می گوید: بر حرمت و کراهیت آن کدام دلیل شرعی وجود ندارد و مست کردن و سست نمودن اعضای همه معتادین نیز به اثبات نرسیده است تا که آن حرام مطلق ویا مکروه تحریمی بوده باشد. پس آن در تحت این قاعده می آید که اصل در اشیاء اباحت است و در کتاب اشباه و نظائر در باب اصل در اشیاء اباحت یا توقف است می گوید: اثر آن در جای ظاهر می شود که حکم آن چیز مجمل یا مشکل و پوشیده باشد که از آن جمله دخانیات است. و در کتاب رد المحتار یا فتاوی شامی ذکر است که: داخل کردن دخانیات تحت این قاعده اشاره به این است که آن نه اسکار می آورد و نه ضرر دارد و نه اعضای بدن را سست وضعیف می سازد، طوریکه چنین گفته شده به این اساس حکم آن بین اباحت و توقف دور می کند .. و.

وقول مختار همانقول اولی است زیرا نظریهء راحج نزد جمهور احناف و شوافع طوریکه در کتاب - تحریر - نوشته شده، اصل در اشیاء اباحت است مگر اینکه طوریکه علامه طحطاوی می گوید که به سبب عوارض وعلت خارجی استعمال آن مکروه تحریمی است مانند خوردن پیاز و سیر در

مسجد که حکم دخانیات را نیز به آن قیاس می کنند و یا در حالت قرائت قرآن که در تعظیم کتاب الله اخلال وارد میکند تا آنکه می گوید: کراهیت آن عارضی است زیرا ما در سائیر حالات راجع بآن در اباحت قرار داریم و نظریهء علامه عمـــادی دراستعمال دخانیات طـــوریکه علامه ابوالسعود می گوید محمول بر کراهیت تنزیهی است، وقول غزی شافعی را که بر حرمت آن است خود شوافع تضعیف نموده اند و مذهب شوافع آنرا مکروه تنزیهی میداند مگر اینکه بر حرمت آن عارضه پیدا شود و کراهیت در جملهء اباحت می آید.

ازینجا حکم استعمال و داد و گرفت آن معلوم می شود که اصل در آن اباحت بوده مگر به اساس عوارض که حرمت یا کراهیت تحریمی آنرا ثابت میکند و آن عوارض عبارت است از: اضرار آن به جسم یا به مال یا بهردو. ویا استعمال و خرید و فروش آن در مسجد یا در وقت استماع قرآن کریم که منافی تعظیم ان است. وبعضی فقهای قدیم نظر به اقوال طبیبان و حکمای عصر شان می گویند که استعمال دخانیات در ابتداء بعضی منافع جسمی دارد و وقتیکه به آن مداومت کند پرده بر چشم، کسالت و ثقلت در اعضاء و امساك و قبضیت در جهاز هاضمه پیدا میشود وچون آن گرم خشك بوده بنابران در بدن تشنگی و خشکی را تولید می کند و به قلب و دماغ مضر بوده باعث غلظت خون و لرزه و تپش قلب می گردد.

وطب جدید نیز این اضرار را تائید و تثبیت نموده است. طبیبان معاصر ضرر و تاثیر ناگوار دخانیات را بر صحت انسان ثابت ساخته اند چنانچه در تقریر انجمن خبراء و متخصصین سازمان صحی جهان تحت عنوان، دخانیات و صحت چنین آمده است که:(۱)

---

(۱) ص ۵۹-۹۰)

استعمال سگرت، نقش اساسی و فعال در پیدایش امراض زیاد دارد که خطرناکترین وپر اهمیت ترین آنها عبارت است از:

سرطان شش و التهاب مزمن قصیبات و پندیدگی شش ها، و علاوه برین امراض سبب موثر در وفات هم می گردد زیرا استعمال سگرت و دخانیات سبب بسیاری از امراض می گردد که انسان را به اندازهء زیاد عاجز و ناتوان جسمی می سازد که آن نتیجهء امراض صدری وقلبی است و هم چنان رابطه قوی بین استعمال دخانیات و بین زخم معده واثنی عشر و بین سرطان دهن و حنجره و حلقوم یا مجرای طعام موجود است.

علاوه بر آن در کتاب تاثیردخانیات بر صحت چنین آمده است:[۲]

تقریر فاکولته شاهی اطباء بریتانیا در سال ۱۹۷۷ چنین می گوید: مقدار نیکوتین که دریك سگرت موجود است اگرآن ازطریق سوزن پیچکاری در ورید انسان تزریق شودکفایت میکند که اورا دراوج صحتمندیش از بین ببرد.

همچنان تقریر سازمان صحی جهان آن مطلب را تاکید کرده می گوید که: تلفاتیکه از اثر استعمال دخانیات بوجود آمده به مراتب زیادتر است از نتیجهء تلفات که ازامراض وبائی و کولیرا پیدا می شود و استعمال سگرت در عصر حاضر سبب وفیاتی می گردد که خطرناکترین وباها در سابق به اندازه آن سبب تلفات نمی گردید.

احصائیه دقیق در امریکا واروپا ثابت ساخته است که بسیاری از اشخاص معتاد به دخانیات دارای امراض مختلفند ازین سبب حکومات مخصوصاً حکومات ممالك پیشرفته بر ضد دخانیات مبارزه زیاد می نمایند

---

(۲) دکتورعلي بار عضو پوهنتون شاهي طبيبان ص ۳۶-۳۹-۴۳، ٤٦، ٤٨

تا که تاثیرات منفی آنرا تقلیل بخشند.

مجله طب بریتانیا بحثی را نشر کرده که در آن تذکر یافته: که معتاد بودن به دخانیات سبب تضعیف ذهن و قوهء حافظه می گردد زیرا معتادین به عمل مذکور تکلیف زیادی را بر ذهن وقوهء حافظهء خود وارد میکنند وآن سبب حدوث سخت شدن شرائین و سکتهءقلب ودماغ می گردد. مدیر حمله و مبارزه برضد دخانیات بریتانیا چنین می گوید: مطالعات چنین ثابت ساخته است که در صورتیکه یك شخص غیر معتاد به دخانیات در وسط مردم معتاد به آن زندگی نماید اثر دود سگرت بر صحت وی خطر قابل ملاحظه را بار می آورد...

حفاظت پنج چیز ازجمله ضروریات اسلامی است، حفاظت دین، عقل، جان، مال و شرف، و شخص مسلمان قرار امر نصوص قرآن و سنت از قتل نفس و انداختن آن در هلاکت ممنوع است چنانکه خداوند می فرماید: (وَلاَتُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَه) یعنی خویشتن را در هلاکت نه افگنید، (وَلاَتَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ) خویشتن را مکشید.

مسلمان درپیش خدا از مالش مسئولیت دارد که آنرا از کجا پیدا کرده و در کجا مصرف نموده و از جسم خود مسئولیت دارد که چگونه آنرا بآخر رسانیده است.

طوریکه در حدیث شریف ذکر است که: در روز قیامت بنده هنوز قدم هایش را برنداشته تا آنکه پرسیده می شود از عمرش که در چه چیز مصرف کرده واز علمش که بآن عمل کرده یا نه و از مالش که از کجا کسب کرده و در چه بمصرف رسانیده و از بدنش که در چه آنرا باخر رسانیده. حدیث بروایت ترمذی است.

افراط در دخانیات در جمله اسراف و تبذیر می آید که آنرا شریعت

ممنوع قرار داده است طوریکه خداوند می فرماید: (وَلَاتُبَذِّرْ تَبْذِيراً) یعنی خرچ بیمورد نکنید وکسانیکه قدرت مالی ندارند فوق العادت تکلیف مالایطاق برایشان است زیرا که آن ایشان را از ضروریات و لوازم زندگی محروم می سازد.

این واضح وآشکار است که استعمال دخانیات - با اختلاف انواع و طرق استعمال آن - برای انسان طور عاجل یا در آینده ضرر زیاد و کمر شکن میرساند. و او را به امراض مختلف مبتلا می گرداند بنابران استعمال آن بر اساس این نصوص ممنوع است و سپس استعمال آن برای یکنفر مسلمان بهیچ صورت جواز ندارد. تا که یکفرد مسلمان جان و مال خود را حفاظت نماید. و از اضراریکه طب جدید آنرا بیان میدارد خود را نگهدارد و فامیل ها و اجتماعات انسانی موجودیت خود را طوری حفظ کنند که اموال شان را در جای مصرف کنند که بر جسم شان مفید بوده و بر سالم بودن حیات شان کمك نماید، وباین وجه بتوانند مسئولیت های شانرا در برابر خدا وفامیل شان اداء نمایند و این را بدانند که مسلمان قوی در نزد خدا بهتر و محبوب تر از مسلمان ضعیف است.

والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

بقلم

دکتور حسین عبدالرزاق جزائری

مدیر منطقوی سازمان صحی جهان در شرق بحر مدیترانه

باآنکه ازعمر سازمان صحی جهان مدت چهل سال می گذرد بازهم به فضل واحسان خداوندی این سازمان در اوج ترقی وکمال خود رسیده است.

قضاوت و سخن زدن به این نوع مناسبات مستلزم تفکر و تأمل است تا که شخص در آن باره به اساس فکر و دقت با در نظر داشت امکان آنچه قابل تطبیق است حکم کند. به این اساس سازمان صحی جهان افتخار دارد که به تطبیق برنامه های مختلفه دست یافته است آن برنامه هائیکه یکی مکمل دیگری بوده و در مجموع برای تحقق هدف و آرزوی خود که میسر شدن صحت برای تمام مردم می باشد گامهای سریع و متین برداشته است.

ممکن است از ظاهرترین چیزیکه این سازمان بآن فخر و مباهات میکند این باشد که توانسته است مساعی مشترك همه مردم را در بهبود صحت مردم و حفاظت و مداومت آن جلب کند. و حقیقت انکار ناپذیر این است که در حفاظت صحت فرد و اجتماع مسئولیت برابر و مساویانه دارند،

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمند دکتور

عبدالجلیل چلپی

عضو انجمن تحقیقات اسلامی

استعمال دخانیات در عصرحاضر یك عادت عمومی در بین مردم است که از وجود آن کمتر اجتماعات و شهرهای امروزی چه متمدن و پیشرفته و چه درحال انکشاف وپسمانده -خالی مانده است. و این انتشارات بسیاری از مردم را به این فکر انداخته است که آن یك عمل مباح بوده نه حرام و نه مکروه میباشد.

استعمال دخانیات درعصر فرخنده و رسالت وعصر تدوین فقه و فقهای مذاهب فقهی وجود نداشت و نه مردم آنرا می شناخت ازین سبب دربارهء آن قرآن و سنت وارد نشده است و نه از اصحاب مذاهب در آن باره حکمی شنیده شده.

وقتیکه استعمال دخانیات در قرن شانزدهم میلادی پیدا شد فقهای آن زمان به اندازهء معلوماتیکه از آن برای شان رسیده بود حکم کردند و آخرین مرجع شان درین حکم قیاس بود و برای شان ثابت نشده بود که در آن ضرر صحی است و ایشان بحال استعمال کنندهٔ آن بیشتر فکر ونظر داشتند تا به خود مادهء دخانیات و برای شان گفته می شد که در استعمال آن ضرری وجود ندارد، پس آنرا در جمله مواد مباح و جائز حساب

می کردند و نسبت به شخص استعمال کننده ء آن احکام پنجگانه شرعی ذیل را تطبیق می کردند و درین باره یك رأی و نظریهٔ متفق نداشتند.

۱- آنرا برای شخص ثروتمند وغنی که در خرید واستعمال آن تکلیف مالی و اقتصادی نمی آمد مباح میدانستند و استعمال آنرا مانند چای و قهوه می شمردند.

۲- و بشخص فقیر وبی بضاعت مکروه می گفتند و این حکم هم در صورتی بود که در پول و استعمال آن در زنده گی اقتصادیش موثر واقع نشده و صحتش هم از آن متضرر نگردد.

۳- وبشخص فقیریکه پول آن در زندگیش تاثیر فراوان داشت حرام میدانستند و این علاوه بر آن حالت بر صحت وی تاثیر منفی هم میکـــــرد.

٤- مستحب برای کسی می شمردند که از ان بحیث وسیلهء نشاط در بعضی اعمال استفاده می کرد مانند کافی یا قهوه که برای بیدار خوابی استفاده می گردد.

٥- در صورتیکه در آن معالجه مرضی از امراض می بود آنرا واجب می شمردند پس درین وقت آن به حیث دوای می بود که استعمال آن به غرض شفا و بهبودی صحت واجب بود.

این است خلاصه اقوال فقهاء سابق، وواضح است که ایشان بحالت شخص استعمال کننده بیتشر توجه می کردند، اگر چه درزمان ایشان ضررصحی آن ثابت نشده بود مگربازهم حالت صحی شخص را به نظر دقت و احتیاط می نگریستند.

بعضی از مجتهدین کرام آنرا طور مطلق حرام میدانند که از آن جمله

است وهابی ها- وحتی که آنرا در حق شخص ثروتمند و غنی هم حرام و ناجائز می شمارند بدلیل اینکه آن ضایع کردن ومصرف مال در چیز بدون مفاد است و بهتر است که پول آن در مورد دیگر و مورد منفعت مردم استعمال گردد. و مصرف مال در جائیکه منفعت نبوده باشد از جمله اسراف است که خداوند آنرا منع کرده و مخالف سنت الله در امور اقتصادی و مالی دانسته است. و حتی شخص وضوء کننده را که در کنار جوی و دریا وضوء کند امر میکند که در استعمال آن اعتدال و اقتصاد را مراعات کند، و مصرف مال کم در ثروت ثروتمند تاثیر منفی بیشتری دارد از مصرف شخص وضوء کننده در کنار دریا. و خداوند اسراف و خرچ کنندگان بیمورد را در قرآن کریم لعنت گفته و ایشان را برادران شیطان خوانده است وحتی که در امور مباح اسراف را منع نموده طوریکه می فرماید: کلوا و اشربوا ولاتسرفوا-یعنی بخورید و بنوشید ولیکن از حد مگذرید و اسراف نکنید.

این نظریه با خوبی و وجاهتیکه دارد بازهم بحالت شخص استعمال کننده می نگرد و فکر میکند که دخانیات به صحت کدام تاثیر منفی ندارد.

فعلاً ثابت شده که استعمال دخانیات به صحت شخص استعمال کننده تاثیر زیاد دارد و ضررش منحصر بوی نمانده بلکه به اجتماع و به نسل وی تاثیر میکند که محققین ومتخصصین اضرار آنرا در کتب و نشرات صحی نشر و ذکر کرده اند.

وشاید ضرر صحی آن در ایام جوانی و قدرت داشتن معلوم و ظاهر نشود و لیکن حقیقت این است که دخانیات در وجود انسان انواع مختلف امراض را طور خفیه نگهمیدارد که در پیری و سالخوردگی ظاهر می شود و بعضی از خوراکه هاوطعام ها به سبب اضرارآنها بالای صحت حرام گردیده

است که این اضرار در حال یا در آینده احتمال داشته باشد، و چون حیوان خود مرده، خون و زهریات به جسم ضرر دارد و بنابران حرام هستند و مار واژدها از خوف ضرر زهرشان حرام گردیده اند. ازین سبب امام مالك خوردن مار واژدها را که خطرزهر آن نبوده باشد مباح میداند. پس حرمت بسبب ضرر موجود ویقینی ویا احتمالی آن است.

چون به اثبات رسیده که در دخانیات ضرر یقینی و محقق است ویا کم از کم خطر ضرر آن است بنابران شریعت آنرا حرام میداند و علت حرمت ان در دو چیز اساسی است که عبارتند از: مصرف مال بدون مفاد و عرضه داشتن جسم به مرض.

وهم چنان به اثبات رسیده که در تنبیه ذهن و نشاط بدن کدام تاثیری ندارد و نه بکدام نوع مرض دوا است. و بعد ازینکه اشخاص معتاد بر آن در ورطهء هلاکت و بدبختی افتیدند و گذاشتن آن برای شان مشکل شده فکر می کنند که توسط آن خود را تداوی میکنند در حالیکه این فکر غلط و دور از حقیقت است زیرا حقیقت این است که آن مرض را بر مرض شان زیاد میکند. و من بعد ازینکه نشرات متعدد و مختلف را که اضرار ومفاسد دخانیات را بیان میدارند مطالعه کردم و اضرار صحی، اجتماعی واقتصادی آنرا از نظر گذرانیدم می گویم که آن حرام قطعی است و بر اشخاص معتاد بر آن لازم است که آنرا ترك نمایند و دیگران از آن دور باشنـــد.

والله اعلم

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمند دکتور **حامد جامع**
سرمنشی سابق جامع الازهر وعضو
دائرة المعارف فقه در کویت

الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا محمد خاتم الانبیاء و امام المرسلین.

وبعد: از جملهء عادت های بدی که در بین مردان، زنان و جوانان و حتی اطفال رواج شده یکی هم استعمال دخانیات است. واین شیوع انتشار آن یك پدیدهء خطرناك وقابل توجه است که علماء دین و مسئولین حفظ صحت از آن دردهشت وترس افتیده اند زیرانتایج وآثارتخریبی و هلاکتبار آن در نسل موجوده دیده شده و درنسل بعدی پیش بینی میشود در حالیکه از نسل آینده چنین توقع بود که وسیلهء حفاظت دین و عمارت و آبادی دنیا شـوند.

علمای دین ومتخصصین طب بعد از توضیح حکم دین و بیان اضرار و مفاسد آن در صدد مبارزه و مقاومت بر ضد آن بر آمدند.

حکم شرعی برای هر چیز عبارت از آن احکام پنجگانه است که شریعت اوصاف ذیل را بآن میدهد که: یا واجب یا مستحب، یا مباح ویا مکروه و یا حرام است. خداوند می فرماید: (إِنِ ٱلْحكْمُ إلاَّ للّه) یعنی حکم

کردن غیر از خـــدا از کس دیگری نیست و حکم حل و حـرمت مخصوص خـدا است.

فقهاء و علماء اصول حکم شرعی را چنین تعریف میکنند که: عبارت از خطاب خداوندی است که برافعال بندگان بر سبیل طلب یا تخییر (اختیار دادن) تعلق می گیرد.[1]

معنی حکم شرعی که از طرف خداوند می باشد این است که: مستند به اصل و دلیل شرعی معترف به در شریعت باشد ویا به عبارت دیگر: آن حکم از دلیل شرعی مستند استخراج شده باشد نه از دلیل عقلی محض.

دلایل شرعی معتبر که احکام دین بآن استوار است عبارتند از: کتاب الله، سنت نبوی و اجماع و قیاس، ووقتیکه یك مسئله به غرض فتوی به فقیه تقدیم می شود و حکم آنرا در کتاب الله یا قرآن جستجو میکند و اگر آنرا در کتاب الله یافته نتوانست در مرتبهء دوم در سنت نبوی طلب مینماید و اگر در آن هم یافت نشد اجماع فقهاءمجتهد را مد نظر می گیرد و اگر در آن هم وجود نداشت در آن موضوع اجتهاد برأی و عمل به قیاس با شرائط و قواعد آن است.

بنام تدخین - استعمال دخانیات - نص صریح در قران کریم و سنت نبوی چیزی ذکر نشده ونه اجماع صحابه، تابعین و فقهاء در آن نقل گردیده ونه از امامان مجتهد که اصحاب مذاهب هستند بما چیزی رسیده است که عبارتند از: امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام مالك وامام احمد ابن حنبل. زیرا در عهد رسول الله (ﷺ) و صحابه، تابعین وامام چهارگانه مذاهب استعمال دخانیات وجود نداشت و نه مردم آنرا می شناختند و ظهور آن در

---

(۱) نهایته السول للاسنوي شرح منهاج الوصول بیضاوي ۱/۲۲

قرن شانزدهم میلادی در وقتی شد که کاشفین اسپانوی امریکا را کشف کردند و این عادت را از انجای بوطن شان آوردند و از انجای بدیگر شهر ها و ممالك رواج دادند.

از وقتیکه مسلمانان دخانیات را در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری شناختند فقها در یافتن حکم آن در شریعت اجتهاد کردند ولیکن در حکم آن باهم اختلاف نمودند اکثریت شان به این نظریه اند که آن حرام است و دیگران به مکروهیت آن قائل اند و بعضی ها آنرا مباح میدانند و برخی دیگری در حکم آن توقف نمودند.(۱)

ما اینجا طور مختصر نظریه بعضی این فقهاء را تقدیم میداریم:

اول : فقهائیکه آنرا حرام میدانند:

۱- شیخ شرنبلالی از جملهء فقهای احناف: بحرمت آن تصریح کرده و خلاصهء فتوایش را در نظم اورده است که: استعمال و خرید وفروش دخانیات حرام است و استعمال آن در رمضان مفطر روزه است.

۲- شیخ اسماعیل نابلسی نیز از فقهای حنفی: می گوید شوهر حق دارد که زن خود را از خوردن پیاز،سیر و چیزهای که سبب بوی دهن شودمنع کند وبعد ازآن می گوید: و مفهوم و مقتضای این سخن منع کردن وی از دخانیات است زیرا که آن هم سبب بدبوئی دهن می شود ومخصوصاً که شوهرش معتاد به استعمال آن نباشد.

۳- شیخ مسیری از فقهای احناف: شاگرد وی شیخ اسماعیل نابلسی

---

(۱) فتح العلي المالك في الفتوي علي مذهب الامام مالك جلد اول صفحه ۱۸۹-۱۹۰

می گوید: که شیخ مسیری که شیخ مشایخ زمان ماست به ممنوعیت استعمال دخانیات فتوی داده است.

٤- شیخ عمادی از فقهای احناف: در حاشیهء ابن عابدین - فتاوی شامی - چنین آمده است که: می گویم ظاهر کلام این است که آن مکروه تحریمی بوده و استعمال کنندهء آن فاسق است.

٥- محمد علاو الدین حصکفی از فقهای احناف: درکتاب الدرالمنتقی بحرمت آن فتوی داده است لیکن حرمت آنرا لذاته نمیداند بلکه بورود نهی از طرف سلطان می گوید.(١)

٦- شیخ ابراهیم لقانی از فقهای مالکی: حرمت آنرا ثابت ساخته و درین باره رسالهء نوشته است که ضخامت آن برابر دو کتابچه میباشد.

٧- شیخ سالم سنهوری از جملهء فقهای مالکی : که فتوی او را شاگرد وی شیخ ابراهیم لقانی نقل کرده می گوید که: در ابتدای رواج آن در مصر، شخصي از شهرهای مغرب زمین بنام احمد ابن عبدالله در مجلس شیخ و رهبرما علامه سنهوری حاضر شده پرسید: وی به حرمت آن فتوی داد و او به این فتوی خود تا مرگ و وفاتش پایدار بود و درین باره هیچ کس باوی مخالفت نکرد و این فتوی رامن از وی شنیدم و هم نوشته اش را خواندم ومردم متدین و اهل صلاح از جمله احناف وغیره او را درین فتوی پیروی کردند.(٢)

(١) ردالمحتار علي الدرالمختار : ٥-٢٩٥-٢٩٦ درمجمع الانهر ذکراست که دخانیات که درزمان ما حرام میباشد البته باساس نهي اولوالامر - ٢-٧٥٢

(٢) فتح العلي المالك في الفتوي علي مذهب الامام مالك تاليف شيخ عليش ١-١٩٠

۸- شیخ شهاب الدین قلیوبی از فقهای شوافع می گوید که: هرماده ء جامدیکه درآن تخدیر و زایل شدن عقل باشد پاك است اگرخوردن آن حرام باشد ازهمین سبب میباشد. بعض از مشایخ ما می گوید: از آن جمله دخانیات معروف و مشهور است، زیرا که مجراهای بدن را به قبول امراض مضر باز میکندو سبب سستی ، کسالت و نرمی گوشت در بدن می شود که گاهی منجر به کور شدن چشم می گردد و شخصیکه ما به سخنان وی اعتماد داریم برای ما گفت که از استعمال آن سرچرخك - دوران سر- پیدا می شود، و پوشیده نماند که ضرر آن بدتر و عمومی تر است از ضرر خرمای نارسیده ء بوی گرفته که اصل آنرا علامه زرکشی بسبب ضررش حرام گفته است (۱)

۹- شیخ نجم الدین غزی شافعی: صاحب در المختار از وی چنین نقل میکند که: معتادین دخانیات نو پیدا ادعا دارند که آن انسان را بیهوش نمی سازد واگر چنین هم باشد چون آن اعضای بدن انسان را سست می سازد بنابران حرام است بدلیل حدیث احمد ابن حنبل از ام سلمه: که رسول الله ص ازاستعمال هرچیز مست وسست کننده نهي کرده است و یکبار دوبار استعمال آن از جمله کبائر محسوب نمیشود و با انضمام حکم اولو الامر حرمت آن قطعی است و ممکن است که استعمال آن هم ببدن مضر باشد، بلی، تداوم بر استعمال آن گناه کبیره است طوریکه به حیث قاعده ء عمومی در تمام گناهان صغیره است.(۲)

---

(۱) قليوبي وعميرة برشرح جلال الدين محلي ۱-۶۹

(۲) ردالمحتار على الدر المختار: ۵-۲۹۵-۲۹۶

۱۰- شیخ سلیمان بجیرمی از فقهای شافعی می گوید که :
دخانیات نو پیدای این زمان از جمله‌ء بدعت های قبیح است-لعنت بر کسیکه آنرا کشف و پیدا کرده است- استاد ما شیخ زیادی در اول فتوی داد که آن مفطر روزه نیست - زیرا حقیقت آنرا نمیدانست و وقتیکه تاثیر آن را در وجود و در سلوك انسان مشاهده کرد از فتوایش برگشت نموده و فتوی داد که آن مفطر است.(۱)

۱۱- فقهای حنبلی از منطقه‌ء نجد: شیخ مصطفی رحیبانی حنبلی می گوید: بعضی فقهای مذاهب چهارگانه آنرا حرام و برخی مکروه و برخی هم مباح گفته اند و اکثریت شوافع و احناف مباح ویا مکروه وبعضی حرام دانسته اند و اکثریت مالکی ها آنرا حرام می گویند وبعضی های شان مکروه میدانند و اصحاب ما مخصوصاً اهل نجد نیز چنین می گویند و لیکن من از جمله اصحاب ما کسی را ندیده ام که در نوشته شان بحرمت آن تصریح کرده باشند(۲)

این است اقوال فقهای پیشین در حرمت دخانیات. و بسیاری از فقهای معاصر آنرا طور مطلق حرام گفته اند که از آن جمله است:

۱- انجمن فتوی مربوط جامع الازهر:که درفتوی شان درباره‌ء دخانیات چنین آمده:

... قرار شهادت اهل علم و متخصصین طبی ضرر صحی استعمال

---

(۱) حاشیئه بیجرمي برشرح خطیب ۲-۳۹۲

(۲) مطالب اولي النهی فی شرح غایته المنتهی ٦-۲۱۹

پس فرد در هر موقعیت بوده و دارای هر نوع خصوصیت و طبیعت که باشد در امور بهبود صحی دارای تاثیر و نقش ارزنده است. وصحت تنها و تنها از خصوصیت های اطباء و دوائر و مراکز صحی نیست بلکه در آن حصه مساعی مشترك مردم به خاطر صحت همگان ضروری است. خداوند می فرماید: (وَتَعَاوَنُواعَلَىٰ البِرِّوَ التَّقوَىٰ وَلاَتَعَاوَنُواعَلَىٰ الإِثْمِ وَ العَدْوَانِ) یعنی ای مردم با همدیگر تان در کارهای نیك و پرهیزگاری وتقوی کمك و معاونت کنید و در امور گناه و تجاوز بر مردم از کمك بپرهیزید، بنابران زن در خانه، دهقان در زمین، کارگر در فابریکه، معلم در مکتب و عسکر در قشله اش و هر فرد چه خورد و چه بزرگ می تواند که برای بهبودی صحت ویا برخلاف آن کاری را انجام بدهد پس مسئولیت فرد به این منحصر نیست که صحت خود را حفظ نماید وامور حفظ الصحه را مراعات کند مثل نظافت، اعتدال و میانه روی در خورد و نوش و صرف کردن دقائق چند بخاطر سپورت و تربیهء اندام بلکه بروی لازم است که ازهر چیزیکه بصحت خودش و دیگران مضر است دوری و اجتناب کند.

ظاهر وآشکار است که نگهداری هر نوع حقی از حقوق انسان مقتضی است که دیگران را از تجاوز برین حق منع نمایند پس کسیکه سلاح برداشته و یکی را بر ظلم و تعدی بقتل میرساند پس او بر حقوق زندگی تمام مردم تجاوز نموده است طوریکه آیت قرآن می گوید مثل این است که همه مردم را کشته باشد و مانند اوست کسیکه آب را ملوث می سازد و یا محیط را ناپاك و فاسد میکند ویا در تغذیهٔ اطفالش اهمال و غفلت می نماید، پس او درین صورت بر عوامل انتشار مرض و تکاثر آن کمك میکند لذا او در حقوق صحی حیات مردم تجاوز کرده است.

ممکن است ظاهر ترین پدیدهء تجاوز بر صحت فرد و اجتماع استعمال

دخانیات طور یقینی و قطعی به اثبات رسیده زیرا که آن سبب سرطان شش وحنجره شده وبه شرائین نیز مضر است. و همچنان ضرر آن بمال نیز میرسد زیرا که مصرف مال نه تنها بدون مفاد بلکه بضرر می باشد. وحضرت رسول الله (ﷺ) از ضرر رسانیدن به صحت و مال منع کرده وفرموده است که: (لاضرر ولا ضرار) ازین سبب ما بحرمت استعمال، وارد و صادر کردن وتجارت آن فتوی میدهیم.[۱]

۲- کنفرانس جهانی اسلامی برضد مسکرات و مواد مخدر که علمای حاضر درین کنفرانس به تحریم تنباکو وزراعت و تجارت آن فتوی دادند.[۲]

۳- شیخ محمد ابراهیم مفتی اعظم سابق مملکت عربستان سعودی فتوی داده که: در خباثت، بدبویی، وبیهوش ساختن و تخدیر دخانیات کدام شك و اشتباهی وجود ندارد، بنابران بر اساس روایت صحیح، عقل صریح و نظریهء طبیبان معتبر آن حرام است.[۳]

دلایل کسانیکه دخانیات را حرام میدانند:

کسانیکه استعمال دخانیات راحرام مي گويندقرارذیل استدلال میکنند:

۱- بقرار اظهار طبیبان معتبر دخانیات بصحت مضر است و هر چیز مضر

---

(۱) مجله تصوف اسلامي محرم سال ١٤٠٥ اکتوبر ١٩٨٤

(۲) کنفرانس منعقده مدینه منوره از ۲۷ - ۳۰ جمادي الاول ١٤٠٢ یا ۲۲- ۲۵ مارچ ۱۹۸۲

(۳) تدخین بین طب ودین تالیف شیخ احمد عبدالله قحطان ص ١٢٤

باتفاق حرام است.

۲- آن از جمله آن مواد مخدر است که شریعت استعمال آنرا منع نموده، چنانکه حدیث احمد ابن حنبل از ام سلمه می گوید که رسول الله (ﷺ) از هر مواد نشه آور و مخدر نهي فرمود و دخانیات از جمله مخدرات و سست کننده‌ء اعضاء می باشد.

۳- آن دارای چنان بوی بدی است که اشخاص غیر معتاد را اذیت میرساند مخصوصا در نمازهای با جماعت و دیگر اجتماعات بلکه فرشتگان از آن اذیت می بینند، که امام بخاری و مسلم در کتاب های شان از حضرت جابر باسند آن بحضرت رسول الله (ﷺ) چنین روایت میکنند که: کسیکه پیاز ویا سیر را خورده باشد او باید که از ما و از مسجد ما دور شود و کناره گیری کند و در خانه‌ء خود بنشیند.

و بدبوی دخانیات کمتر از بدبوی پیاز و سیر نیست.

همچنین در صحیح بخاری و صحیح مسلم از جابر حدیثی روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند: ازهرچیزیکه مردم متأذی می شود ملائکه نیز اذیت می بیند و درحدیث دیگری است که رسول الله ﷺ فرموده اند: کسیکه مسلمانی را اذیت کند مرا اذیت نموده است و کسیکه مرا اذیت نموده خدا را اذیت کرده است.

٤- آن در جمله‌ء اسراف است، زیرا در آن منفعت مباحیکه خالی از ضرر باشد وجود ندارد بلکه در آن بقرار گفته اهل فن و خبرت ضرر یقینی و قطعی است.(۱)

---

(۱) تدخین بین طب ودین ص ۱۲۵-۱۲٦

دوم : فقهائیکه دخانیات را مکروه میدانند.

۱- شیخ عمادی از جمله فقهای احناف: طوریکه صاحب درالمختار آنرا نقل کرده ولیکن فتاوی شامی به تعقیب ان می گوید که: ظاهر کلام عمادی بر مکروه تحریمی و اینکه استعمال کننده و تاجر و فروشنده وخریدار آن فاسق می گردد.(۱)

۲- شیخ محمد علیش از فقهای مالکی: می گوید که امام لقانی به تحریم آن فتوی داده و اما اجهوری به عدم تحریم، واکثریت متأخرین بفتوی اجهوری اعتماد کرده اند اگر چه که دلایل تحریم قوی تر است و می گوید که تقوی وپرهیزگاری این است که بایداستعمال نشودوازمجموع فتاوای وی کراهیت دخانیات معلوم می شود.(۲)

۳- شیخ عبدالله شرقاوی از فقهای شافعی می گوید که: نظریه معتبر در دخانیات این است که آن مکروه می باشد و امام قلیوبی بحرمت آن قول کرده زیرا آن سبب نابینائی چشم و سستی اعضاء و فراخی مجاری بدن می گردد، بلی کسانیکه بگمان غالب آنرا مضر میدانند آنها حرام می گویند و بر خود شان نیز حرام است و حرمت آن عمومیت پیدا میکند بلکه عسل که خداوند در قرآن آنرا شفاء گفته است اگر در آن ضرر باشد نیز حرام می گردد.(۳)

۴- شیخ مصطفی رحیبانی فقیه حنبلی می گوید: من در کراهیت آن کدام

---

(۱) ردالمحتار ٥-٢٩٦

(۲) فتح العلي المالك ١٨٩/١-١٩٠

(۳) حاشیئه شرقاوی برشرح تحریر ٢/ ٤٥٠-٤٥١

شك و اشتباهی ندارم.(۱)

۵- شیخ منصور بهوتی فقیه حنبلی؛ شیخ رحیبانی می گوید که: در کتاب آداب النساء ظاهر کلام منصور دلالت به کراهیت آن دارد.

دلایل کسانیکه آنرا مکروه میدانند قرارذیل است :

۱- در آن ضرر و زیان مالی است.

۲- سبب بد بوئ دهن می گردد مانند خوردن پیاز، سیر و گندانه.

۳- برای اصحاب فضیلت و کمال، اخلال در مروت و شهامت شان محسوب می شود.

سوم : فقهائیکه آنرا مباح میدانند:

۱- شیخ عبدالغنی نابلسی فقیه حنفی: که در حلال بودن آن رساله را بنام صلح بین برادران در اباحت استعمال دخانیات نوشته است.

۲- علامه محمد امین ابن عابدین فقیه حنفی میگوید: اگر در دخانیات اضرار خالص و بدون مفادثابت شود به تحریم آن فتوی جواز دارد و اگر ضرر آن ثابت نشود پس اصل در آن حلیت است با آنکه در فتوی

---

(۱) مطالب اولي النهي درشرح غايته المنتهي ٦/ ٢٩٦

(۲) مطالب اولي النهي درشرح غايته المنتهي ٦/ ٢٩٦

(۳) ردالمحتار برحاشيه درالمختار ٢٩٥/٥

دادن به حلیت آن رفع حرج از مسلمانان است زیرا اکثریت مسلمانان به استعمال آن دچار هستند و حلال دانستن آن آسانتر است از تحریم آن و حضرت رسول الله ﷺ وقتیکه بین دو حکم مخیّر گذاشته می شد آسانترین آنها را بر می گزید، و بدعت بودن آن ضرری را ایجاد نمیکند زیرا آن بدعت در خوردن واستعمال است نه بدعت در دین.(۱)

۳- شیخ محمد عباس مهدی فقیه حنفی می گوید: استعمال دخانیات که عقل را زایل نکند و به جسم ضرر نرساند و کدام سستی و ممانعت شرعی وجود نداشته باشد پس حکم دین در استعمال آن اباحت است و این نظریه مرجح است.(۲)

٤- شیخعلی اجهوری فقیه مالکی که در اباحت دخانیات رساله‌ء نگاشته بنام، غایت بیان در استعمال دخانیات.(۳)

٥- شیخ شروانی فقیه شافعی می گوید:اگر زن در استعمال دخانیات معتاد باشد چنین نقل شده که در جمله‌ء نفقهٔ زن دخانیات نیز واجب است.(٤)

٦- شیخ مرعی الکرمی فقیه حنبلی می گوید: استعمال دخانیات وجه حلیت دارد ولی در حق مردم صاحب کرم وبا مروت ترک کردن دخانیات و قهوه بهتر وخوب تر است.(٥)

این است نظریه فقهاء سابق و پیشین در اباحت دخانیات. و نظریه فقهاء

(۱) العقود والدرية في تنقيح الفتاوي الحامدية ٣٦/٢

(۲) الفتاوي المهديه : ٢٩٨/٥

(۳) فتح العلي المالك علي مذهب الامام مالك ١٩٠/١

(٤) حائيشه شرواني برشرح منهاج ٣٠٩/٨

(٥) مطالب اولي النهى شرح غاية المنتهى ٢١٧/٦

معاصر ذیلاً تقدیم می شود:

۱- شیخ حسنین مخلوف: در فتوایش بتاریخ ۲۵ محرم ۱۳۶۷ هـ مطابق ۸ دسمبر ۱۹٤۷م چنین می گوید: طوریکه در ردالمحتار ذکر است حقیقت این است که استعمال آن مباح می باشد.[۱]

۲- شیخ حسن مأمون: اباحت آن از فتوایش بتاریخ ۹ جمادی الاولی ۱۳۷۹هـ مطابق ۱۰ نوومبر ۱۹۵۹م فهمیده می شود.[۲]

دلایل کسانیکه دخانیات را مباح میدانند قرار ذیل است:

۱- حکم اصلی اشیاء در صورت نبودن ضرر و دلیل تحریم - اباحت و حلیت است تا که شریعت آنرا حرام بگرداند.

۲- حرمت و کراهیت دو حکم شرعی است که باید با دلیل باشد و کدام دلیلی بر حرمت و کراهیت دخانیات وجود ندارد.

۳- به نشه آوردن، سست ساختن اعضاء و ضرر دخانیات ثابت نشده بلکه بر خلاف منافع آن به اثبات رسیده پس آن تحت این قاعده می آید که: حکم اصلی در اشیاء اباحت است. اگر ضرر آن به بعضی افراد ثابت شود تحریم آن بر تمام کس لازم نمی آید، مثلاً عسل بر کسانیکه مرض صفراء دارند طور اغلب مضر است بلکه ممکن که ایشان را مریض کند با آنکه در نص قرآنی طور قطعی شفاء است.

٤- به اثبات حرمت و کراهت که افتراء در حق خداوند است احتیاط وجود

---

(۱) فتاوي اسلامي ازدارالافتاء مصر ٤/۱۳۰٦

(۲) فتاوي اسلامي از دارالافتاي مصر ۷/۲۵۵٦

ندارد زیرا در اثبات آنها بودن دلیل لازمی است بلکه حکم به اباحت آنها است که حکم اصلی اشیاء می باشد.[1]

ملاحظه بر نظریات کسانیکه آنرا مباح میدانند:

فقهائیکه به اباحت استعمال دخانیات حکم کرده اند دلیل شان نابودن دلیل شرعی بر حرمت آن است و در نزد شان اسکار و سست ساختن اعضاء و ضرر آن هم ثابت نشده تا که حکم حرام و یا مکروه را بر خود بگیرد پس در حکم اصلی اشیاء قرار می گیرد که اباحت است واقوال شان را به نقل از مراجع که اشاره کردیم به تفصیل ذکر کردند.

بعد ازاجتهاد این فقهاء واظهار نظریات - به اثبات رسید که دخانیات بصحت ضرر زیاد دارد و سبب امراضی می گردد که معالجهء آن مشکل و سخت بنظر می خورد که منجر به هلاکت می شود بنابران دلیل اباحت از بین میرود و اباحت زایل می گردد و دخانیات حکم شرعی دیگری را می گیرد که در روشنائی دلایل شرعی دیگری که تقدیم میداریم آنرا ثابت می سازیم و آرای متخصصین را در اضرار استعمال دخانیات ارائه می نمائیم.

نظریهء متخصصین طب در استعمال دخانیات:

۱- دکتورعبدالعزیز سامی استاد امراض صدری و رئیس سابق فاکولته طب پوهنتون قاهره می گوید: خطرها و مفاسد صحی استعمال دخانیات بدرجه وضاحت دارد که درآن هیچ شك وجود ندارد که ما آنرا ذیلاً تقدیم میداریم:

---

(۱) مطالب اولي النهي في شرح غاية المنتهي ۲۱۸/۶ ردالمختار علي الدر المختار ۲۹۶/۵

احصائیه وفیات دلالت دارد براینکه وفات اشخاص معتاد به دخانیات در عمر قبل از ٦٥ سالگی دو چند اشخاصی است که به دخانیات عادت ندارند. وغیابت در وظیفه وکار در معتادین سه برابر نسبت به غیر معتادین است و نسبت فیصدی سرطان شش از ٧٠٪ تا ٩٠ در آنها موجود است ونسبت فیصدی امراض قصبة الرئه و تورم شش در آنها شش چند است نسبت به کسانیکه به استعمال دخانیات عادت ندارند و نسبت وفات به قیاس غیر شان -٩- برابر است و ٢٥٪ متوفای امراض قلبی بسبب دخانیات است و دخانیات تاثیر قوی ومستقیم به زخم معده و اثنی عشر دارد و امراض دوران خون نیز از آن پیدا میشود وعمر کهولت ویأس در آنها پیشتر می آید یعنی ایشان زودتر بسن پیری مي رسند و زنانیکه به دخانیات عادت دارند جنین شان بیشتر وفات می کند وزشت روی بار می آید و ولادت آن پیش از وقت صورت می گیرد. و کسانیکه با اشخاص معتاد به دخانیات مخلوط باشند عین آن ضرر برای شان میرسد مخصوصاً در جاهای باشند که هوای آزاد نباشد و اشخاصیکه در تحت چنین شرایط دود را استنشاق می کنند ممکن است معادل یکساعت استعمال دخانیات باشد. (١)

٢- دکتور اسماعیل سباعی عضو اتحادیهء جهانی ضد سرطان می گوید: در زمان حاضر امراضیکه از اثر استعمال دخانیات پیدا می شودخطرناکترین وسیله مرگ انسانی بشمارمیرود، امراض مربوط به خون، قلب و دماغ مقدار ٥٠٪ و مرض سرطان ٣٠٪ از مجموع وفیات دول پیشرفته است ودخانیات مهمترین عوامل پپدایش این

---

(١) رساله به اطباي مصر : یا دخانیات ویا صحت ص ٣١

امراض حساب می شود، و امراض دیگر مانند امراض شش ها، حلقوم وغیره است که همه و همه ازاثر استعمال دخانیات بوجود می آید وعلاوه بر آن اضطرابات متعددی را در وجود سبب می شود.[1]

۳- دکتور شریف عمر استاد جراحی سرطان درپوهنتون قاهره درباره‌ٔ اضرارصحی دخانیات می گویدکه: دخانیات اضرار خطرناکی برصحت دارد زیرا سبب مرض سرطان مرض قلبی وسرطان مری و سرطان مثانه، سرطان گرده، سرطان بنقریاس، امراض قلبی وخون و تکان قلب و تصلب شرائین وامراض شش ها و... را نام برده می توانیم. و دخانیات بر زنان نیز ضررهای مخصوصی دارد زیرا سبب نقص و کمی وزن و زشت روئ جنین می گردد و نسبت وفات جنین زنان معتاد بدخانیات نسبت بزنان دیگر ۲۸٪ زیاد است و زنان را زودتر پیرمی سازد و بسن یأس میرساند. و دخانیات بر جنین تاثیر مستقیم دارد که اضرار آن از خون مادر به جنین سرایت میکند و این تاثیر بعد از ولادت هم تا عمر یازده سالگی ادامه دارد. و این تقریر موافق بآن نظریه است که از طرف دو استاد بزرگ و دانشمند ارائه شده که عبارتند از دکتور اسماعیل سباعی واستاد عبدالباسط اعصر استاد و رئیس دیپارتمنت بیولوژی سرطان در انستیتوت ملی اورام.[2]

٤- دکتور محمود محمد مرزبانی استاد کیمیای ادویه و معالجه تجربوی سرطان در انستیتوت ملی اورام پوهنتون قاهره می گوید: بدون شک و شبهه به اثبات رسیده که استعمال دخانیات سبب امراض گوناگون

---

(۱) رساله به اطباي مصر : يا دخانيات ويا صحت ...ص ٥١

(۲) نوت این تقریر نزد نویسنده موجود است.

می گردد که مهمترین آنها عبارت از: امراض جهاز تنفسی و قلبی و تصلب شرائین و آن بزرگترین عامل پیدایش سرطان شش، حلقوم، بنکریاس و مثانه است و هم چنان ثابت شده که امراض آن منحصر به شخص معتاد نمانده وبه اشخاص اطراف و ماحول وی هم سرایت میکند.(۱)

۵- دکتور محمد علی بار عضو پوهنتون دولتی اطباء می گوید: در اضرار و مفاسد استعمال دخانیات کدام شك وجود ندارد بلکه تاثیر بد وقبیح دخانیات در حال حاضر خطرناکتر و شدیدتر است از خطر مجموعی مرض طاعون، کولرا،سل، جذام و چیچك .

آثار دخانیات در صحت،مهیب، خطرناك و خوف آور است مخصوصاً وقتیکه ما درك کنیم که سالانه ملیون ها انسان در اثر استعمال آن از حیات شان محروم می شوند و ده ها ملیون انسان به امراض خطرناك و علاج ناشدنی مبتلا می شوند که دراثر آن حیات شان به فقر، بدبختی و شقاوت تبدیل می شود وهمه آن ازاثر همین دخانیات است.

مهمترین امراضیکه از استعمال دخانیات پیدا میشود قرار ذیل تقدیم می گردد:

الف : جهاز تنفسی : سرطان شش، حنجره، التهابات مزمن قصیبات، امفزیما در شش.

ب : قلب و جهاز دوران : تپش قلبی و مرگ مفاجات و اضطراب در دوران خون دست و پای.

---

(۱) رساله الي اطباء مصر ص ۳۵

دخانیات باشد و این پوشیده نیست که سالانه به تعداد دونیم ملیون انسان به امراضی میمیرد که اساس آن استعمال دخانیات است مانند سرطان شش، التهاب مزمن قصبات، پندیدگی شش ها،امراض شرائین قلب و سرطان مثانه. تعداد وفیات مذکور این معنی رامیدهد که باید در ظرف هر ۱۳ ثانیه بخاطر تدخین یا استعمال دخانیات وفات واقع شود و روحی از جسد جدا گردد. و چیزیکه جلب توجه می نماید این است که تا حال هیچ کس نتوانسته که منفعت کوچکی رابرای استعمال دخانیات ثابت نماید پس تنباکو مادهٔ مضری است برای فرد، فامیل و اجتماع، و تنباکو یگانه ماده ای است که در آن هیچ گونه مفادی وجود ندارد اگر چه مردم آنرا بکثرت استعمال می نمایند. حتی درباره‌ء شراب خداوند می فرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا) یعنی ای پیغمبر از تو راجع به شراب و قمار می پرسند، بگو که در آن دو،گناه بزرگ بوده و در ضمن مفادی هم برای مردم است. لیکن گناه و ضررآنها بزرگتر ازمفاد شان است. طوریکه معلوم می شود آیت بیان میدارد که در شراب بعضی منفعت موجود است لیکن بسببی که اضرار آن زیاد بوده و بر مفادش تفوق دارد و خداوند آنرا طور قطعی حرام گردانیده، پس چه فکر میکنید درباره تنباکو که هیچ انسانی درباره‌ء آن کوچکترین مفادی را ذکر نکرده است بلکه خود استعمال کننده گان به ضرر آن اتفاق دارند.

شاید بدترین انواع تدخین - تدخین به جبر و اکراه باشد و مقصود از جبر واکراه این است که یك شخص بدون خواهش و رغبت دود تنباکو را به دماغش فرو برد برابر است که این فعل در دفتر باشد یا در منزل ویا در وسایل حمل و نقل و مواصلاتی، و این تدخین اجباری در ایالات متحده امریکا سبب می شود که سالانه به تعداد ۴۰۰۰-۵۰۰۰ نفر به اثر آن

ج : جهاز هضمی: سرطان لب، حلقوم، دهن، مری زخم معده و اثنا عشریه وسرطان بنکریاس.

د: جهاز بولی : تومور سلیم مثانه،سرطان مثانه و سرطان گرده.

هـ : زنان حامله و اطفال : زیادت سقط و افتیدن جنین - کمی وزن طفل، زیادت وفات مولود و زیادت مرده تولد شدن، زیادت التهابات شش در اطفال شیرخوار.

و: امراض نادر: التهاب در رگ های چشم و نابینا شدن-زیادت امراض حساسیت، التهابات جلدی و امراض بيني، گوش، گلو. و بلند شدن فشار خون، بول شکری، زیاد شدن کولسترول خون و چاق شدن زیاد وافراطی.

دکتوربارعلاوه میکند که در اثر تجربه چنین یافته شد که ۹۵٪ مرض شریان ساق از اثر دخانیات است و ۵٪ آن در اشخاص غیر معتاد بدخانیات است به این اساس مرض مذکور منحصر به اشخاص معتاد به دخانیات می باشد.

ثابت شده که اشخاص معتاد به دخانیات ده برابر اشخاص غیر معتاد در خطر سرطان دهن و حلقوم و مری و حنجره قرار دارند و وفیات و تلفاتیکه در اثر دخانیات است بمراتب بیشتر است از تلفات امراض مختلف وباء، واینکه ازهر سه نفر معتاد یکنفر آن از اثر تدخین از بین رفتنی است.[۱]

---

(۱) تاثیر دخانیات برصحت ازدکتورعلي بار ص ۳۲-۳۷-۶۱-۶۲-۶۳-۹۶-۱۰۱

دخانیات در روشنائی نظریات متخصصین طبی:

دراثر تجارب تطبیقی و لابـراتواری وتحقیق و مطـالعات، طبیبان، متخصصین، انجمن های علمی، افراد قابل اعتماد و موثوق به اثبات رسیده - طوریکه نظریات شان بااحصائیه تلفات تقدیم شد- که استعمال دخانیات سبب امـراض زیاد می شود کـه پیشـتر ذکر گـردید که این امـراض سبب هلاکت و مـرگ می شـود... بـا ایمان باینکه عـدم و وجود همـه امور مـربوط خداوند است ولیکن خداوند در همه امور اسباب را به مسببات و نتائج را به مقدمات رابطه میدهد .. و همه امور مربوط به اوست.

حکومت ها نظریات علمی این متـخـصـصین و انجمن های علمی را تائید کردند کـه بر شرکت های تولیـد دخانیـات لازم گردانیـدند که همراه تولیدات شـان در ورقه بنویسند کـه این بصحت شمـا ضرر دارد تا که در وقت اعتراض بر آنها کدام الزامی نیاید و این لکهء بدنامی درهنگام بعدی از متـاع تجارتی وی دور گـردد. و قـرار این اقـوال و نظریات ضرر و فسـاد دخانیات طور موکد ثابت می شود.

حکم دین در استعمال دخانیات :

در روشنائی اقوال فـقهائیکه می گفتند استعمال دخانیات مباح است و در روشنائی تجارب و نظریات متخصصین طب که می گویند که دخانیات ضرر های مـتـعـدد صحی دارد و سـبب مرگ وهلاکت می گـردد و اقـوال و نظریات این مـتخـصـصین مسلمان درین صدد به حیث شهـادت است و چون آنها متخصصین معتبر هستند بنابران در فن و رشته مهارت و تخصص شان

شهادت شان قبول می شود. و در روشنی این همه و به اساس اقوال فقهائیکه آنراَ حرام میدانستند - حکم شرعی که از آن ها استنباط می شود و نفس انسان به آن مطمئن و آرام می گردد این است که استعمال دخانیات حرام است - زیرا که :

۱- درآن به صحت انسان ضرر زیاد و شدید است که منجر به هلاکت و مرگ می شود وخداوند از قتل و در هلاکت انداختن نفس نهی کرده و فرموده است که: ولاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیما ، یعنی شما خود را نکشید زیرا که خداوند برای شما مهربان است و از قتل نفس منع نموده.

اصحاب رسول الله ﷺ از مفهوم این آیت چنین فهمیدند که آن مسلمانان را منع میکند که خویشتنرا در معرض خطر و هلاکت نه اندازند، ازینجاست که حضرت عمرو ابن عاص رض در وقت جنابت در غزوهء ذات السلاسل ازغسل کردن در آب سردکه خطر هلاکت بود امتناع ورزیدو به دیگراصحاب استدلال کرد ،وحضرت رسول الله ﷺ استدلال او را پذیرفت و برایش تبسم کرد و چیزی نگفت.(۱)

ابوسعید خدری روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: (لا ضرر ولا ضرار)(۲) علامه ابن رجب حنبلی در شرح این حدیث می گوید که:(۳)

حضرت رسول الله ﷺ ضرر رسانیدن و جواب ضرر را به ضرر در

---

(۱) تفسیر قرطبي ٥/ ١٥٧

(۲) بروایت ابن ماجه ودارقطني وازطرقي که همدیگررا تقویت میکند.

(۳) جامع العلوم والحکم درشرح پنجاه حدیث ازجوامع الکلم ص ۲۹۲- ۲۹۳

صورت غیر حق بودن نفی کرده است که این مطلب در عمومیت قول پیغمبر (لا ضرر) داخل است، وخداوند بندگان را به فعل و کردن اعمال ضرر مکلف نمی سازد ازین ضرر در وقت ضرر وضوء کردن را به آب، روزه را از مسافر و مریض و حاجی را از ممنوعات احرام در وقت مرض وتکلیف - مانند سرتراشیدن معاف کرده است.

از حضرت ابن عباس روایت است که برای رسول الله ﷺ گفته شد: کدام دین نزد خدا بسیار محبوب و پسندیده است؟ گفت دین حق و آسانگیر و سهل و در حدیث عائشه است که حضرت رسول الله ﷺ فرمود: من به دین آسان و پاك مبعوث شده ام:

ازین گفتار بصراحت معلوم می شود که ضرر در دین نفی شده و ادخال ضرر بدیگری هم جوازندارد و پس ضرر رسانیدن بخود بسبب دخانیات حرام است زیرا نهی از قتل و به هلاکت انداختن و ضرر واضرار در کتاب الله ج وسنت رسول الله ﷺ وارد شده ونهی خودش مقتضی حرمت است مگر آنکه مانع و قرینهء پیدا شود که از حرمت بگرداند و درین موضوع کدام قرینهء و مانعی وجود ندارد.

۲- در استعمال دخانیات تلف و ضایع کردن مال است و شریعت ازین کار منع میدارد، چنانچه مغیره ابن شعبه از حضرت رسول الله ﷺ روایت میکند که فرمود: خداوند بر شما اشیای ذیل را حرام گردانیده: نا فرمانی مادران، بدیگران چیزی ندادن و از آنها گرفتن. زنده بگور کردن دختران وغالمغال، طلب کردن زیاد، و تلف وضایع ساختن مال بدون فائده.

حافظ ابن حجرمی گوید: اکثریت علماء - تلف وضایع کردن مال را - در اسراف و زیاده روی در نفقه حمل می کنند و بعضی ها در نفقه و

مصرف حرام می گویند و سخن قوی و معتبر در آن حدیث این است که مال را در وجه و طریق غیر شرعی مصرف نمایند، فرق نمیکند که آن در امور دینی باشد یا امور دنیوي، خداوند از آن منع کرده است زیرا که خداوند مال را سبب ادامه زندگی پیدا کرده و در اسراف وضایع ساختن آن این مرام از بین میرود.[1]

ازین کرده تلف شدن مال بناحق چه باشد که تنباکوی که بمال خریده می شود آن در آتش می سوزد و از آن غیر از دود چیزی باقی نمی ماند و آن دود هم در هوا بخار شده و سبب کثافت هوا می شود و خاکستر آن در خاك میرود و دود آن مرض میشود که در جسم انسان سرایت کرده و صحتش را متضرر می سازد و حیاتش را در هلاکت می اندازد.

خداوند از اسراف و بیجا مصرف شدن مال نهی کرده و مرتکبین این عمل را برادران شیطان گفته است: (وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالمسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلاَتُبَذِّرْ تَبْذِيراً، إنّ المبُذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً)[1]

یعنی حقوق صاحبان حق، بینوایان و مسافران را بدهید و بی مورد مصرف نکنید زیرا بیمورد مصرف کنندگان برادران شیطان هستند وشیطان در مقابل امر خدا نافرمانی کرده است.

امام شافعی می گوید: تبذیر عبارت است از مصرف مال درغیر حق و درعمل خیر تبذیر نیست واین قول جمهور است.[2] و اموالیکه در دست

---

(۱) فتح الباری ۳۳۵/۱۰

(۲) آیت ۲٦ سوره اسراء

(۳) تفسیر قرطبی ۲٤۷/۱۰

مردم می باشد مال و ملك خداوند است که در تصرف بندگان قراردارد، پس لازم است که در اطاعت خدا مصرف شود خداوند می فرماید: (آمِنُوا بِاللّٰه وَرَسُولِه وأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيه) یعنی به خدا ورسول وی ایمان آوَرید و اَز آن مالی مصرف کنید که شما را در مصرف آن خلیفه مقرر کرده است.

امام قرطبی در تفسیر این آیت می گوید: آیت دلالت دارد که اصل مال و ملکیت ازخداوند است و بنده در آن فقط حق تصرفی را دارد که خدا راضی شود و بسبب آن خداوند برایش جنت را به حیث ثواب میدهد.(۱)

مصرف مال در استعمال دخانیات نه در اطاعت خدا است و نه در رضائیت وی.

طوریکه علماء علم اقتصاد می گویند چون دخانیات سبب امراض می شود و شخص مریض کارکرده نمیتواند بنابران دراثر این تعطیل عمل ووظیفه اقتصاد ملی متضرر می شود و تعداد روزهای که مصابین از عمل میمانند به ملیون ها روز می رسد و آن علاوه برمصرف خود دخانیات و معالجه و دوای است که برای مریضان ضرورت است. هم چنان اقتصاد فردی نیز متضرر میشود زیرا در خریدن آن و در وقت مرض به تداوی و معالجه پول هنگفت ضرورت است و این مصارف فردی و فامیلی که به اثردخانیات است سبب تکلیف و حتی از بین رفتن فرد واعضای فامیل می گردد واین خود گناه بشمار میرود طوریکه حدیث شریف می گوید که: برای یك شخص همین گناه کافی است که نفقه خورنده اش را تلف نماید.

۳- دخانیات از جملهء آن خبائثی است که خداوند از آن نهی کرده

---

(۱) حدیث بروایت ابوداود ازعبدالله ابن عمروبن عاص وبروایت مسلم ، ریاض الصالحین ۱٤٦

است طوریکه می فرمـاید: (الّذینَ يَتّبعُونَ الرّسُولَ الّنبيّ الأمّيّ الّذیْ يَجدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ في اَلّتـوْرَاةَ وَالإنْجيل، يأمُرُهُمْ بالْمَعْرُوف وَيْنهَاهُمْ عَنِ الْمنْكَرِ وَيُحِلّ لَهُمُ الطّيّبَات وَيُحَرّمُ عَلَيْهِمُ الَخبَائثَ).[1]

یعنی آنانیکه از روی صدق و اخلاص آن پیغمبری را که نبی امی است پیروی می کنند آنکه صفت و نعمت او را در نزد شان در تورات و انجیل پیدا می کنند و می خوانند، ایشانرا بکار نیك و پسندیده امر میکند و از منکر باز میدارد وچیزهای پاك را برای شان حلال می گرداند و چیزهای ناپاك را برای شان حرام می سازد....

دخانیات در نزد صاحبان طبع سلیم خبیث و ناپاك است و خباثت آن علاوه بر ضررش به اساس طعم تلخ و بدمزه وبوی بدو نامرغوب می باشد.

شیخ علیش می گوید دخانیات دارای بوی بد است که انکار از آن عناد و تکبر شمرده می شود.[2]

وخبث و بدبوئی آن کمترین ضرر آن است و امراضیکه از آن پیدا میشود نسبت طعم تلخ و بوی بد آن شدیدتر و مضرتر وعاقبت وخیم تر دارد.

وچون دخانیات از جملهء خبائثی است که دارای طعم تلخ، بوی بد، اضرار زیاد وعواقب وخیم وخطرناك است بنابران حرام می باشد.

والله اعلم

(۱) ایت ۱۵۷ سوره اعراف.

(۲) فتح العلى المالك في مذهب الامام مالك ۱/۱۸۹-۱۹۱

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمند دکتور زکریا بری
استاد و رئیس دیپارتمنت شریعت
اسلامی فاکولته حقوق پوهنتون قاهره
و عضو انجمن تحقیقات اسلامی و
عضو کمیتهء فتوی در جامع الازهر

ممالك اسلامی وقتیکه به دخانیات شناسائی حاصل کردند و مسلمانان به استعمال آن شروع نمودند فقهاء در آن وقت به اساس وجوب و مسئولیت دینی حکم آنرا در دین جستجو و تتبع می کردند.

بعضی ها آنرا حرام گفتند و دلیل شان هم درین حرمت، ضرر، ضعف و سستی به جسم بود و هر آنچه تخدیر می آورد که در حرکت و نشاط انسانی تاثیر میکند و در نزد شان حدیث رسول الله ﷺ بحیث دلیل بود که از هر چیز نشه آور و سست کنندهء اعضاء نهی کرده است.

برخی آنها دلیل تحریم را درین عصر براساس اینکه آنچه در ضرر و فساد مشهور است میدانند و دین اسلام بر اباحت هر چیز نافع و مفید و برحرمت هر چیز مضر و مفسد استوار است بلکه اگر در ین چیز هم ضرر و هم منفعت باشد ضرر آنرا ترجیح میدهد لذا آن حرام است و این مبدأ و اساس تحریم در شراب ثابت شده که: خداوند می فرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الخَمْرِ وَ المَيْسِرِ، قُلْ فِيهِمَا إِثْم كَبِيُر وَ مَنَافِعُ لِلنَّاس، وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ

منْ نَفْعهمَا) یعنی ای پیغمبر ترا از حکم شراب و قمار سوال می کنند بَرای شاَنَ بگو که درآن دو گناه کبیره و منافع برای مردم است ولی گناه شان زیادتر و بزرگتر از مفاد شان است.

و برخی دیگر بر کراهیت استعمال آن نظر داده اند و مرتبهء کراهیت کمتر از مرتبهء حرمت است و دلیل شان هم این است که در آن ضرر کم است که بمرتبهء حرمت نمیرسد و بعضی دیگر کراهیت را براساس بوی بد، خباثت و تنفر آن میدانند.[1]

غیر ازین دوگروه، علمای دیگر هم وجود دارند که آنرا مباح دانسته و به جواز آن قایل هستند بدلیل اینکه حکم اصلی در اشیاء اباحت است و برخی هم رساله های خاص علمی درین موضوع نوشته اند و گفته اند در نزد آنها طور عمومی ضرر و سست ساختن اعضاء توسط دخانیات ثابت نشده تاکه آنرا برای همه مردم حرام یا مکروه بدانند پس می گویند که اگر آن بیك شخص ضرر برساند و یا گمان غالب داشته باشد که برایش مضر ثابت می شود براین اساس برای آن شخص یا حرام و یا مکروه است نه بر اشخاص که برای شان ضرر نمیرساند درین صورت وی مانند سائر مباحات است که با مباح و حلال بودنش بدلیل ضرر خوردنش برای وی حرام میگردد مثل مریض نسبت به بعضی نوشیدنی ها و اطعمه حلال و مباح، و تعدادی از این فقهای اجازه دهنده به این نظریه اند که به اصحاب مروت و شهامت بهتر است که بخاطر وصول بمرتبهء کمال آنرا ترك نمایند.

---

(۱) اسلام ببوي خوش، پاكي محيط، نظافت دهن واستعمال مسواك امرميكند وكسيكه سيروپياز بخورد او را ازدخول بمساجد باز ميدارد.

برخی دیگری می گویند که استعمال دخانیات پنج حکم دارد قرار ذیل:

۱- واجب است در صورتیکه آن سبب اعتدال مزاج و قدرت برعمل ذهنی و جسمی شود مثلیکه به بعضی ها چنین شده است.

۲- مستحب است در صورتیکه سبب زیادت اعتدال مزاج و زیادت قدرت برعمل گردد.

۳- مکروه است در صورتیکه کمتر ضرر برساند ویا پیش از استعمال در ظن غالب او مضر معلوم شود.

٤- مباح است در صوتیکه بحالت شخص معتاد، استعمال و عدم استعمال آن یکی باشد.

٥- حرام است در صورتیکه ضرر آن متحقق و ثابت شود و یا یقین بداند که در استعمال آن ضرر است.

در ممالك اسلامی درقول وعمل مشهور این است که استعمال دخانیات حلال است و بعضی از فقهاء صالح و پرهیزگار آنرا استعمال کردند و در استعمال آن از نظر دین برخود مشکل دینی نیافتند و تقریباً فتوی حرمت آنرا برکسانی منحصر ساختند که بدن شان ازآن متضرر می شود و یا اموالی را که در آن مصرف می کنند مشکلی را برخود و فامیل شان ایجاد میکنند.

وفات کنند و در بریتانیا به تعداد ۱۰۰۰ نفر و در کانادا به تعداد ۵۰۰ نفر به اثر آن جان شان را از دست میدهند. و هم چنان زنانیکه به دخانیات عادت ندارند ولی با مردانی ازدواج کرده اند که آن ها به دخانیات معتاد هستند طور اکثر به سرطان شش مبتلا می شوند و زنانیکه شوهران شان معتاد نیست. به این مرض مبتلا نمیشوند.

چون دین در نفوس مسلمانان تاثیر و قدرت قوی دارد و در آن نیز مبادئ وجود دارد که صحت انسان را حفاظت نموده و بزنده ماندن آن دعوت میکند و از خطر و اضرار منع میدارد و برای مسلمانان راه های اجتناب و نگهداری از مفاسد و اضرار را می فهماند.

دفتر منطقوی سازمان صحی جهان در نظر دارد که نظریهء تعدادی از علمای بزرگ و مشهور را راجع به حکم شرعی استعمال دخانیات معلوم کند به این اساس برای یك تعداد آنها سوالاتی را فرستادیم که ایشان آنها را به جوابات کافی و شافی دوباره برای ما فرستادند که ما این جوابات را با تشکر ازیشان پذیرفتیم که موضوع را با تفصیل بحث و آنرا خلاصه و نتیجه گیری کردندبه این طور که به این نتیجه قلوب شان اطمینان حاصل کرد که آن حکم شریعت است که در درجه اول حکم استعمال دخانیات در اطراف این می چرخد که حرام قطعی است ویا کم از کم در درجه دوم مکروه تحریمی می باشد.

دفتر منطقوی سازمان صحی جهان از جمله واجبات ومسئولیت های خود میداند که این معلومات با ارزش را به غرض استفاده عموم مردم در دسترس عامه بگذارد به این اساس این دفتر چنین فیصله نمود که اول خلاصهء این فتاوی را به حیث افتتاحیه و مقدمه نشر کند سپس بخاطر استفاده عمومی همه نصوص آنرا طور کامل بچاپ برساند اگر چه در آن

تحقیقات طبی و علمی در ین عصر این موضوع را جدی گرفته و در اثر تجارب تطبیقی ضرر آنرا ثابت کرده اند.[۱]

بسیاری از حکومات این ندا را لبیک گفتند و اجراآت لازم را برضد آن اتخاذ نمودند بعضی از ین حکومات قیمت آنرا بلند بردند تا که مردم از خریدن آن صرف نظر نمایند و یا استعمال آنرا در بعضی از اماکن و اجتماعات مقید ساختند طوریکه درین اواخر مملکت مصر این کار را نمود و این نظریهء دکتور حمدی سید رئیس اتحادیه داکتران بود و شرکت ها هم اضرار آنرا اعلان کردند تا که مردم از آن تنفر نمایند و در بارهء آن فکر کنند و سرنوشت شان را بدانند و عزیمت و قصدشان را قوی سازند و برسلوك و روش شان تسلط حاصل نمایند و از استعمال آن اجتناب کنند و دیگران را هم باین کار تشویق نمایند و قدوة و رهنمای دیگران باشند و در اصلاح اجتماع در مقدمه قرار بگیرند و سنت و طریقهء نیك از خود بیادگار بگذارند تا برای خود شان و کسانیکه از آنها پیروی میکنند ثواب اخروی کسب کنند بدون اینکه از ثواب قائد و رهنمای شان چیزی کم شود طوریکه این مطلب در سنت نبوی ثابت است. با تمام این بیانات اهل فن و متخصصین طبی طوری قطعی در حکم استعمال دخانیات اظهار کردند که آن بین حرمت و کراهیت تحریمی دور میکند.

در وقتیکه در بین مردم رواج و انتشار زیاد داشت بخاطر مراعات

---

(۱) طبیبان اولوالامر طب درموضوع تخصص شان هستند ولازم است که سخن شان درین باره شنیده شود زیرا خداوند (ج) مي فرماید : ازخدا وپیغمبر واولوالامر تان اطاعت کنید ودرنزد علماء این است که اهل تخصص درامور وفنون اولو الامر حساب مي شوند پس درمسایل طبي طبیبان اولوالامر هستند ودرتطبیق قوانین حکام اولواالامر حساب میشوند وفقهاء درمسایل معرفت احکام فقهي اولوا الامر هستند وهکذا...

احوال مردم و تسلط این عادت آنرا بعضی ها حلال می گفتند و ترك آن به یك مرتبه - طوریکه من کرده ام - خیلی ها مشکل و سخت بود بنابران حکم در بارهء آنها لزوم تدرج در تقلیل کمیت و مقدار آن است تا بآن درجهء برسند که ضررش کم شود و یا کاملاً از بین برود و آنها بعد از آن از استعمال آن طور مطلق صرف نظر نمایند - البته به حسب قدرت و ظروف مالی و صحی شان حالت شان مراعات می گردد - و درینجا ایشان خفیف ترین دو ضرر را با اختیار طریقه که دارای ضرر کمتر باشد اختیار نمایند و چون بسیاری از معتادین به این ضرر دخانیات پی بردند و یا به نصایح طبیبان گوش دادند بنابران بتدریج و آهسته آهسته از آن صرف نظر نمودند و آخر الامر از آن اجتناب کردند.

بعد از ینکه مردم فهمیدند که ضرر آن منحصر به شخص استعمال کننده نیست پس باید که آنها درجا های دور و خرابه زارها آن را استعمال نمایند تا دیگران از ضرر آن مصئون بمانند. در صورتیکه استعمال کننده به نفس خود ضرر برساند و پروا نداشته باشد که در ین صورت او به امر عقل کار نکرده بلکه به خواهش شهوت خود کار میکند - پس او حق ندارد که بدیگران ضرر برساند، و اسلام برضد ضرر بوده و رغبت دارد که محیط زیست و اجتماع شان پاك و نظیف باشد واین نظافت ازحقوق انسانی است.

من در تطبیق قانونیکه درین مورد صادر شد ادعا کردم که از کسانیکه در تطبیق آن عجله نکرده و آنرا به تعویق انداختند غرامت گرفته شده و مسئول شناخته شوند و این موضوع را در مجلهء دینی لواء الاسلام و هم در جریدهء -الاخبار-که بکثرت نشر می شود بچاپ رسانیدم زیرا معالجهء امراض اجتماعی که بر جریده و اخبار به نشر برسد و آن تطبیق نگردد و تنها در روی ورق باقی بماند دارای نتیجهء خطرناك و بد است و از

ان کرده عدم صدور قانون بهتر و خوب تر می باشد.

این است حکم استعمال دخانیات درین زمان و حکم تجارت آن که بین حرام و مکروه تحریمی دور میکند و کسیکه به آن تجارت میکند در حقیقت به حرام مضر و یا مکروه تحریمی تجارت میکند که در حدود و سرحدات حرام زندگی میکند.

زندگی کسانیکه بصورت اساسی یاطبیعی برتجارت آن استوار است و در امور مواردمالی و اقتصادی شان بآن اعتماد می کنند باید که به اساس ضرورت شان بتدریج و کم کم از تجارت آن صرف نظر نمایند و برای جوانانیکه تقلید دیگران را می کنند نفروشند زیرا ایشان غیر شعوری ازین تقلید مضر پیروی نموده و در استعمال آن شروع می کنند و همزمان باترك آن بخاطر پیدا کردن رزق شان کم کم به تجارت حلال و مشروع اقدام نمایند تا که این مرحلهء انتقالی از نسلیکه معتاد است به نسل غیر معتاد انتقال کند.

و لازم است قانونی صادر شود که تجارت دخانیات را تنظیم کند باین ترتیب که خرید و فروش و استعمال آن طور موقت منحصر بکسانی باشد که بآن عادت دارند تا که این مرحله به حیث مقدمه منع آخرین باشد و اجازه نامه جدید تجارت برای هیچ کس ندهند و با تجار فعلی آن معاونت کنند که بدیگر چیزها تجارت نمایند و دولت بخاطر تعویض موارد مالی شان از مدرك دخانیات تدابیر لازم و مفید بسنجد وانشاء الله باین طریق منفعت زیاد و مفاد بیشتری را خداوند به عوض منع استعمال و تجارت دخانیات برای شان میدهد.

والله ولی التوفیق

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمند شیخ **عطیه صقر**
عضو انجمن تحقیقات اسلامی و
فتوی در جامع الازهر

مبارزه برضد دخانیات چه حرام باشد چه مکروه کاری است که شریعت آنرا تائید میدارد زیرا برای یکنفر مسلمان واجب است که از ناحیهء صحی، فکری، روحی، اقتصادی و اخلاقی و غیره امور قوی و کامل باشد چنانچه حضرت رسول الله ﷺ می فرماید: مسلمان قوی در نزد خدا بهتر و محبوب تر است از مسلمان ضعیف و درهردوی آن خیر و برکت وجود دارد، در اموریکه بشما منفعت باشد راغب و حریص باشید و از خدا استعانت بجوئید و عاجز ننشینید. بروایت مسلم.

صحت در نظر اسلام منزلت خاص دارد و شریعت آن تکالیفی را که به بدن رابطه دارد از نظر نه انداخته است مانند نماز، روزه، حج، جهاد، به قسمیکه در حالت فرض تخفیف قایل شده طوریکه این مطلب در کتب فقه به تفصیل ذکر شده و از استعمال هر چیزیکه بصحت انسان ضرر دارد منع نموده است تا در ادای واجبات دینی و دنیوی عاجز، و ناتوان نباشد و فرموده که صحت نعمتی است که بسیاری مردم قدر آنرا فهمیده نمیتوانند و قدر آنرا وقتی میدانند که از آن محروم شوند طوریکه ضرب المثل می گوید: صحت تاجي است برسر صحتمندان که قدر آنرا مریضان می فهمند و

حضرت رسول الله ﷺ فرموده است: دونعمتی است که مردم در آن ها فریب خورده و قدرشانرا نفهمیده اند یکی صحت و دیگری داشتن وقت فارغ،(بروایت بخاری) یعنی وقتیکه انسان از آنها بموقع استفاده نکند زیانمند میشود مثل این است که آدمی متاع خوب و قیمتی را به بهای اندك و ناچیز بدهد.

در حدیث شریف ذکر است که: (درآخرت اولین چیزیکه راجع به نعمت های دنیوی از بنده می پرسند این است که: آیا جسم ترا صحتمند نگردانیده بودیم و آیا ما ترا از آب سرد سیراب نکرده بودیم) (بروایت ترمذی)، خداوند می فرماید: (ثُم لَتُسْألُنّ يَوْمَئذٍ عَنِ النّعيم) یعنی در روز آخرت از نعمت های دنیوی پرسیده می شوید، بعضی مفسرین می گویند که مقصد از نعیم درین آیت صحت است.

رسول الله ﷺ آنرا یکی از ارکان اساسی احساس و شعور انسانی به سعادت دنیوی شمرده است طوریکه می فرماید:(کسیکه از خواب بر صحت و عافیت برخیزد و در آرامی و آسایش باشد و روزی و قوت یك روزه را داشته باشد مثل این است که دنیا برای او میسر شده است)،(بروایت ترمذی) و درحدیث دیگری است که می گوید:(از خداوند عفو، عافیت و صحتمندی را طلب کنید. بعد از ایمان و یقین به هیچ کس بهتر از صحتمندی چیز دیگری داده نشده است) (بروایت نسائی).

بعضی از شارحین این حدیث می گویند که این حدیث متضمن از اله و از بین بردن سه شر است که شر زمان گذشته را بنام عفو و زمان حاضر را بنام عافیت و از مستقبل را بنام معافات یاد می کنند.

در ساحهء وقایه برضد چیز مضر صحت می گوئیم که هر چیزیرا که به جسم و عقل ضرر برساند اسلام آنرا حرام گردانیده است مانند تمام انواع

طعام ها و مشروبات مضر از قبیل گوشت خوك و شراب و ... و از تکلیف ما فوق قدرت جسم هم منع کرده اگر چه که در عبادت قیام اللیل و روز روزه باشد و حدیث شریف می گوید که: (خداوند بر شما حقی دارد و بدن تان هم بر شما حق دارد) (حدیث بروایت بخاری) و از خوردن حلال مباح در صورت اسراف هم منع کرده است. طوریکه می فرماید: (وكُلُو وَ اشْرَبُوا وَلاَتُسْرِفُو) یعنی بخورید و بنوشید واسراف نکنید (سوره اعراف) و از مخالطت و نشست و برخاست با مریضان منع کرده که تا تنبیه بر خطر سرایت و انتقال مرض گردد که در ین باره باید برحذر و هوشیار باشد....

این تعلیمات برای صحت است و اسلام در محافظت مال هم توجه نموده و به طریقه نیك و حسن استعمال آن امر کرده است و از مصرف مال در وجوه غیر شرعی و نامعقول و از تبذیر که مصرف بیمورد و از اسراف که تجاوز از حد است منع نموده و هر دوی آنرا بدو مذموم میداند طوریکه میفرماید: مصرف بیمورد نکنید زیرا بی مورد مصرف کنندگان برادران شیطان هستند و شیطان در برابر پروردگارش نافرمان و ناسپاس بود و درباره اخراج زکات می فرماید: (وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لاَتُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبّ الْمُسْرِفِينَ) یعنی حق (زکات) غله را در روز درو کردن آن بدهید و اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست نمیدارد ،(سوره انعام آیت ۱٤۱) و در حدیث شریف است که خداوند اتلاف و ضایع کردن مال را بد و مکروه میداند. (بروایت بخاری و مسلم) وهم چنین از ضرر و ضرار نهی شده است.

در روشنی این بیانات می گوئیم که:

مبارزه برضد دخانیات بر دو طریقه اساسی استوار است: یکی وقایه و دیگري معالجه و مقصود از وقایه حفاظت از واقع شدن در مرض و ممانعت

امرار و ادامه آن است که به تجربهء آن شروع کردند ولی مرض هنوز در وجود شخص سرایت نکرده و مقصود از معالجه کوشش برای نجات مریض است بعد ازواقع شدن در چنگال خطر و هر یك ازین وقایه و معالجه دارای روش و اسلوبی است که از نگاه اسلام در انها روشنی می اندازیم:

از روش و اسلوب وقایه یکی هم حفاظت و نگهداری است از اقدام کردن به دخانیات، نفس انسان را تشویق میکند که دخانیات را تجربه کند تا که نتیجه و تاثیر آن را بداند و وقتیکه اثر آن را شناخت ترك میکند و می گذارد و لیکن کسیکه می خواهد انرا تجربه نماید در آن می افتد و سپس مشکل می شود که خود را از آن نجات بدهد، چنانچه در ادبیات عربی آمده است که دو نفر از عیاران بزرگ مشهور بین خود یکی بدیگر گفت: کدام ما عیارتر و زیرك تر از دیگرمان هستیم؟ دیگرش گفت که من، زیرا وقتیکه من در مصیبت به افتم میدانم که خود را چگونه از آن نجات بدهم. اولی گفت نه بلکه من از تو کرده هوشیارتر و عاقل تر هستم زیرا وقتیکه من شر و مصیبت را بدانم در آن نمی افتم. وبالفعل او داناتر و عاقل تر است زیرا پیش از واقع شدن در شر نجات یافتن از آن مقدور و آسان است و به تکلیف زیادتر ضرورت ندارد و نجات بعد از وقوع درآن یقيني نبوده و ضرورت به زحمت ووقت زیاد است. وحفاظت ازباب امر معروف و نهی منکر حساب می شود که از خصوصیت های این امت نیك و خیر است که به نفع مردم و خدمت خلق الله آفریده شده و از جمله نصیحت به خیر است که باید در بین افراد اجتماع بکثرت وجود داشته باشد و از جملهء معاونت به خیر و نیکوئی است که از جمله بارزترین صفات یك جامعه متقدم و پیشرفته است.

اسلام درین ناحیه نیز پیشقدم بوده و دارای نصوص زیاد است خداوند

می فرماید: (وَلْتَكُنّ مِنكُمْ أُمّة يَدْعُونَ إِلىٰ الْخَيْرِ وَيَأمُرُونَ بِالمعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأولئكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (آل عمران آیت ۱٤٠) یعنی از جمله‌ء شما باید گروهی باشد که مردم را به خیر دعوت کند و به معروف امر و از منکر نهی نماید و این کروه کامیابند - و به نیکوئی و خیر باهم کمک کنید و به گناه و تجاوز کمك ننمائید. و حضرت رسول الله ﷺ می فرماید: دین نصیحت است - و کسی از شما اگر بدی را به بیند باید آنرا بدست تغییر بدهد و اگر بدست نتواند بزبان تغییر بدهد و اگر آن هم نتواند آنرا در دل بد و نا روا پندارد و این ضعیف ترین درجه ایمان است. و اگر خداوند توسط تو یکنفر را هدایت کند برای تو بهتر است از داشتن شترهای سرخ موی، (بروایت مسلم) اشتران سرخ موی از بهترین اموال عرب محسوب می شد.

کسانیکه انسان معتادی را معالجه کرده و از عادت دخانیات نجات بدهد در آن اهتمام و توجه به غیر است زیرا او دلیل خیر شده و او را از شر نجات داده است و آن اخلاق اسلامی است که حضرت رسول الله ﷺ بآن تشویق نموده فرموده است: کسیکه از یك نفر مسلمان مشکلی را دفع کند خداوند از وی مشکلی از مشکلات روز قیامت را دور میکند، و خداوند در کمك بنده است تا وقتیکه بنده در کمك برادر مسلمانش باشد. و از غفلت و بی تفاوتی منع نموده می فرماید: (کسیکه به امور مسلمانان توجه ننموده و بی تفاوت باشد از جمله‌ء مسلمانان بشمار نمیرود) (بروایت طبرانی) و مسلمان کامل نیست یکی از شما تا آنکه دوست بدارد برای دیگران آنچه را که دوست میدارد برای خود (بروایت بخاری و مسلم) بصراحت باید بگوئیم که این مطلب برای تولید اهمیت وقایه و تشویق مسئولین آن است و به امید اینکه در مبارزه برضد آن نسبت بدیگران زیاد تر فعال و متوجه باشند و مخصوصاً وقتیکه اسلوبی را متابعت کنند که به خصوصیت های نفس

بشری و طبیعت آن موثر باشد خداوند می فرماید: (أُدْعُ إلیٰ سَبِیلِ رَبِّكَ بِالحِکْمَةِ وَ الَموْعِظَةِ الحَسَنَةِ) یعنی براه پروردگارت به حکمت و موعظه نیک دعوت کن، (سوره نحل ۱۲۵) و وقایهء حکیمانه به قناعت دادن هم نتیجه میدهد و قناعت اساس روش و اسلوبی است که انسان را از اضطراب و پریشانی حفاظت میکند.

از جمله اسلوب حکیمانه در وقایه و حفاظت این است که گمان بعضي مردم را که راجع به مفاد دخانیات است و یا در ادامه و استمرار آن منافع به جسمی میرسد آنرا باطل و ناروا ثابت سازد و خطرها و مفاسدیکه یقینی است در برابر مفاد و همی و خیالی آن اشکارا سازد مثلاً در ناحیهء جنسی انسان را ضعیف می سازد و در وجود معتادین دخانیات حالات اضطراب شدید پیدا می شود و اوقدرت ذخیره واندوختن ثروت را نمیداشته باشد طوریکه این مطلب را دکتور کارل شیرن استاد پوهنتون هامبورگ جرمنی بیان داشته است. و او در از بین بردن غم و غصه یا فراموشی دارای تاثیر کم، ضعیف و موقت است بلکه گاهی انسان را در تفکیر این غم ها زیادتر سردچار می سازد، و در مفاد مادی و تجارت ظاهری باید که انسان غفلت نورزیده و در پهلوی آن زیان های ادبی و معنوی آنرا بیاد داشته باشد که بطریق مستقیم یا غیر مستقیم بصحت، معنویت و اقتصاد چه اضرار کمرشکن بار می آورد و این موضوع به افراد جامعه و اطراف وی که زندگی میکنند چه تاثیر قوی یا ضعیف دارد. در ممالك پیشرفته باید خطر تولید و صادر کردن آن مدنظر گرفته شود زیرا مفادیکه ازین ماده میکردند عوض آن خساره اش برای شان پرداخته نمیشود. چنانچه دولت های پیشرفته به خطر آن پی برده و به ازاله و ازبین بردن آن شروع نموده اند، پس ای صاحبان بصیرت شما پند بگیرید. حفاظت خود از مرض بادیدن و بیان کردن حقیقت و ساختن قوانین ضد دخانیات چیزی است که ما از آن

مستغنی شده نمی توانیم زیرا قناعت نفسی تضمین موکدی است که ما را در تطبیق قوانین مخلص می سازد، و این همان اسلوب قرآن در تقنین است که غالباً حکمت تشریع هم بیان می شود که بعد از فهمیدن فوائد و اضرار آن نفس انسانی در تطبیق اوامر و اجتناب نواهی آن رغبت پیدا می کند طور مثال خداوند ج می فرماید: (وَأَقِمِ الصَّلاَةَ إِنَّ الصَّلاَةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) یعنی نماز را برپادارید زیرا کـه نماز از بدی و بی حیائي ها منع میدارد (وكُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَىٰ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) یعنی روزه برشما فرض شده مثلیکه بکسانی پیش از شما فرض گردیده بود تا که متقی و پرهیزگار باشید. و در نهی از شراب و قمار نیز می فرماید: (إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ العَدَاوَةَ والبَغْضَاءَ فِي الخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَ عَنِ الصَّلاَةِ، فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُون)، یعنی شیطان در شراب نوشی و قمار بازی در بین شما عداوت و دشمنی را می اندازد و شما را از یاد خدا و از نماز منـع میـدارد آیا منع می شـوید؟ (مائده آیت ۹۱) و در نهی از غیبـت می فرماید: (وَلاَيَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضاً أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ)یعنی یکی دیگر تانرا غـیبت نکنیـد آیا دوست دارد یکـی از شمـا کـه گوشـت برادر مـرده اش را بخـورد پـس آنـرا بد مـی بیند.(سوره‌ء حجرات - ۱۲).

در صورتیکه مقدمه صحیح باشد عقل سلیم نتیجه‌ء آنرا بسهولت قبـول میکند و در صورتیکه حکم راست ومعقول باشد نفس آدمی به آن اعتماد پیدا کرده و آنرا تطبیق میکند و به تطبیق آن سعی می ورزد.

بدون قناعت نفسی توقع کامیابی مطلوب درست نیست و طبیعی است کـه نفوس دشمن چیزی است کـه آنرا بد میداند و قناعت خوبی را

بعض تکرار های معلوماتی است که فقهای کرام فتوی شانرا به استناد آن صادر نموده اند و ما از همه خوانند گان این کتاب خواهشمندیم که حکم شرعی آنرا قبول نمایند و به خاطر دفع مفاسد و اضرار از خود، از فامیل و از وطنداران شان از استعمال دخانیات اجتناب نمایند و این قول خداوندی را لبیك بگویند که:(یَاأَیّهـا اَلذینَ آمَنُوا آسْتَجیبُوا للّه وَ للرسّوُل إذَا دَعَاکُمْ لمَا یُحْییکُمْ) یعنی اَی مسلمانان حکمَ خدا و حَکم رسَول خدا را قبول کنیدَ چون شما را بخواهد برای آنکه شما را زنده نگهدارد.

دکتور حسین جزائری

محرم سال ١٤٠٩ هـ

اگست ١٩٨٨ م

نکرده و اگر آنرا تطبیق هم کند تطبیق سطحی و شکلي است که هر دقیقه می خواهد از آن خلاصی حاصل کند مخصوصاً در غیاب مراقبی که آنرا بروی لازم گردانیده است، و آدمی درین فضاء زندگانی منافقین را دارد که خلاف مافی الضمیر را اظهار میکند.

از وسایل امتناع بر محافظت ازین امراض مثال عملی بودن مامورین و مؤظفین است در صورتیکه طبیبان، دعوتگران و نویسندگان درین میدان گوی سبقت را ربوده باشند که آن میدان مبارزه بر ضد دخانیات است پس بیش از پیش برای شان لازم است که خود شان از استعمال آن خود داری نمایند زیرا اگر خود شان این کار را کردند فعل شان دلیل این است که بر گفتار شان صادق نیستند زیرا اگر مردان و محافظه کنندگان در گفتار شان صادق می بودند در مرتبه اول خود شان از آن اجتناب می کردند. این است گمان مردم در باره‌ء آنها که از آن هیچ کس انکار کرده نمیتواند ازین سبب اسلام دعوتگران خیر را بر حذر میدارد ازینکه چیزی را بگویند و آنرا عمل نکنند که در نزد مردم بیقدر شده و اعتماد ازایشان سلب می گردد ویا کم از کم ضعیف می گردد خداوندﷻ می فرماید: (يَاأَيُّها الَّذينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَالَا تَفْعَلُونَ ،كَبُرَ مَقْتاًعِنْدَاللّه أَنْ تَقُولُوا مَالاَ تَفْعَلُونَ) (صف آیت ۲) یعنی ای مسلمانان چرا می گوئید چیزیرا که عمل نمی کنید و گناه بزرگ است در نزد خدا که بگوئید چیزیرا که بجای نیاورید (أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وأَنْتُمْ تَتْلُونَ الكِتَابَ ،أَفَلاَ تَعْقِلُونَ) آیا مردم را به نیکوی امر میکنید وخویشتن را فراموش می کنید در حالیکه شما کتاب خدا را هم تلاوت میکنید آیا تعقل نمی کنید؟

و از اقوال حکیمان است که می گویند: اگر از کاریکه دیگران را منع می کنید خودتان آنرا مرتکب شوید برای شما عار وننگ عظیم است و لازم

است که در نصایح مکتوبی یا مسموعی ویا مرئی معلومات و حقائق باهمه امانت داری عرضه و تقدیم گردد و نواحی منفی و سلبی دخانیات زیادتر از حجمش ارائه نگردد زیرا معلوماتی را که مردم می بینند یا می شنوند ویا می خوانند باید که با واقعیت مطابقت داشته باشد واگر چنین نباشد اعتماد مردم از وی گم می شود و تاثیر مطلوب نمیکند.

خداوند وقتیکه توجه مردم را به ضرر خمر و میسر جلب می کرد : درآن دو(شراب و قمار) ضرر بزرگ بوده و مفادی هم برای مردم است و گناه شان زیادتر از مفاد شان است. پس معلوم است که هر خیری چیزی از شر و هرشری چیزی از خیر هم دربر دارد.

مقصود این است که مسئولین این کار باید معتدل بوده برای مردم معلومات غیرصحیح ندهند زیرا همه مردم نادان نیستند و صداقت و راستکاری بزرگترین عوامل قبول است. ولازم است که مسئولین به تعداد زیاد باشند وهر کس در رشته تخصصی که مناسب حال اوست مسئولیت داشته باشد و معلومات آن رشته را بدیگران تقدیم دارد و نصیحت تنها در اضرار صحی آن منحصر نماند بلکه ضروری است که اضرار اجتماعی و اقتصادی دخانیات راهم برای مردم بفهمانند.

این بخاطری است که مرض ویاء مانند دشمن هجوم کننده است و مجاهدین برضد آن است و ضروری است که وظائف مهم و اختصاصی را در بین شان تقسیمات نمایند مانند رهبریت معرکه، رسانیدن غذا، کشف وغیره و این نوع تقسیم وظائف از باب معاونتی است که باید همگان در آن سهم بگیرند و تخلف در آن جواز ندارد این آیت خداوندی بمطلب مذکور اشاره میکند: (انْفِرُوا خِفَافاً وَثِقَالاً وجَاهِدُوا بِأمْوَالِكُمْ وأنْفُسِكُمْ فِی سَبِيلِ اللّه) یعنیَ گران بَار و سبکَبار بجهادَ بیرون شویَد و در راهَ خدا با اموالَ و

جان های تان جهاد کنید.

از جمله امور مفید یکی هم این است که برنامه مشق و تمرین برای مسئولین این کار وضع گردد و ایشان با تمام امکانیات که در وظیفه و مسئولیت شان مفید ثابت شود مجهز گردند زیرا معلومات پراگنده ویا ناقص و خلاف حقیقت از فائده کرده دارای ضرر و نقصان بیشتر است چنانچه قرآن کریم از مهارت کامل در امور دین ذکر کرده و فرموده است: (فَلَوْلاَ نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) (سوره، توبه ۱۲۲) چرا از هر گروه بزرگ یك جماعت کوچك نمی براید که در امور دینی علم وتفقه حاصل نمایند و وقتیکه پس بوطن شان عودت کردند قوم شان را بترسانندتا که حذر نمایند.

هم چنین مفید است که شخص مسئول و ناصح درباره، دخانیات دارای معلومات اساسی عمومی صحی باشد زیرا معلومات یکی مکمل دیگری است و امراض متعدد در بسیاری از اسباب یکی با دیگری جمع می گردد با توصیه، اینکه نصیحت به نوجوانان با اسلوب مناسب وابتدائی در خانه ها و مکاتب باشد و رهبریت درین سن وسال دارای نقش مهم و ارزنده است اگر چه این وقایه وحفاظت خاموشانه باشد لیکن تاثیر آن زیادتر از تاثیر بلاغت زبانی است، ازینجا می بینیم که اسلام مراعات پدران را در مقابل اولاد شان ارزش زیاد میدهد و در حدیث صحیح است که: مرد در خانه اش چوپان بوده و از رعیت خودمسئولیت دارد و زن نیز در خانه، شوهرش چوپان بوده و از اولاد و خانه، شوهرش مسئولیت دارد و در حدیث دیگری است که می فرماید: هیچ پدر پسرش را بهتر از ادب خوب، بخششی نداده است. شکل نصیحت و محافظه بیك شکل منحصر نمانده باید به اشکال مختلف صورت بگیرد تا حواس آدمی بآن الفت و انس

حاصل کرده و در مقابل آن معافیت حاصل نکند وبی اثر نماند و طریقه و اسلوب نو و ابتکاری را در آن بکار ببرد که مفید و موثر باشد و هر محیط وهر زمان را مناسب بحال آن مراعات نماید زیرا هر سخن جائی و هر نکته مقامی دارد و بلاغت مراعات احوال مخاطبین را می گویند. واین اسلوب قرآن کریم در بیان دلایل مختلف ازمظاهر و پدیدهای قدرت خداوند در اثبات وحدانیت و دادن نعمت و دعوت به ایمان است، درین باره نصوص زیادی وجود دارد مخصوصاً در سورۀهای مکی، وشاعری درین باره میگوید: درهر چیز نشانهء دلالت کننده بروحدانیت خداوندی است، این گوشهء است از تاثیر محافظه و وقایه از وقوع در خطر دخانیات یا ادامه و استمرار در آن ویا اهمال در معالجهء آن که موقف تنظیمی و تشجیعی و تشویقی اسلام بیان شد.

معالجه اعم از وقایوی و تداوی آن می باید که بصورت تدریجی باشد مخصوصاً در حالت عادت گرفتن، و درین حالت یکبارگی از آن نجات یافتن کار سهل و آسان نیست و متخصصین این فن به تدرج آن خوب تر میدانند وما می توانیم که از قیادت نیك قرآن در اجرآات تحریم شراب پیروی کنیم که اول آنرا در اوقات معین روز که وقت نماز است منع نمود ه و فرمود که: (یاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاَ تَقْرَبُوا الصَّلاَةَ وَأَنْتُمْ سُکَارَی حَتَّی تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ) (سورهء نساء آیت - ٤٣) ای مسلمانان در حالت نشه بودن به نماز نزدیك نشوید تا بفهمید آنچه را که می گوئید وبعد از آنکه مردم ذهناً آنرا بد دیدند و آثار خطرناك آنرا فهمیدند پس حرام قرارداده فرمود که:(یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الخَمْرُ وَالمَیْسرُ وَالأَنْصَابُ وَالأَزلاَمُ رِجْس مِنْ عَمَلِ االشَّیْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ) (آیت چند بار ترجمه شده)و قبل از تحریم جزئی، برای مردم فهمانیده شد که در آن ضرری است که زیادتر از مفاد آن است و عقول شان را آزاد گذاشت که از طریق موازنه وقناعت دادن

نفس از چیزی دوری کنند که ضررش ازمفادش کرده بیشتراست.

دیگر ازاسلوب معالجه گرفتن ترتیبات لازم به غرض معالجهٔ معتادین به تداوی یا اسلوب روحی است و دین هر مریض را تشویق میکند که خویشتن را معالجه نماید طوریکه حدیث شریف می فرماید: (ای بندگان خدا مریضان را تداوی نمائید زیرا خداوند برای هر مرض، دوائی را آفریده است) (بروایت ترمذی).

هم چنان اسلام تشویق میکند که شخص معتاد با تمام وسایل ممکن باید که معالجه و تداوی شود و این تداوی را از باب تعاون به خیر، ترحم بر ضعیف میداند و حدیث شریف می گوید: صفت مسلمانان در تراحم و مهربانی بر یکدیگر شان مانند یك جسم اند که اگرعضوی ازاعضای آن مریض باشد همه جسد بخاطر آن درتکلیف و بیدار خواب می باشند. بروایت بخاری و مسلم.

و معالجهٔ کامل مقتضی است که از اسباب و عوامل دخانیات بحث و تحقیق شود تا که مناسب به اسباب وعوامل آن معالجه صورت بگیرد که درین حالت معالجه اساسی و جذری می باشد برابر است که این اسباب و عوامل اقتصادی باشد یا اجتماعی ویا روحی و نفسی و طوریکه گفتیم هر نوع آن مهارت و تخصص می خواهد.

اشخاص متخصص و ماهر راجع به ا همیت نصیحت می گویند که باید اشخاص معتاد از تعداد استعمال دخانیات کم کنند و از استنشاق آن بکاهند و بعد از هر تنفس سگرت را از دهن شان باندازند وغیره طرقیکه معالجهٔ تدریجی آنرا مقتضی است وهم چنان باید به بدیل وعوض دخانیات هم بحث و تحقیق نمایند که این موضوع نیز دارای اهمیت وارزش است تا که عادت استعمال دخانیات بکلی از بین برود. و دین به همهٔ این وسایل

تشویق می نماید.

هم چنین از وسایل معالجه تدخل مقامات حکومتی است که باید بخاطر مقاومت بر ضد آن قوانین صادر کنند و این قوانین و مقررات شامل اشیای ذیل باشد:

۱- به اشخاص خوردسال باید که سگرت فروخته نشود.

۲- به اشکال مختلف علامات و شعارهای ترس و تحذیر را بر قطی های سگرت بگذارند.

۳- مواد مضره را در دخانیات کم سازند.

٤- در مناصب و مقامات غیر معتادین به مواد مخدره را برتری و ترجیح دهند و مخصوصاً کسانی را که در مقام قیادت و رهبری قرار دارند و هم چنان درترفیع، بورس ها و دیگر امتیازات و... تا که دیگران به ایشان اقتداء نمایند.

۵- ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی مانند باغهای عمومی و مواصلات عمومی و اجتماعات عمومی واینها بخاطر حمایت مردم در تمتع از فضای پاك و نظیف. وبه خاطر حمایت اموال و ارواح در اماکن که مواد انفلاقی باشد نیز ممنوع قرار بگیرد.

٦- محدود ساختن تولید و ترویج دخانیات و گذاشتن مالیات سنگین بر تولید واستفاده کننده.

۷- محدود ساختن اعلانات سگرت با وسایل موثر و شدید مانند تلویزیون و پوسترها.

۸- منع کردن اشخاصیکه در شیشهء تلویزیون ظاهرمیگردند ازکشیدن سکرت، تا مشاهده کنندگان بفهمند که استعمال دخانیات چیز ساده

نبوده است مخصوصاً که از جملهٔ شخصیت های بزرگ باشد.

۹- وضع جزاهای مناسب و متناسب با حجم مخالفت از قوانین - منع سگرت.

بخاطر حفظ مصالح دولت باید که حکومت ها امثال چنین مقررات را وضع کنند و بر ملـــت واجب است که آنرا حفاظت و احترام نماید خداوند ج می فرماید: (يَاأَيّهَا الّذينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّه وَأَطِيعُوا الرّسُولَ وَ أُولِي الامْرِ مِنْكُمْ) واین اطاعت در معروف است نه در منکر و معصیت.

طوریکه در غرب گفته میشود ما باید نگوئیم که آزادی شخصی می باید تضمین شود و تدخل در آن جواز ندارد زیرا این قول به اعتبار عقل و دین مردود است مخصوصاً در اموریکه بزندگی اجتماعی رابطه دارد. تمتع از آزادی شخص حق هرکس است ولیکن در مقابل واجبات و مکلفیت ها هم دارد که آن عبارت است از حمایت حقوق مردم در امنیت، زندگی، صحت، مال و سائر حقوق.... و این مقتضای عدالتی است که بین حق فرد و حق اجتماع موازنه میکند و رسول الله ﷺ امر می کرد تا کسانیکه سیر و پیاز می خورند از مسجد بیرون شوند و او را در اطراف قبرستان جنت البقیع می فرستاد که همراه مرده گان زندگی نمایند.

من این را می گویم که باید اصدار قوانین و مقررات دارای احترام باشد در آن نه ظلم باشد و نه یك جانبه بلکه مصلحت عموم را درنظر بگیرد و همراه صدور قوانین مراقبت تطبیق ضروری است و آنرا تنها به ضمیر و وجدان مردم نگذارند و هر ضمیر باین سویه نیست که بمراقبت ضرورت نداشته باشد.

کسانیکه مسئولیت تطبیق را دارند باید خطر کسالت و غفلت را بدانند برابر است که مسئولیت مراقبت فردی باشد یا طور مجموعی که یك

دستگاه خاص آنرا مراقبت نماید و در خوف از غفلت و تعاون کفایت میکند که در اخبار ذکر است که: در روز قیامت پسر در گردن پدر سوار شده میگوید: ای پروردگار من حق مرا ازین شخص بگیر که او بر من ظلم کرده. پدرش می گوید: من چگونه برتو ظلم کردم؟ آیا من برای تو طعام و پوشاك ندادم؟ می گوید بلی و لیکن تو مرا در گناه می دیدی و منع نمیکردی.

هر روزیکه ما به تربیهء ضمیر موفق شویم بسیاری از مشکلات ما حل می شود بنابران اولین چزیکه دعوت های پیغمبران بآن اهمیت میدهد غرس عقیدهء قوی درنفوس است که خدا تمام اعمال ظاهری و باطنی بندگان را میداند و او به انسان از شهر گش کرده نزدیکتر است خداوند می فرماید: (مَایَکُونُ منْ نَجْوَیٰ ثَلاثَةٍ إلَّاهُوَ رَابِعُهُمْ ،وَلاَ خَمسَةٍ إلَّاهُوَ سَادسُهُمْ... إنَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَيْءٍ عَلِیم) یعنی نمی باشد راز بین سه نفر مگر اینکه خدا چهارم شان است و نمی باشد راز بین پنج نفر مگر اینکه ششم شان خدا است و نمی باشد کمتر از آن یا زیادتر از آن مگر اینکه خدا با ایشان است هرجا که باشند باز خبر میدهد ایشان را بآنچه کردند در روز قیامت و خداوند بهرچیز داناست... هر آئینه درینکار پند است برای کسیکه دل دارد ویا گوش نهد و او تعالی حاضر و ناظر است.

حـکـم دیـن در اسـتـعـمـال دخـانـیـات

بقلم فضیلتمند

مصطفی محمد حدیدی طیر

عضو انجمن تحقیقات اسلامی

استعمال دخانیات یك عمل نو و جدید است امام لقانی در رسالهء که درین باره نگاشته تصریح کرده که این عمل در اواخر قرن دهم هجری ظاهر شده از ین سبب مثلیکه در بارهء شراب نصوص نازل شده دراین باره نازل نشده است پس برخی از مردم گمان میکنند که استعمال آن مباح است لذا آنرا در لفافهٔ کاغذ یا آتش، یا دود آنرا بصورت های دیگری استعمال میکـــنند.

حقیقت این است که مردم در خلال فکر کردن آن به غلط رفته اند و دلیل شان نبودن دلیل خاص بحرمت آن است زیرا مصدر احکام در اسلام یا نصوص مخصوص بآن حکم است و یا نصوص عمومی است که هم آن موضوع خاص را در بر می گیرد و هم دیگر احکامی را که بآن مشابهت داشته باشد و یا اجماع و یاقیاس است و این از امتیازات دین اسلام است. قرآن و سنت دومصدر اصل احکام اسلامی است درین دوچیزی ذکر شده که دلالت دارد بر حرمت دخانیات زیرا در حال یا در آینده به صحت ضرر دارد و هر چیز مضر در همـــه ادیان حرام اســت مخصوصاً در اسلام خداوند مــی فرماید: (وَلاَتُلْقُوا بأَيْدِ يكُمْ إلىٰ التَهْلُكَهة...) عمـوم این آیت

مقتضی است که هر فعلیکه صاحبش را به هلاکت اندازد ممنوع است و دخانیات درین باب خود به خود شامل است و حدیث شریف می فرماید: لاضرر و لاضرار ومقصد از ین نفی، نهی است پس هر چیزیکه به نفس یا غیر نفس مضر باشد حرام است و استعمال دخانیات طور قطعی مضر به نفس است و هر چیزیکه به نفس مضر باشد از روی عقل و شریعت حرام میباشد.

سازمان صحی جهان به سبب اضرار دخانیات مبارزه را برضد آن اعلان کرده است و این را شعار خود ساخته که: یکی از دو را اختیار کرد؛ دخانیات یا صحت. به تعداد پانزده هزار داکتر طبیب بسبب ثبوت ضررآن دخانیات را در بریتانیا ترك کردند و بدیگران به حیث سرمشق قرار گرفتند. دکتور حمدی سید رئیس اتحادیهء دکتوران می گوید: اتحادیهء داکتران در مصر در ین مبارزهء جهانی بر ضد دخانیات اشتراك میکند و بهمهء دوائر اعلان میدارد که در این باره سهم بگیرند که از خطر دخانیات بکاهند و از دستگاه های اجرایوی وقانون گذاری می خواهد که در وضع قوانین سرعت بخرچ دهند و از خطر تدخین وطنداران را نجات بدهند مخصوصاً نسل جوان و اطفال را. زیرا که خطر آن حیات با سعادت انسانی را تهدید میکند و این یك سهمگیری فعال و بانشاط است که اجتماع را به سوی ترقی و پیشرفت سوق میدهد.

همه طبیبان معتمد جهان اتفاق دارند که دخانیات مضر و هلاك كننده است ازین سبب بحکم قانون، حکومتهای پیشرفته در بالای قطی سگرت نوشته می کنند که: دخانیات ضرر شدید دارد و سبب سرطان شش، امراض قلب و صدر و غیره امراض می گردد.

اطباء ضرر دخانیات را به جهازهاي مختلف بدن به تفصیل شرح داده

خــلاصــــهء

فتاوای علماء راجع به حکم شرعی استعمال دخانیات

درین خلاصه هر فتوی از فتاوی را می نگاریم که یك تعداد از علمای دانشمند و بزرگ حکم شریعت را راجع به دخانیات نوشته اند. و سپس نصوص کامل آن فتاوی را نشر می کنیم تا برای خواننده معرفت کامل حاصل شود که ایشان چگونه به این حکم واضح و آشکار رسیدند.

اند: و دخانیات به صحت ضرر دارد در آن اسراف و بیمورد مصرف شدن مال نیز می باشد چنانچه امام شافعی می گوید:

تبذیر مصرف مال بناحق است و اشهب از مالك روایت میکند که، تبذیر عبارت است از مصرف مال در غیر حق و این حرام است خداوند می فرماید: (وَلاَتُبَذِّرْ تَبْذِیراً ،إنّ المُبَذِّرینَ کَانُوا إخْوَانَ الشَّیَاطِین وَ کَانَ الشَّیْطان لِرَبِّه کَفُوراً ...) و تبذیر کنندگان در سعی به فساد در روی زمین در پیش خدا مانند برادران شیطان هستند و یا که در آتش با شیطان نزدیك هستند و شیطان در مقابل حکم خدا کفران و نافرمانی نموده است، و کسیکه چنین صفت داشته باشد جواز ندارد که کس دیگری در هلاکت و ضایع ساختن مال او را متابعت و پیروی کند.

خلاصه حکم اسلام در استعمال دخانیات

از بیانات گذشته ثابت گردید که دخانیات سبب بروز امراض بصورت عاجل و یا در آینده است که خطرناك ترین آنها امراض قلب و سرطان در جهاز تنفسی وبولی است و در آن مصرف مال بناحق و در غیر مورد است بنابرآن حرام شرعی است. وَلاَتُبَذِّرْ تَبْذِیراً ... یعنی مال را بیمورد مصرف نکنید زیرا بیمورد مصرف کننده گان برادران شیطان هستند و شیطان در برابر حکم خدا ناسپاسی و نافرمانی کرده است.

در صورتیــــکه دخانیات چنین صفـــت داشته باشد شریعت وعقل استعمال آنرا حرام میداند و امتناع را از آن لازمی می شمارد.

والله اعلم

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمند استاد **عبدالله مشد**
عضو انجمن تحقیقات اسلامی
وعضو انجمن فتوی درجامع الازهر

نباتی در شرق در اوایل قرن یازدهم هجری عرض وجود کرد و این نبات دارای نام های مختلف است مانند تبغ، تتن، تنباك، تنباکو، طابغی، طابغا طابه و ... چون این نبات و انواع دیگر مخدرات مانند چرس، تریاك، هیروئین، کوکایین و دیگر زهریات با این عناصر و آثار قبلاً معروف نبود بنابران کدام نص قاطع کتاب الله وسنت رسول الله در حرمت آن وارد نشده و سپس در استعمال آن کدام عقوبت معین نیز وجود ندارد لیکن علماء اصول فقه و مجتهدین مسلمان حرام را دو قسم تقسیم کرده اند یکی حرام لذاته و دیگر حرام لغیره.

و حرام لذاته عبارت است از ترك واجب و بجای آوردن حرام زیرا ترك واجب مانند فعل حرام حرام است. واجب عبارت است از فعلیکه بر مکلف واجب باشد و برترك آن عقوبت شدید لازم گردد و قطعیت ثبوت آن در کتاب الله و یا قطعی الدلالت باشد باین معنی که احتمال غیر واجب را نداشته باشد مانند وجوب نماز، روزه، زکات، حج و عبادت خداوند، وفاء بعهد - احسان بوالدین بدلیل این قول خداوند: (أقيمُوا الصَّلاةَ ، وَآتُوا الزَّكَاةَ) نماز برپا دارید و زکات را بدهید، (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ) روزه

بر شما فرض شده (وَلِلّه عَلَى النّاسِ حِجُّ البَيْت) برمردم حج خانه خدا فرض است (وَقَضَى رَبّكَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إلاّ إيّاهُ) خداً امر میکند که غیر او دیگری را عبادت مکنید، (أوْفُوا بالعقُود) به عهد تان وفاء کنید (وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذّلّ مِنَ الرّحْمَة) بازوهای تواضع را به پدر و مادر خم کَنید (وَوَصَّيْنَا الإنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْناً) آدمی را به پدر و مادرش به نیکی کردن امر کردیم.

و حرام بسبب فعل محرم عبارت است از اینکه مکلف به ترك آن مکلفیت داشته و از آن نهی شده باشد و بر فعل آن عقوبت شدید مرتب شود بدلیل اینکه در کتاب الله بدلیل قطعی ثابت شده و احتمال غیر تحریم را ندارد زیرا در اجرای آن اضرار و مفاسد است مانند: زنا، دزدی، سود، شراب نوشی، خوردن خون وگوشت حیوان خود مرده و خنزیر، تهمت بزنان پاك، نافرمانی والدین، خوردن مال مردم بباطل بدلیل این آیات: (وَلاَتَقْرَبُوا الزّنَى إنّهُ كَانَ فَاحِشَةً)بزنا نزدیك نشوید که آن فحشاء است (وَالسّارِقُ وَ السّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أيْدِيَهُمَا) دست زن و مرد دزد را قطع کنید (وَأحَلّ اللّه البَيعَ وَ حَرّمَ الرّبَا) خداوند تجارت را حلال و سود را حرام گردانیده است. (إنّمَا حَرّمَ عَلَيْكُمُ المَيتَةَ وَالدّمَ وَلَحْمَ الخنْزِير) جز این نیست که برای شما گوشت حیوان خود مرده، خون و گوشت خوك را حرام گردانیده است .(وَالّذينَ يَرْمُونَ المحْصَنَات ثُمّ لَمْ يَأتُوا بأرْبَعَة شُهَدَاءَ ،فَاجْلدُوهُمْ ثَمَانِين جَلْدَةً) کسانیکه زنان مسلمان پاکدامن را تهمت می کنند و بعد از آن چهار شاهد آورده نمی توانند پس ایشانرا هشتاد دره بزنید (قُلْ تَعَالَوا أتْلُ مَاحَرّمَ رَبّكُمْ عَلَيكُمْ ألاّ تُشْرِكُوا بِه شَيْئاً، و بالوَالدَيْنِ إحْسَاناً) بگو بیآئید نزد من که آنچه را تلاوت کنم که پروردگار تان برای تان حرام گردانیده است که هیچ چیز را باوشریك نسازید و به پدر و مادر تان احسان کنید.(وَاجْتَنِبُوا قَولَ الزّورِ) از

سخن دروغ بپرهیـــزید، (یَا أَیُّهَـاالَّذینَ آمَنُوا لاَتَأکُلُوا أَمْوَالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالبَاطِلِ) ای مسلمانان اموال یکدیگر تان را بباطل نخورید.

حرام لغیره آن است که در تحریم ذات آن کدام نص صریح وارد نشده ولیکن وسیله بوقوع حرام لذاته می شود مانند استعمال دخانیات و زهریات که برجان، مال وعقل ضرر برساند زیرا شریعت حفاظت آنها را لازم گردانیده و اتلاف و تجاوز را بر آنها حرام قرار داده حضرت رسول اللهﷺ می فرماید: حلال و حرام آن است که خداوند درقرآن بیان نموده و از چیزیکه سکوت کرده برای تان عفو است و حدیث دیگری می فرماید: چیزیرا که خداوند در قرآن حلال گردانیده حلال است و چیزیرا که حرام گردانیده حرام است واز چیزیکه سکوت اختیار کرده عفو است عفو خداوندی را بپذیرید زیرا خداوند چیزی را فراموش نمیکند و خداوند فراموش کار نیست، بروایت بزار، و حاکم بسند صحیح.

وابوثعلبه روایت میکند که رسول اللهﷺ فرموده است : خداوند فرائض را لازم گردانیده پس آنرا ضایع نسازید و حدودی را معین کرده که از آن نگذرید و از چیزهای سکوت کرده بدون فراموشی پس از آن بحث و جستجو نکنید [بروایت بخاری، مسلم و دارقطنی].

مقاصد شریعت که خداوند آنرا برای بندگان خلق کرده و احکام آنرا بخاطر حفظ و حمایت آن نازل کرده و اتلاف آنرا حرام گردانیده عبارت است از: ضروریات، احتیاجات و کمالیات.

ضروریات : عبارت از چیزهای است که با جلب مصلحت ودفع مضرت ازآنها حیات انسان هاو مصالح شان بآن مربوط است اگر یکی از آنها نباشد نظام زندگی شان مختل می شود و بی نظمی و فساد ایشان را فرا می گیرد و آن پنج است: نفس، عقل، مال، دین، ناموس و نصوص

دینی به ارزش نفس، عقل و مال وارد شده و محافظت آنها را واجب و اتلاف شان را حرام دانسته است ازین سبب خداوند این ضرورت ها را خلق کرده و احکامی را مقرر داشته که آنها را حفظ کرده و از تجاوز وتلف آنها منع نموده است.

نفس :مقصد از نفس ذات ویا روح است خداوند میفرماید: ولاتقتلواانفسکم، خودتان را نکشید و خداوند برای پیدایش و ادامه نسل آن ازدواج را مشروع گردانیده و برای حفاظت و بقای آن خوردنی نوشیدنی و مسکن را لازم نموده است و برای دفع ضرر از وی، قصاص، دیت، حد و کفاره را مقرر کرده و می فرماید:(وَلاَتُلقُواْ بِأَيْدِيكُمْ إِلىٰ التهْلُكَه) مقصد ازتهلکه : هلاك، فقر و خوف است خداوند می فرماید:(وَمَا يُهْلِكُونَ إلاأَنْفُسَهُمْ) وهلاك نمی کنند مگر خود شان را ،زیرا حیات انسان دارای ارزش و قیمت است که محافظت آن لازم بوده و تلف آن جواز ندارد و این است فطرت انسان و احکام سماوی و قوانین وضعی بخاطر عصمت خون وحرمت قتل و ضرر آن است و تجاوز را بروی منع نموده و بر تجاوزگر عقوبات و جزاهای سخت لازم گردانیده و به این ترتیب حق زندگی وی تثبیت می گردد و این حق مهمترین حقوق انسانی است و بخاطر رسیدن به بلندترین درجهٔ کمال و تولید بروی لازم است که کارکند که عقل، جسم و سلوك وی صحیح و تنومند باشد و شریعت تجاوز برنفس را نیز حرام گردانیده است : مانند: (وَلاَتَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللّه كَانَ بِكُمْ رَحِيماً وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلك عُدْوَاناًوَظُلْماً، فَسَوْفَ نُصَّلِيه نَاراً) یعنی نفس تانرا نکشید زیرا خداوند بر شما مهربان است و کسیکه این کار را به ظلم و اعتداء کند ما او را درآتش دوزخ می اندازیم. و درحدیث است که: کسیکه خودش را از کوه به پائین اندازد و خود را بکشد آن شخص در آتش دوزخ است. و در خطبهء حجة الوداع می گوید:خون ها و اموال تان تا روز

قیامت برای تان حرام است.

عقل : عقل دو قسم است یکی عقل طبیعی و دیگری مسموعی.

عقل طبیعی عبارت از آن قوهء است که آمادهء قبول و گرفتن علم و معرفت است و عقل مسموع عبارت است از علم مستفاد ازین قوت است و تا وقتیکه عقل مطبوع نباشد عقل مسموع فائده ندارد.

حضرت رسول الله ﷺ بعقل مسموع اشاره نموده می فرماید: خداوند مخلوقی را مکـــرم تر برخود ازعقل نیافریده است و راجع به عقل مسموع می فرماید :که هیچ کس کسبی بهتر ازعقل نکرده که او را هدایت کند و یا از هلاکت نجاتش بدهد و خداوند می فرماید: (وَمَا يَعْقِلُهَا إِلاَّ العَالِمُونَ) یعنی غیر از عالمان کس دیگری درین باره تعقل کرده نمیتواند. و خداوند به عقل مطبوع اشاره نموده می گوید: ما بار امانت را به آسمانها و زمین و کوها تقدیم کردیم از برداشتن آن اباء ورزیدند و از آن ترسیدند و انسان آنرا برداشت و انسان ظالم و جاهل است.

انسان بکمك هر دو نوع عقل بوجود و وحدانیت خداوند علم حاصل میکند و خداوند انسان را به عقل مزین ساخته و او را اکرم المخلوقات گفته است که ما بنی آدم را مکرم ساخته ایم. و انسان توسط عقل در قدرت و علم به اسرار کائنات و خصوصیت های آنها و درکشفیات و اختراعات دست یافته و زیادت می آورد و به عقل می تواند به کواکب و نظام شمسی و ترصد حرکات اجرام سماوی و انواع مکروب های امراض پی ببرد و خویشتن را از ضعف و مرض معالجه کند. ازین سبب محافظت عقل وصیانت آن واجب بوده و لازم است که آنرا از ضعف، مرض واختلال نگهدارند بنابران از استعمال دخانیات مخدرات و زهریات باید اجتناب نماید بدلیل اینکه عقل سلیم در بدن سالم است و با استعمال دخانیات عقل

در سلامت و امان نمی ماند.

مال : خداوند مال را در پهلوی پسران ذکر کرده می گوید که: (المَالُ وَ البُنونَ زِينَةُ الحَيَاة الدُّنْيَا) یعنی اولاد و مال زینت زندگی دنیوی است و به بندگانش منت گذاشته می فرماید: (وَأَمْدَدْنَاكُم بأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلنَا كُمْ أكْثَرَ نَفِيراً) یعنی به شما با اموال و پسران کمك کردیم و تعداد مردان تانرا زیاد نمودیم واز مصرف که دارای ضرر باشد خداوند آنرا منع کرده (يَاأيّهَاالّذِينَ آمَنُوا لاَتُلْهِكُمْ أمْوَالكُمُ) یعنی شما را اموال تان طوری مصروف نسازدکه در چیزیکه مصرف نمائید ضرر برساند نه مفاد. (وَأعْلَمُوا أنّمَا أمْوَالكُمْ وَأوْلادُكمْ فِتْنَة) یعنی بدانید که فرزندان و اموال تان سبب امتحان شما است وخدا می بیند که شما آنرا در کجا مصرف می کنید و شما را محاسبه میکند و در آیات ذیل اشاره باین میکند که مال در کجا مصرف شود و می گوید: مثال کسانیکه اموال شانرا برضای خداوند وثواب برای شان مصرف می نمایند مثال باغی است در تپهء بلند که به آن باران ببارد وحاصلاتش دوچند شود.... و مال در نهضت و ترقی ملت ها و صحت جسمی و عقلی و اخلاقی افراد تاثیر فراوان دارد و آن ستون و اساس پیشرفت مادی، وترقی اقتصادی بوده و روا کنندهء احتیاجات عقلی (موسسات تعلیمی) صحی واجتماعی است و توسط آن زراعت و ثروت های معدنی و زیر زمینی انکشاف پیدا کرده و در خدمت مردم قرار می گیرد و اگر اسباب جرائم و فساد ملت ها را بحث کنیم می بینیم که فقر و ناتوانی از مهمترین اسباب آنها به شمار میرود.

ازین سبب اسلام انظار مردم را به چیزهای متوجه می سازد که خداوند در تسخیر آنها قرار داده که از آنها بحیث منابع ثروت و قوت استفاده برند که خود این توجه بر بشریت لازم می گرداند که باحسن تدبیر

مال را محافظه نموده و در بهترین وجه وطریقه آنرا بکار اندازد و ازآن به نفع خود و اجتماع استفاده بر دُو یك جزء آنرا ذخیره کند و در مصرف معتدل و میانه‌رو باشد حدیث شریف می فرماید: کسیکه در مصرف میانه روی کند فقیر نمیشود باید که در مصرف راه وسط را اختیار نماید بدون ضرورت مصرف جواز ندارد و در چیزی مصرف نکند که بضرر تمام شود مانند دخانیات و مخدرات خداوند می فرماید: نه دستت را در گردنت بسته کن و نه آنرا طور کامل باز بگذار که درین دو صورت در آخر کار ملامت شده و حسرت زده می نشینی، و... مسلمانان خوب کسانی اند که در مصرف نه اضافه خرچی میکنند و نه هم سختي و بخل میورزند و در بین این دو قُرار دارَند.

از بیانات گذشته اهمیت نفس، عقل و مال فهمیده می شود. بمنظور ارزش این سه ضرورت در تقدم مدنیت و پیشرفت خداوند انها را خلق کرده و از جملهء ضروریات پنجگانه شمرده است. و نزول احکام بخاطر حفاظت و عمل بر صیانت و کمال حمایت آن از واجبات دینی است. و هم چنان اتلاف و مصرف بیجای آن حرام دینی میباشد. و چون استعمال دخانیات و سموم مخدره به اتفاق دانشمندان و متخصصین و اطباء به عقل، دین و مال مضر بوده و سبب اتلاف و ضیاع مال و ضعف تولید در کیفیت و مقدار آن است بنابر آن حکم آن حرام است و کسانیکه آنرا استعمال و یا تجارت میکنند کم باشد یا زیاد باید جزاء داده شوند زیرا کسیکه در اطراف ملکیت کسی گردش کند زود است که در آن داخل شود و این جزاء پند بدیگران می گردد وجزای آن هم تعزیری است که اولوالامر مقدار آنرا تعیین می نماید زیرا خداوند نفس بشریت، عقل و مال واحکام وعقوبات را در مقابل بی احترامی آنها عبث و بیفایده نیافریده بلکه بخاطر حمایت و تحقیق مصالح بندگان خلق کرده است.

خداوند می فرماید: (رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلاً) ای خدا این چیزها را باطل نیافریدی (وَهو الذی خَلَقَ لَکُمْ مَا فی الاَرْضِ جَمِیَعاً) یعنی خداوند آن ذاتی است که همه چیز روی زمین را بمفاد شما آفریده نه برای ضرر و لهو و لعب بلکه بمنظور آبادی دنیا و صلاح البشر و تحقیق خلافت انسان در زمین به خیر و منفعت عموم.

نظریات فقهای سابق در دخانیات

از زمان ظهور دخانیات فقهاء آنرا مطالعه نموده و حکم شرعی آنرا استنباط می کنند و لیکن تمام شان در مضر بودن آن اتفاق نکرده اند وبعضی شان به تحریم آن حکم نموده اند وطور مجموعی بعض شان آنرا مباح دانسته و برخی هم حرام گفته و تعدادی هم توقف کرده اند که حلال است ویا حرام وبعضی بکراهیت و بعضی دیگر به اباحت حکم نموده اند و از جمله کسانیکه به اباحت باکراهیت آن حکم کرده یکی هم ابوالحسنات کمنوی ومولفین کتاب های الاشباه که می گویند حکم اصلی ان اباحت و یا توقف است.

نابلسی می گوید که حرام نیست و طحطاوی می گوید که استاد ما عماری آنرا مکروه تنزیهی میداند.

کسانیکه بحرمت آن قایل هستند، عبدالباقی حنفی است که میگوید: حق حرمت آن است و این حرمت ماخوذ از کتاب و سنت، قواعد شرعی و نصوص کتاب های معتبر است، واستعمال کننده و تاجر و سوداگر وسایل و اسباب آن باید تعزیر شوند و فتوی عمر ابن عبدالرحمن حسینی شافعی نیز همین است و هم چنان محمد فتح الله ابن علی مغربي، و محمد ابن صدیق زبیدی حنفی و شیخ عامر شافعی به حرمت آن فتوی داده و گفته اند که:

اگر همین دخانیات مشهور به عقل یا بدن انسان ضرر برساند حرام است و ضرر آن آشکار بوده و طبیبان انواع مختلف ضررآنرا ثابت کرده اند.

وعلامه شرنبلالی می گوید که حرام است زیرا آن نه غذا است و نه دواء و خرید و فروش آن باید منع شود زیرا آن از جمله خبائث محسوب می شود واستعمال کنندهء آن در رمضان مستوجب کفاره است. و محمد ابن احمد می گوید حرام است بدلیل اینکه سبب مرض می گردد و در کتاب مجالس الابرار ذکر است که: اگر در رمضان کسی آنرا استعمال کند افطار کرده و استعمال و خرید و فروش ان حرام می باشد زیرا درجمله لهو ولعب وعبث می آید و در کتاب تبیان ذکر شده که: حرمت آن ثابت است بدلیل قول خداوند که : (وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِم الخَبَائِثَ) یعنی شریعت خبائث را بر مسلمانان حرام گردانیده و استعمال کننده و تاجرآن تعزیر می گردند و شیخ عامر شافعـــی می گوید: حـــــرام بوده وعدالـــت استعمال کننده را ساقط می سازد.

دلایل حرمت یا کراهیت تحریمی

۱- دخانیات نه غذاء است و نه دواء بنابران حرام است.

۲- در استعمال آن عبث، لهو و لعب است که اینها حرام هستند.

۳- استعمال آن بدعت است وهر بدعت ضلالت و گمراهی است.

٤- آن نشه آور و مخدرست و هر چیز نشه آور و مخدر در جمله شراب می آید و شراب حرام است بدلیل حدیث حضرت ام سلمه که حضرت رسول الله ﷺ ازهرمسکر ومفتر نهی کرده است(بروایت ابوداودو احمد)

۵- در آن تشبه بکفار و اهل آتش است که از دهن و دماغ شان دود می بر

حکم شریعت در استعمال دخانیات

این واضح واشکار است که استعمال دخانیات-با اختلاف انواع و طرق استعمال آن - به انسان طور عاجل و یا در دراز مدت ضرر زیاد و کمر شکن میرساند. و او را به امراض مختلف مبتلا می گرداند بنابران استعمال آن به اساس این نصوص ممنوع است و سپس استعمال آنها برای یکنفر مسلمان به هیچ وجه جواز ندارد. تا که یك نفر مسلمان جان و مال خود را حفاظت کند و ازاضراریکه طب جدید آنرا بیان میدارد خود را نگهدارد و فامیل ها و اجتماعات انسانی طور موجودیت خود را حفظ کنند و اموال شان را در جای بمصرف برسانند که بر جسم شان مفید بوده و بر سالم بودن حیات شان کمك نماید. به این وجه بتوانند مسئولیت های شان را در برابر خدا و فامیل شان اداء نمایند. و این را بدانند که مسلمان قوی در نزد خدا بهتر و محبوب تر از مسلمان ضعیف است. والله سبحانه اعلم

امام اکبر

جاد الحق علی جاد الحق

شیخ جامع الازهر

***

من بعد از انکه نشرات مختلف طبی را که اضرار و مفاسد صحی و اجتماعی استعمال دخانیات را بیان میدارد مطالعه کردم بصراحت می گویم که استعمال آن حرام است و بر اشخاص معتاد لازم است که آنرا یکطرف

آرند و آن اگر حرام هم نبوده باشد کم از کم مکروه تحریمی می باشد.

٦- در دهن بوی بد تولید میکند مانند خوردن سیر و پیاز.

٧- آن خبیث است و هر خبیث حرام می باشد.

٨- فاسقان مثلیکه بر سر حرام جمع می شوند بر سر آن هم جمع می گردند و بر آن حکم تحریم کرده می شود.

٩- آن مشتمل بر فتنه و مصیبت است و به مانند آن چیز حکم تحریم کرده می شود.

١٠- آن مفسد عقل و نفس است و عقل سلیم در جسم سالم است و انسان را از نماز و ذکر خداوند باز می دارد و این کار قرا ر دلیل معقول و منقول حرام است.

١١- دخان از آلات عذاب است که خدا آنرا در موقع عذاب ذکر کرده.

١٢- توسط آن اذیت رسانیده می شود بنابران وی حرام است زیرا درآن اذیت برای انسان وملائکه است خداوند می فرماید: کسانیکه مسلمانان را بدون گناه شان اذیت میکنند آنها مرتکب بهتان و گناه می شوند. و حدیث می گوید که هر اذیت کننده در دوزخ است.

١٣- آن مستلزم اسراف است وآن به نصوص شرعی حرام می باشد.

١٤- در وقت استعمال انسان بصورت بد و قبیح ظاهرمی شود در حالیکه خداوند او را در بهترین صورت آفریده است.

١٥- در آن داخل کردن دود در بدن است که دود ازآتش پیدا شده و خوردن آتش حرام می باشد حدیث شریف می گوید که خداوند آتش را به حیث غذا برای ما نیافریده.

۱٦- در آن تشبیه به شیطان است طوریکه استعمال کننده دردستش آتش را میگیرد.

۱۷- حرمت آن به اتفاق فقهاء ثابت است.

دلایل جواز استعمال آن

اجازه دهندگان دلایل زیادی دارند که مهمترین آنها سه دلیل است:

۱- از دلایل چهارگانهٔ اصلی کتاب، سنت، اجماع و قیاس مجتهدین کدام دلیل بر تحریم آن وجود ندارد و بنابران بر حالت اباحت باقی میماند.

۲- اصل دراشیاء اباحت است و دخانیات درین اصل شامل شده بر اباحت آن حکم می شود.

۳- اصل در منافع، اباحت و در اضرار تحریم است و دخانیات مفید است نه مضر پس در آن تحریم نمی آید واصل در اثبات حکم اباحت است و به تحریم آن دلیلی از دلایل معتبر شریعت ضروری است.

نظریهٔ علمای معاصر

فضیلتمند شیخ حسنین مخلوف فتوی داده که باید دربارهء آن اجتهاد شود و علماء در بارهءآن اختلاف نموده اند و بعد از آن می گوید که: و حق در نزد ما در کتاب رد المحتار این است که مباح می باشد وبه حلال بودن آن از جمله مذاهب چهارگانه کسانی فتوی دادند که بر فتوی شان اعتماد می شود واز اجهوری مالکی ونابلسی حنفی نیز اباحت نقل شده زیرا کدام دلیل شرعی بر حرمت یا کراهت آن نقل نشده و اسکار و ضررآن به تمام

استعمال کنند گان به اثبات نرسیده است و قاعده عمومی در اشیاء اباحت است واز کتب فقهاء که برای وی شهادت میدهد نقل کرده ومی گوید: ازین دلایل فهمیده می شود که تجارت در آن بنابر قول راجح تجارت دراباحت است و فائده که ازآن بدست می آید فائده حلال و پاك بوده مگر اینکه عارضی پیدا شود که ایجاب حرمت و یا کراهیت تحریمی را بکند مانند ثبوت ضرر به نفس ومال وغیره....

شیخ محمد طبیب النجار عضو انجمن تحقیقات اسلامی به حرمت آن فتوی داده بدلیل اینکه : (وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِم الخَبَائثَ) و علاوه بران همه اطباء برضرر آن اجتماع دارند و هر چیزیکه بر جسم و صحت مضر باشد آن حرام است خداوند می فرماید:(وَلَاتُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَىٰ التَهْلُكَة) و خداوند از تبذیر مال که مصرف در غیر محل است نهی کرده و فرموده که مبذرین برادران شیطان هستند واستعمال دخانیات در وجود شخص کسالت، سستی و بیهوشی را بار می آورد و این حالات باعث پوشیدن و اختلال در عقل می شود و از ین سبب حرام است:

شیخ دکتور زکریا بری عضو انجمن تحقیقات اسلامی می گوید: به اساس تحقیقات طبی معاصر استعمال دخانیات حرام است که حکومات در بسیاری از اماکن و اجتماعات استعمال آنرا منع نموده اند و بعد از آن می گوید استعمال آن بین حرمت و کراهیت تحریمی دور می کند.

انجمن فتوی جامع الازهر فتوی داده که استعمال دخانیات بدو منکر بوده که شریعت آنرا حرام قرار داده و این فتوی در روزنامهء جمهوریت تاریخ ۲۲ مارچ ۱۹۷۹ به نشر رسیده است.

بعد از تقدیم این نظریات برای ما چنین ظاهر می شود که:

اول : کسانیکه به حرمت استعمال و تجارت آن قایل هستند در بیان حکم

بحق رسیدند و بعضی های دیگر حرمت آنرا بسبب ضرر در مال عقل و نفس میدانند در حالیکه شریعت به محافظه جسم، عقل و مال امر کرده و تجاوز و اعتداء را برآنها حرام قرار داده است ازین سبب به مرتکبین آن طوریکه حکومت لازم می بیند عقوبات و جزاهای مناسب به جرائم و تعدی شان برعقل، مال و نفس شان به حیث جزای تعزیری تعیین می کند.

کسانیکه اشیای ذیل را از دلایل تحریم میدانند که: دخانیات نه دواء است و نه غذا، و یا که مخدر وسست کننده‌ء اعضاء است و هر چیزیکه چنین صفت داشته باشد حرام است. یا تشبه به کفار و شیطان است و یا بدعت و بدبوی بوده وفاسقان وفاجران به آن اجتماع میکنند و از آلات عذاب و آتش است و استعمال کننده‌ء آن دارای صورت قبیح می باشد و یا اینکه آن از آتش پیدا شده و یا که حرمت آن به اجتماع فقهاء ثابت شده اقوالی است که حرمت بآنها ثابت نمیشود زیرا که حرام نزد احناف بدلیل قطعی ثابت می شود و در نزد امام احمد چیزی که به یقین باشد آن حرام است و ان دلائلی که ایشان ذکر می کنند دلالت قطعی برتحریم ندارد.

کسانیکه آنرا مباح یا مکروه میدانند بدلایل ذیل استدلال میکنند:

اول : این دلیل که اصل در اشیاء اباحت است بین علماء متفق علیه نیست زیرا جماعت دیگری می گویند که اصل در اشیاء منع و حرمت است و عمل کردن به این قاعده وقتی صحیح می شود که دلایل قاطع بر وجوب محافظت بر نفس، عقل و مال نباشد و در باره‌ء حرمت تلف مال و تجاوز برآن دلایل قطعی وجود دارد بنابران استشهاد بر آن قاعده درست نبوده و نه این قول جواز دارد که در حرمت دخانیات

دلایل تحریم وجود ندارد.

دوم : استشهاد باینکه اصل در منافع اباحت استعمال و در اضرار تحریم است درست و صحیح می باشد و این قاعده برضد آنهااست نه برطرفداری شان زیرا ضرر دخانیات و مخدرات بدون شك و شبهه به اثبات رسیده است. از ناحیهء مالی و اقتصادی مثلا مملکت مصر سالانه از امریکا بمقدار هفتاد و پنج هزارتن دخانیات وارد میکند که دولت از شرکت دخانیات پنجصدملیون پوند مصری مالیات می گیرد و این ثابت شده که به صحت، عقول و اموال مصری ها ضرر میرساند و امراضی که از درك استعمال دخانیات به این مردم پیدا می شود در معالجه و خریدن دوای آن و مصرف شفاخانه ممکن است از ملیاردها پوند هم زیاد شود.

و چون اطباء و دکتوران در اثر معاینه و تحقیقات علمی و لابراتواری اضرار صحی آنرا کشف کرده اند بنابران ضرر آن یك حقیقت علمی است که شرعا عمل به آن واجب است و استعمال و تجارت آن حرام میباشد زیرا سبب چندین مرض می گردد: مانند سرطان شش، دهن، لب، حلقوم، مری، مثانه، و التهابات قصیبات ، امراض قلب، شرایین که در دولت های مترقی و انکشاف یافته ۸۰ ٪ وفیات و تلفات ازین ناحیه است، و هم چنان اضرار آن از طرف مادر به جنین چه اندازه بسیار است؛ و اینك اقوال اطباء را درین باره نقل می کنیم: در کنفرانس جینوا در ماه دیسمبر ۱۹۷٤ که از طرف سازمان صحی جهان دربارهء آثار و تاثیرات دخانیات برگزار شده بود و در آن نخبهء از استادان طب و دیگر موسسات تحقیقات علمی اشتراك کرده بودند و نمایندگان ذیل نیز وجود داشت: از موسسه قلب هالیندی و پوهنتون کمبرج انگلستان، وزارت صحیهٔ اتحاد شوروی ،پوهنتون قاهره، فرانسه،

ایالات متحده‌ء امریکا، و سازمان های بین المللی مشکلات الکولی در سویس، اتحادیه‌ء بین المللی مبارزه برضد سرطان کنفرانس عمومی سوم دخانیات وصحت، موسسه سرطان در نیویارك ، موسسه بین المللی امراض قلب ، اتحادیه بین المللی تربیه‌ء طفل ، اتحادیه بین المللی فرهنگ صحی ، سازمان عمل بین المللی ، موسسه صحی سویس، موسسه بین المللی طب اطفال و اتحادیه‌ء بین المللی فارمکولوجی و انستیتوت کیمیای کلینیك و موسسه قلب در المان غرب، کنفرانس به این نتیجه رسید که دخانیات از مهمترین عوامل پیدایش سرطان شش، التهابات قصبة الرئه تورم شش، سستی دوران خون در قلب، بند شدن رگ های خون در اطراف و تقریریکه درین باره صادر شده بیان میدارد که دخانیات سبب سرطان دهن، زبان، حنجره، حلقوم، مثانه و بنقریاس و سبب سقط جنین و ولادت طفل بصورت مرده، مردن پیش از پیری و قبل از وقت، زخم معده واثناعشر وتجارب ثابت ساخته که مواد تولیدکننده‌ء سرطان در قیری که از دود آن بالا می شود وجود داردو هم چنان تحقیقات پاتولوجی مواد دیگری را درآن ثابت میکند مانند، نیکوتین، قیر،کاربن مونو اکساید.

سرطان شش :

وفیات وتلفات که از اثر دخانیات در تمام دنیا وجود داشته و استمرار و ادامه‌ء آن بدون انقطاع است و پیدایش سرطان شش در هر دولت مربوط به دخانیات است و وقتیکه شخص از دخانیات امتناع ورزد خلایای مجرای هوائی از حالات غیر عادی بحالت طبیعی پس می گردد این وضع از نظر هستولوجی بتوکید ثابت می سازد که توقف دادن دخانیات احتمال اصابت بمرض سرطان را تقلیل می بخشد در وقتیکه مقایسه شود با شخصیکه همیشه بآن دوام میدهد.

التهاب در قصبة الرئه و انتفاخ شش ها:

مطالعات طبی تائید میکند که کفایت و فعالیت شش شخص معتاد به دخانیات کمتر است از کفایت شخصیکه بآن عادت ندارد و ثابت شده که خالیگاهای هوائی شش بسبب بند شدن و انسداد خالیگاه های شش ها بدرجهء ضعف و ناتوانی میرسند، واین انسداد به بسیار سستی و تدریج صورت می گیرد و در ظرف چندین سال به این درجه میرسد و این مریض طور عادی با دچار شدن به این عذاب سخت پیش از ده سال نمیمیرد و وی در گرفتن و اخراج هوا مانند مرده می باشد.

ضعف دوران خون در قلب:

تقدم علم و معرفت ثابت ساخته که کاربن مونواکساید نقش فعال و عامل موثری است در زیادت حالات سستی دوران خون در قلب، و این گاز در وقت سوختن سگرت پنج فیصد می باشد. واین گازبا هیموگلوبین زیادتر یکجا می شود از اکسیجن کرده و ازین سبب نقل اکسیجن در انساج سست تر و ضعیف تر می شود.

وقتیکه در حالات مرض قلبی در وظایف قلب تغییری بیاید فشار خون بالا رفته و ضربات قلب از تاثیر نیکوتین زیادتر سریع میشود و سستی وظیفه قلب و کم شدن ضربات آن ازتاثیرکاربن مونواکساید است.

امراض شرائین خونی دماغ :

دلائلی مختلف وجود دارد که ممکن است دخانیات سبب زیادت خطر مصاب شدن به امراض شرائین خونی دماغ گردد و مطالعات وسیعی که درایالات متحدهء امریکا صورت گرفت به اثبات رسانیده که سالانه تلفات

زیادی از مصاب شدن به امراض شرائین خونی دماغ نزد اشخاصیکه سگرت می کشند بوقوع می پیوندد.

زخم معده :

مطالعات و تحقیقات جدید اشاره میکند باینکه استعمال دخانیات که توازن بین افرازات مواد تیزابی و القلی را برهم میزند وسبب ازدیاد حرکت معده وروده ها میشودو یگانه سبب آن نیکوتین است که سبب این مشاکل می گردد.

دخانیات و حمل :

از اثر مطالعات وتحقیقات زیادی که دراطفال نوزاد در بریتانیا صورت گرفت به این نتیجه رسیدند که مهمترین تاثیر دخانیات در اثنای حمل سست شدن نموی جنین و زیادت وفات در وقت ولادت است.

استعمال دخانیات بدون اراده :

چیزی ثابت این است که تاثیر دخانیات در مرتبهء اول به خود شخص استعمال کننده است که امراض خطرناك را به وجود می آورد و لیکن اشخاصي که در جاهای مختلف دچار دود سگرت می شوند در حالیکه خود شان هم عادت ندارند ازین تاثیر دخانیات دچار اُضرار می کردند و مخصوصاً که دچار اکسیدکرین گردند و علاوه بر آنکه گازهای آن سبب حساسیت هم می گردد.

دخانیات و خدمات صحت عامه :

امراضیکه از اثر دخانیات پیدا می شود ویاخطرآنها زیاد میگردد ،فشار و تکلیف زیادی را بر تشکیلات صحت عامه که مربوط دولت است وارد میکند. بعضی از احصائیه ها و تحلیلات نشان میدهد که مصارفیکه

به امراض دخانیات بمصرف میرسد زیادتر از آن عوایدی است که ازتنباکو بدست می آید.

ادامه دادن دخانیات :

نیکوتین ماده‌ء است در تنباکو که سبب ادامه استعمال دخانیات میگردد و آن بر جهاز عصبی تاثیر فراوان دارد و تاثیر آن به شخص، حالت روحی و بمقدار آن اتکاء دارد و دخانیات بر اعصاب هم تاثیر آرام کننده و هم تاثیر تنبیه کننده دارد - و در جهاز عصبی به سبب داشتن نیکوتین تاثیر بیشتر و اولی دارد و افرازات خلایای عصبی بدون اراده را زیاد میسازد و اعصاب را به بیداری وامیدارد ولیکن این تنبیه در آینده سبب خمول و سستی اعصاب می گردد واگر مقدار آن زیاد و یا که اول مرتبه استعمال نماید خمول و جمودیت بدون تاخیر و بدون سابقه‌ء تنبیه می آید ومغز یا جهاز عصبی به نیکوتین به بسیار زودی عادت می گیرد و عادت به اعتیاد مداوم و استمراری تبدیل می شود. و تقریر پوهنتون شاهی بریتانیا که در سال ۱۹۷۷ صادر شده می گوید که مقدار نیکوتین موجود در یك سگرت ضامن کشتن یك انسان در اوج صحتمندی اوست که اگر آن مقدار از راه ورید در وجود وی تزریق گردد و شك نیست که استعمال دود نیکوتین عین تاثیر را بر صحت و حیات آدمی دارد البته در دراز مدت بیست یا سی سال.

تکلیف مالی دخانیات :

احصائیه دقیق اروپا و امریکا میرساند که مجموع دخلیکه حکومات از وارد شدن تنباکو می گیرند بمراتب کمتر است از مصارف معالجه و تداوی امراض که از آن پیدا می شود و بدون شك دخانیات حتی غنی ترین مملکت را ازنگاه مالی متضررمی سازدو مخصوصاً وقتیکه بدانیم که بریتانیا در

اثر مریضی کارگران به سبب دخانیات سالانه پنجاه ملیون روز کار را از دست میدهد (تقریر پوهنتون شاهی سال ۱۹۷۷) و در خود بریتانیا سالانه پنجاه هزار نفر پیش از وقت در اثر دخانیات میمیرند.

* * *

به این ترتیب به دلایل قطعی ثابت می شود که دخانیات به مال، نفس وعقل ضرر زیاد دارد که منجر به تلف شدن این ضروریات می گردد که خداوند ما را به حفاظت و عدم تلف کردن آنها امر کرده است و ازینجا حرمت دخانیات بهمه اشکال و انواع آن ثابت گردیده و حرمت آن قطعی و یقینی حساب می شود تا که صحت، حیات و اموال فرد و اجتماع مصئون و محفوظ بماند.

والله اعلم

بگذارند وازآن صرف نظر نمایند و بر اشخاص غیر معتاد لازم است تا ازآن بپرهیزند و بآن نزدیك نشوند.

دکتور عبدالجلیل چلپی

عضو انجمن بحث و تحقیقات اسلامی

* * *

حکم شرعی که نفس انسانی به آن مطمئن شده و آرام می گیرد این است که: دخانیات حرام است. و دخانیات از جمله آن خبائث است که دارای طعم و ذائقه تلخ، بوی بد و مکروه، اضرار زیاد و عواقب وخیم است بنابران حرام است. والله اعلم

دکتور حامد جامع

منشی سابق جامع الازهر و عضو

دائرة المعارف فقه اسلامی در کویت.

* * *

فعلاً اهل فن و متخصصین امور طبی طور قطعی به این نتیجه رسیده اند که حکم استعمال دخانیات بصفت عموم بین حرام و کراهیت تحریمی می چرخد. و حکم تجارت آن هم به این اساس است که کسیکه می خواهد آنرا تجارت کند حکم آن بین حرام و مکروه تحریمی است زیرا آن شخص درین صورت در حرام مضر یا در مکروه تحریمی تجارت میکند که در سرحد حرام قراردارد.

دکتور زکریا بری

استاد و رئیس دیپارتمنت شریعت اسلامی،

فاکولته حقوق پوهنتون قاهره وعضو انجمن

تحقیقات اسلامی وعضو انجمن فتوی جامع الازهر

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمند
دکتور احمد عمر هاشم
رئیس دیپارتمنت حدیث فاکولته اصول دین
پوهنتون الازهر

اسلام اشیای پاك را حلال و خبائث را حرام گردانیده است و دعوت میکند که مسلمانان قوی و تنومند باشند و قوت های شانرا به دخانیات وغیره عادات مضره که عقل و صحت را ضعیف ساخته ضعف و سستی را بوجود می آورد ضعیف نه سازند. خطر دخانیات در اسکار و نشه آوری آن نیست زیرا آن مسکر نبوده و نه بخاطر قیمت بودن آن است و نه در اضرار صحی آن است و بس... بلکه خطر آن درین است که شخص استعمال کننده به بسیار سرعت بآن عادت می گیرد ومعتاد دائمی میشود و وقت زیادی را بدون آن گذرانیده نمی تواند و هم چنان خطر آن در سرعت وسهولت انتشار آن است و داد و گرفت آن در هر وقت و در هر جای امکان دارد. و طوریکه طب جدید کشف کرده است دخانیات بر جهاز تنفسی دارای خطرهای زیاد است مانند سرطان شش، سرطان حنجره، التهابات دائمی قصبة الرئه، ضربان قلب و ضربان اوعیهء خونی مغز.

و بر جهاز هضمی نیز خطرهای دارد: مانند سرطان لب، سرطان دهن، سرطان حلقوم، مری و زخم معده و زخم اثنا عشر، سرطان بنقریاس و بهمین

ترتیب بر جهاز بولی نیز خطری دارد مانند تومورهای سلیم مثانه وسرطان مثانه و سرطان گرده.

وقتیکه این را فهمیدیم، اسلام می گوید، خویشتن را بدست خود در هلاکت نه اندازید وخود را نکشید و حضرت رسول الله ﷺ می فرماید: چیزیکه شما رادر اشتباه می اندازد آنرا بگذارید و چیزی را بگیرید که شما را در اشتباه نمی اندازد «ولا ضرر ولاضرار» وهم چنان رسول الله ﷺ از هر چیز نشه آور و سست کننده‌ء اعضاء منع کرده است.

این نصوص قرآن و سنت با اضرار عملی دخانیات یکجای شود ازین مقدمات یك نتیجه بدست می آید و آن اینکه: استعمال دخانیات حرام است و اگر علماء سابق به حرمت آن قایل نبودند باین دلیل است که اضرار آنرا کشف نکرده بودند و برای زیادتر واضح ساختن این کار، رسالت ووظیفه‌ء اسلام را در مقاومت در برابر اضرار بیان میداریم که اسلام به حفاظت صحت دعوت میکند و در آینده می بینیم که استعمال دخانیات منافی و مخالف آن است بلکه آن دعوت به هلاکت وضیاع مال وصحت است.

اسلام دین حق و خیر و دین عبادت وعمل است، پیروانش را به سعی و عمل و تقدم و نهضت دعوت میکند و تمام آن در وقت صحت و سلامتی و قدرت وقوت بدنی است. ازین سبب اسلام به صحت بدن توجه کرده و سلامتی و عافیت آنرا خواهان است. و هم چنان به وقایه‌ء امراض دعوت و امر میکند از وسایل سرایت و انتشار مرض خود داری نمایند که مبادا صحت و تندرستی شان متضرر شود.

و پیروانش را امر میکند که در صورت دچار شدن بمرض تداوی و معالجه نمایند و بمنظور اینکه عادات مضربه صحت انسان تسلط پیدا نکند انسان را امر میکند که دربرابراستمرار وادمان عادت مضر مقاومت و

مبارزه نماید. توجه اسلام به صحت ابدان خیلی ها زیاد و موکد است که امر میکند تا غذا و مشروبات طوری منظم شود که در آن افراط و اسراف نبوده باشد چنانچه حضرت رسول الله ﷺ می فرماید: (بنی آدم ظرفی را بدتر از شکم پر نکرده است برای انسان چند لقمهء کفایت میکند که او را استوار نگهدارد و اگر زیاد خوردن آن ضرور باشد پس سوم حصهء شکم برای طعام و سوم حصهء آن برای آب و سوم حصه اش برای تنفس باید باشد) [بروایت احمد و ترمذی] هم چنان می فرماید: (آب را مانند اشتر بیك نفس منوشید بلکه به دو یا سه نفس آنرا بنوشید. و در وقت نوشیدن نام خدا را بزبان آورید و در وقت بالا کردن سرتان الحمدلله بگوئید). وهم چنان حضرت رسول الله ﷺ از تنفس ویا پف کردن در آب منع کرده است.

و حفظ کردن صحت بدن تنها منحصر به طعام نیست بلکه خواب را هم شامل میشود و اسلام هدایت میدهد که باید انسان به پهلوی راست بخوابد زیرا خواب به پهلوی چپ به قلب و به تنفس مضر تمام میشود به این اساس حضرت رسول الله ﷺ امر میکند که انسان به پهلوی راست خود خواب کند: از براء ابن عازب روایت است که رسول الله ﷺ فرموده: وقتیکه می خواستی به بستر بروی مثلیکه به نماز وضوءمی سازی همانطور وضوء بکن و بعد از آن خود را به پهلوی راست به انداز و بگو که: ای خدا من خود را بتو سپاریدم و رویم را طرف تو گردانیدم و کار خود را به تو تفویض کردم و پشتم را به پناه تو دادم، از روی رغبت و ترس تو از تو و هیچ جای نجات و پناهگاهی از خوف تو نیست مگر به طرف خودت، بکتابی که نازل کردی و به پیغمبری که تو فرستادی ایمان آوردم، و این کلمات آخرین کلماتی است که باید بگوئی ... از جملهء دعوت اسلام به صحت و حفاظت صحی بدن دعوت به نظافت، مکان و لباس است بلکه اسلام پاکی لباس، بدن و مکان را شرط صحت نماز میداند و به وضوء امر

کرده می گوید: (یَا أَیُّهَا الذینَ آمَنُوا إذَا قُمْتُمْ إلی الصَّلاة فَاغْسِلُوا وَجُوهَکُمْ وَ أیْدِیَکُمْ إلی المَرافق وَ امْسحُوا بِرؤُسِکُمْ وَأَرْجُلَکُمْ إلَی الکَعْبَیْنِ وانْ کنتم جنباً فاطهروا) ای مسلمانان چون برای نماز برخاستید روی و دست های تانرا تا آرنج ها بشوئید و بسر تان مسح کنید و پای تانرا تا شتالنگ ها بشوئید و اگر جنب بودید غسل نمائید. (مائده - ٦)

اسلام به شستن خالیگاه دندان ها، نظافت دهن و استحباب مسواك امر میکند و حضرت رسول الله ﷺ می فرماید: اگر بر امت من مشکل تمام نمی شد من ایشانرا در هر نماز امر می کردم که مسواك استعمال کنند. و بعد از توجه و اهتمام بصحت ابدان جانب وقایه را به نظر ارزش و اهتمام می بیند زیرا که استمرار به صحت توسط وقایه از امراض است طوریکه می گوید: وقایه بهتر ازمعالجه است، در جانب وقایه اسلام از مخالطت مریضان نهی میکند از حضرت جابر روایتست که در جملهء نمایندگان بنی ثقیف مردی بود مصاب بمرض جذام رسول الله ﷺ نزد او نفر فرستاد وبرایش گفت که: تو مراجعت کن با ما بیعت کردی. (بروایت مسلم).

در حدیث دیگری می گوید: مثلیکه از شیر فرار می کنید از مجذوم هم فرار نمائید. و از ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: باید که شخص مریض بر شخص صحتمند داخل نشود.

بمنظور حفظ صحت واحتیاط به وقایه ازامراض رسول الله ﷺ می فرماید: باید در شهریکه مرض ساری باشد کسی در آن داخل نشود و از آن شهر هم کس بیرون نشود چنانچه در بخاری و مسلم است، عامر ابن سعد ابن ابووقاص از پدرش روایت میکند که دربارهء طاعون گفت: وقتیکه شنیدید که در سر زمینی طاعون است در آن داخل نشوید و اگر درجای بودید که در آن طاعون بود پس از آن بیرون نبرائید که از آن فرار کنید.

ووقتیکه حضرت عمر ابن خطاب یکی از شهرهای شام را بنام عمواس سیاحت می کرد و طاعون در آن شهر انتشار یافته بود. حضرت بدلیل آن حدیث در شهر داخل نشد ابو عبیده ابن جراح برایش گفت: آیا از تقدیر خداوندی می گریزی؟ گفت بلی از یك تقدیر خدا به تقدیر دیگرش می گریزیم، چه می گوئی که تو اشتری داشته باشی که در یك وادی آنرا بچریدن رها نمائی یك طرف وادی دارای علف بوده و جانب دیگرش خشك باشد آیا این حقیقت نیست که اگر در علفزار بچرانی آنرا به تقدیر خداوندی چرانیدی و اگر در طرف خشك هم بچرانی آنرا به تقدیر خداوندی چرانیده ء؟ این هدایات نبوی ﷺ در وقایه از امراض در عصر حاضر بنام قرنتین صحی یاد می شود که اسلام ازعلوم عصری و طب به سالهای زیادی پیش است.

از جمله هدایات نبوی در جانب وقایه این است که انسان در وقت نوشیدن آب باید که در جام یا گیلاس تنفس نکند و هم چنان به پوشانیدن ظروف و بسته کردن دهن مشك آب امر کرده و از آب نوشیدن از دهن مشك نهی نموده است. از جابر روایت است که حضرت رسول الله ﷺ از نوشیدن آب از دهن مشك نهی نمود، و اسلام به منظور وقایه از امراض به نظافت بدن و سائر اعضاء، دندان ها، قطع کردن ناخن امرکرده و از جمله عوامل وقایه نیز نهی از بول درآب های ایستاده است از جابر روایت است که حضرت رسول الله ﷺ از بول در آب راکد منع نموده و هم از بول کردن در آب های جاری نهی کرده است زیرا بول در آب از عوامل انتشار امراض است و چون عوام الناس درین امور سهل انگاری می کنند مرض در بین شان انتشار یافته وسرایت میکند و ازآن جمله نیز اموری است که بصاحبش سبب لعنت می شود و مروت وی ساقط شده و مردم از وی نفرت میکنند و رسول الله ﷺ از آن برحذر ساخته و می فرماید که: از سه عوامل لعنت بپرهیزید، بول و غائط در جاهای آب مردم، راه وسایه، بروایت ابو داود .او

می فرماید: کسیکه در راها باعث اذیت مسلمانان شود لعنت شان بروی لازم می گردد، (بروایت طبرانی)

و در تداوی نیز اسلام به تمسك به اسباب، استعمال دواء و تداوی تشویق نموده است رسول الله ﷺ می فرماید: (خداوند برای هر دردی دوائی آفریده پس تداوی کنید و به حرام تداوی ننمائید)، بروایت ابو داود، اسلام در حالیکه بتداوی امر میکند از تداوی به حرام منع می نماید، از اسامه ابن شریك روایت است که گفت: من نزد رسول الله ﷺ بودم که عرب های بادیه آمدند و گفتند: آیا ما تداوی کنیم؟ گفت: بلی ای بندگان خدا تداوی کنید زیرا خداوند برای هر دردی شفای آفریده غیر از یك درد که آن پیری است. (بروایت نسائی) و باید هیچ کس فکر نکند که تداوی و استعمال اسباب مخالف تقدیر خداوندی است بلکه تمام آن از قضا و قدر الهی به شمار میرود از ابوهریره روایت است که گفت: ای رسول خدا آیا ما دم و دعا بکنیم؟ و به دواء تداوی نمائیم؟ ووقایه و پرهیزگاری کنیم؟ و آیا این چیزها قضا و قدر خداوندی را رد میکند؟ رسول الله ﷺ فرمودند، این ها نیز از قضا و قدر خداوندی است . (بروایت احمد و ترمذی).

بعضی ها می خواهند که برای دیگران نشـــان بدهند که دربعضی مشروبات حرام شفاء است و برخی دیگری می گویند که این مشروبات سبب علاج انواع مختلف امراض محسوب می شود و لیکن اسلام وقتیکه چیزی را حرام می گرداند آنرا طور قطعی و نهائی حرام می سازد و در چیز حرام خداوند شفاء نمیدهد و نه درآن شفاء وجود دارد ازعبدالله ابن مسعود روایت است که گفت،: خداوند شفای تانرا در چیزی مقرر نکرده که آنرا حرام ساخته است . بروایت بخاری.

از بیانات گذشته نتیجه می گیریم که:

۱- از اول باید که صحت ابدان را حفظ نمائیم.

۲- امر به تداوی در وقت پیدایش امراض.

۳- ولیکن گاهی بعضی ظواهر یا مشروبات و یا محیط به انسان غلبه میکند تا که آن چیز به حیث عادت استمراری میشود و از ان نمیتواند که خود را نجات بدهد و در اول مرحله خطرش بروی معلوم نمی گردد و این را پدیده - ادمان یاعادت استمراری می گویند که در بعضی مشروبات یا عادات و یا دیگر سلوك که شیطان آنرا به انسان زینت میدهد و یا نفس اماره بالسوء آنرا به انسان امر میکند.

معنای ادمان، مداومت کردن بچیزی،ووقتیکه انسان بشراب عادت گرفت آنرا ادمان می گویند. و حضرت رسول الله ﷺ از هر چیز نشه آور نهی کرده و آنرا شراب گفته و حرام دانسته است و آن از جملهء گناهان کبیره محسوب می شود و در حال اسلام دروازهء توبه را باز مانده کسیکه توبه می کند آن دروازه باز است و توبه آن است که از نوشیدن آن منصرف شود و از گذشته ندامت بکشد ووقتیکه بنده از گناه توبه نکند و به آن استمرار نماید آنرا مدمن می گویند و این شخص مرتکب گنهٔ کبیره است. و خداوند توبه اش را نمی پذیرد زیرا شروط قبول توبه برابر نیست. از ابن عمر روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: هر چیز سکر آور و نشه کننده شراب و هر نشه آور حرام است و کسیکه در دنیا شراب بنوشد و بمیرد و از آن توبه نکند از شراب آخرت برایش داده نمیشود.بروایت مسلم . و خداوند در آخرت برای بندگان مسلمان جوی های شراب آفریده که فقط برای لذت است و بس و این شراب آخرت مانند شراب دنیا سکر و نشه نمی آورد.

و مشروبات الکولی دارای خطر بزرگ است و مخصوصاً کسیکه همیشه آنرا بنوشد زیرا به جهاز عصبی و هضمی تاثیر منفي دارد و شخص نوشنده را به مرض سل، قلب، معده، جگر متبلا می سازد و در ین هیچ گونه شکی وجود ندارد و اسلام می گوید که در شراب هیچ گونه شفاء برای هیچ مرض نیست بلکه خود آن مرض و درد است. از طارق ابن سویه روایت است که از رسول الله ﷺ راجع به شراب پرسید در جواب گفت که آن دواء نبوده بلکه خودش درد است (بروایت مسلم).

تحریم شراب منحصر به کثرت آن نبوده بلکه کم و زیادی آن حرام است زیرا هر چیزیکه اسکار نماید کم و زیاد آن حرام می باشد و هم چنان حرمت مداومت تنها به شراب و دیگر مسکرات نبوده بلکه شامل دخانیات و همه مواد مخدره نیز می باشد.

نوشیدن شراب و مشروبات الکولی و استمرار بر آنها سبب امراض مختلف می گردد و آن پلید و نجاست بوده و پاك نیست خداوند می فرماید: که شراب، قمار، بت پرستی و تیرهای غیب گوئی همه و همه پلید و نجاست بوده از فعل شیطان است و در ترك آنها سلامتی جسم و روح انسان است و عمل کردن بآنها سبب دشمنی و عداوت و باز داشتن از ذکر خدا و از نماز وروزه است.

زیرا شیطان می خواهد که در بین شما در نوشیدن شراب و قمار بازی دشمن و عداوت باندازد و شما را از راه خداوند ،کامیابی دنیا و آخرت محروم نماید پس بر شما لازم است که از آنها بپرهیزید. اسلام شراب را در تداوی هم اجازه نمیدهد وقتیکه رسول الله ﷺ از تداوی به شراب پرسیده شد در جواب فرمود که: آن خودش مرض است نه دواء.

اگر برای بعضی ها چنین ظاهر شود که آن دواء است و در عین حال

برایش این هم معلوم میشود که آن سبب درد ها و امراض جسمی و روحی نیز می باشد چنانچه امام ابن قیم در کتاب - طب نبوی می گوید: معالجه و تداوی به اشیای حرام از نظر شریعت و عقل بد و قبیح است و از نظر شریعت بدلیل احادیث زیاد و از نظر عقل بدلیل اینکه حرمت آن بسبب خباثت آن است زیرا چیزهای پاك بالای این امت به حیث جزاء حرام نمیشود طوریکه برنبی اسرائیل به حیث جزا حرام شده بود خداوند می فرماید: (فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُواحَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ) بسبب ظلمی که بنی اسرائیل کرد چیزهای پاك را حرام گردانیدیم - و براین امت چیزیکه حرام شده بدلیل خباثت آن است و مقصد از تحریم خوردن، نوشیدن و داد و گرفت آن است پس سزاوار نیست که در امراض از آن شفاء و علاج طلب شود زیرا اگر طورفرض در ازاله مرض تاثیر کند خودش امراض را بوجود می آورد که بدتر و خطرناك تر از مرض اولی است و مخصوصاًکه در قلب تاثیر منفی دارد بنابران تداوی بآن سبب ازالهء مرض بدن و علت پیدایش امراض دیگری مانند مرض قلب وغیره است.

استمرار ومداومت برمخدرات باعث ایجاد صفات ذمیمه و بد می گردد مانند جبن، عدم احساس مسئولیت ،ضعف اراده ودیگر اضرار جسمی و عقلی که از بین رفتن صحت، آوردن جنون، ضعف حافظه و دیگر اضرار اقتصادی و روحی ....

دلایل زیادی برتحریم مخدرات وجود دارد: مانند قول خداوند که؛ اشیای پاك را برای شان حلال و خبائث را برای شان حرام گردانید و حدیث لاضرر و لاضرار [بروایت احمد و ابن ماجه].

از ام سلمه ام المومنین روایت است: که رسول الله ﷺ از هر چیز نشه آور و سست کننده نهی کرد بروایت احمد و ابوداود وتحریم اشیای

مخدرضمن تحریم شراب می آید زیرا شراب مسکر بوده و مخدرات مانند شراب عقل را مختل می سازد و آنرا از طبیعتش بیرون می کشد و طوریکه عمر ابن خطاب می گوید که، خمر (شراب) آنست که عقل را بپوشاند و مختل سازد (بروایت بخاری مسلم).

اگر ما به کسانی نظر اندازیم که به چرس و تریاك عادت دارند تاثیر آنها را واضح می بینیم زیرا که آن شخص دور را قریب و قریب را دور می بیند و امور غیر واقعی را تخیل میکند.

امام ابن تیمیه و امام قرافی بر حرمت چرس اجماع را نقل میکنند و ابن تیمیه می گوید هر کس که آنرا حلال بداند کافر می شود.

دخانیات از هر چیز دیگر کرده زیادتر انتشار دارد و آن درین حدیث شامل است که «لاضرر ولاضرار» و هم چنان درین نهی شامل است که: حضرت رسول الله ﷺ از هر چیز سکر آور و سست کننده منع کرده است و خطر دخانیات درعصر حاضر کشف شده بنابران حکم آن بر اساس ضرر و سست کردن آن است لذا بعضی ها آن را مکروه دانسته و برخی دیگری حرام میدانند و تعداد دیگری می گویند که حرمت و کراهیت برعوارضی مرتب میشود که ظاهر گردد مانند ضرر یا مرض و علوم جدید و طب درین اواخر اضرار آنرا کشف کرده که آنرا داخل نهی لاضرر ولاضرار می آورد. بنابران برهر اجتماع لازم است که اعتیاد به آنرا به هر امکانیاتی که باشد از بین ببرد و ماطرق ذیل را پیشنهاد می کنیم:

اول : رهبریت نیك و حسن از طرف معلمان، مربی ها، معلمین، پدران و مادران.

دوم : ارشاد و رهنمائی و زیاد ساختن و تمرکز نمودن مفکوره دینی و طبی درین باره.

* * *

برابر است کـه دخانـیات حرام قـطعی باشد یـا مکروه تحریمی، اسلام مبارزه بر ضدآنرا تائید ولازمی میداند زیرا طورعمومی برای مسلمان واجب است که در نواحی صحی، فکری، روحی، اقتصادی و اخلاقی، قوی وکامل بوده باشد.

شیخ عطیه صقر

عضو انجمن فتوی و انجمن تحقیقات

اسلامی در جامع الازهر

* * *

استعمال دخانیات بهروجه که باشد، طورعاجل یا دراز مدت سبب امراض مختلف می شود که خطرناك ترین آن امراض قلبی، سرطان در جهاز تنفسی و تناسلی است، و در آن نیز اسراف و مصرف مال درغیر مورد است بنابران شرعاً حرام میباشد. در صورتیکه حرام باشد شریعت و عقل امر میکند که از آن اجتناب شود. والله اعلم

شیخ مصطفی حدیدی طیر

عضو انجمن تحقیقات اسلامی

* * *

چون به اتفاق و اجماع دانشمندان و متخصصین طب به اثبات رسید که استعمال دخانیات و مواد مخدره به عقل و مال و جسم ضرر دارد و سبب تلف شدن و یا تعطیل بعضی از اجزاء و اندام انسان گردیده و سبب

هدایات صحی

سلسلهء تعلیمات صحی از خلال تعالیم دین

۱

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمابان محترم

امام جادالحق علی جاد الحق
دکتور عبدالجلیل چلپی
دکتور حامد جامع
دکتور ذکریا بری
شیخ عطیه صقر
شیخ مصطفی محمد حدیدی طیر
شیخ عبدالله مشد
دکتور احمد عمر هاشم
دکتور حسینی هاشم
شیخ مهدی عبدالحمید مصطفی

مترجم : نعمت الله شهرانی

سازمان صحی جهان

دفتر منطقوی برای شرق بحر مدیترانه

هدایات صحی

سلسلهء تعلیمات صحی از خلال تعالیم دین

حکم دین در استعمال دخانیات

بقلم فضیلتمابان محترم

امام جادالحق علی جاد الحق — شیخ مصطفی محمد حدیدی طیر
دکتور عبدالجلیل چلپی — شیخ عبدالله مشد
دکتور حامد جامع — دکتور احمد عمر هاشم
دکتور ذکریا بری — دکتور حسینی هاشم
شیخ عطیه صقر — شیخ مهدی عبدالحمید مصطفی

مترجم : *نعمت الله شهرانی*

سازمان صحی جهان

دفتر منطقوی برای شرق بحر مدیترانه